Vol. 7 | No. 1742 | Mon. Aug 31. 2020 | دوشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۹۹ | ۱۱ محرم ۱۴۴۲ | سال هفتم | شماره ۱۷۴۲ | ۸ صفحه | قیمت: ۳۰۰۰ تومان

WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR

تعادل

نیاز اقتصاد ایران

دلار -- | یورو -- | تمام‌سکه ۱۰۸۳۰۰۰۰ تومان | شاخص بورس --

فاصله پولدارها و کم درآمدها هر روز بیشتر می‌شود

زنگ خطر افزایش شکاف تورمی

صفحه ۲

سخنگوی انجمن سازندگان قطعه و مجموعه‌های خودرو:

دلایل احتمالی افزایش قیمت خودرو

صفحه ۷

همتی: القای انفجار نقدینگی و ابر تورم ناکام و افزایش موقتی تورم کنترل شده است

کدام کنترل تورم و نقدینگی؟

طبیبیان: روند نقدینگی در سال‌های اخیر اگر نشان از انفجار نیست، نشانه چیست؟

«تعادل» از تصمیم جدید دولت برای وزارت صنعت، معدن و تجارت گزارش می‌دهد

«سرقینی» در آستانه وزارت

صفحه ۷

«تعادل» حاشیه‌های اتفاقات روستای ابوالفضل و ۳۰۰ سکونتگاه غیررسمی در حاشیه اهواز را بررسی می‌کند

تراژدی خارج از محدوده

صفحه ۵

یادداشت - ۱

خطر عدم جذب نقدینگی در تولید و رشد سوداگری

بهمن آرمان

اخیرا انتقادهایی از رشد نقدینگی و تورم و انتظارات تورمی از سوی برخی کارشناسان مطرح شده و رییس کل بانک مرکزی نیز با اشاره به رشد پایه پولی و نقدینگی در سال ۹۹، اعلام کرده که افزایش تورم مهار شده است. به عبارت دیگر، چه مدافعان وضعیت نقدینگی و تورم فعلی و چه منتقدان آن به اعداد و ارقام و اثر آن بر قیمت‌ها اشاره دارند. در حالی که مهم‌تر از موضوع رشد دایمی نقدینگی و تورم موجود، چگونگی استفاده از نقدینگی موجود در اقتصاد است.

اگر تلاش شود که این نقدینگی به سمت تولید، امور مولد و ایجاد ارزش افزوده هدایت شود، نه در میان مدت و بلندمدت از آثار تورمی آن کاسته خواهد شد و در حال حاضر با توجه به اقبال مردم به سمت بورس و جذب روزانه حدود ۱ هزار میلیارد تومان به بازار سرمایه، می‌توان از این فرصت در جهت تامین مالی پروژه‌های بزرگ و شرکت‌های موجود در بورس بهره برد. یعنی به جای آنکه خلق پول و نقدینگی و اضافه شدن روزانه ۲ هزار میلیارد تومان به نقدینگی کشور، عامل رشد قیمت‌ها شود و این حجم عظیم نقدینگی ۲۷۰۰ هزار میلیارد تومانی در بازار کالا و دارایی و سهام برای خرید و فروش صرف شود و برای عده‌ای ایجاد سود کند، باید این پول جذب تولید و شرکت‌ها شود و صرف ایجاد و توسعه و تعمیرات و بازسازی و نوسازی صنعتی کشور و ایجاد طرح‌های جدید شود.

وقتی این حجم عظیم نقدینگی داریم و مردم علاقه‌مند هستند که با پول خود در بورس سود ببرند چرا از این پول برای ایجاد طرح‌های جدید، توسعه شرکت‌ها و رشد تولید شرکت‌های موجود بورس بهره نمی‌بریم؟

ماموریت اصلی بازارهای مالی از جمله بانک‌ها و بورس، باید تامین منابع مالی بلندمدت برای تولید و صنعت باشد تا اشتغال ایجاد شود، بهره وری و کارایی افزایش یابد. در نتیجه هدایت نقدینگی، رشد نقدینگی و کنترل‌های موجود، باید دغدغه اشتغال و تولید و سرمایه گذاری داشته باشد.

این در حالی است که برخی سیاست‌ها و عملکردها، تصمیم گیری‌ها و رفتارها، عملا سوداگری را در بازارهای مالی تشویق می‌کند و سفته بازی و خرید و فروش و کسب سود را جایگزین تولید و سرمایه‌گذاری کرده است. برخی صاحب نظران نسبت به این روند انتقاد دارند و معتقدند که دست‌هایی در کار است تا بورس بجای اینکه تامین کننده منابع مالی برای بنگاه‌های تولیدی و اجراء پروژه‌های استراتژیک زیر ساختی و ایجاد رشد اقتصادی و اشتغال باشد به یک کازینو برای سوداگران تبدیل شود. بارها گفته و نوشته‌ام که بزرگ‌ترین پروژه ساختمانی سده گذشته (تونل زیر دریای مانش) از طریق تاسیس یک شرکت سهامی عام و پذیره‌نویسی سهام آن توسط ۲۲۰ هزار نفر انجام گرفت ولی گوش شنوایی نیست آیا اندیشیده‌اید که با این روش می‌توان چند میلیون خانه و چند هزار کیلومتر آزادراه ساخت؟

متاسفانه برخورد انفعالی در ایجاد بازار اولیه و تاسیس شرکت‌های سهامی عام جدید را شاهد هستیم و دولت و بورس باید تمرکز خود را برای تامین منابع مالی پروژه‌های جدید بر بازار سرمایه متمرکز کند. چندین سال پیش undp (زیر مجموعه سازمان ملل) به این نتیجه رسید که ایران باید به قطب تولید آهن اسفنجی تبدیل شود یعنی سنگ آهن وارد کند و آنرا با گاز طبیعی فراوانی که دارد تبدیل به آهن اسفنجی و صادر کند. این پیش‌بینی در حال تحقق است زیرا چین باید تولید فولاد خود را از طریق زغال سنگ کاهش دهد آن هم در مقیاس ۵۰۰ میلیون تن. ما در زمینه ساخت واحدهای احیاء مستقیم نیاز ارزی فراوانی نداریم و بورس می‌تواند تامین منابع مالی مورد نیاز را به عهده بگیرد همه باید کمک کنند شرکت‌های تامین سرمایه، کانون نهادهای سرمایه‌گذاری و وزیر اقتصاد و نمایندگان مجلس باید کمک کنند این خلأ هر چه زودتر پر شود. سازمان بورس و فرابورس که مسوول بازار اولیه هستند باید از موضع منفعلی که در پیش گرفته‌اند خارج شوند و شرکت‌های بزرگ سهامی عام برای ایجاد و توسعه طرح‌های بزرگ صنعتی ایران در صنایع زیر بنایی، جاده‌سازی، خانه‌سازی و... ایجاد شود و این همه پول و نقدینگی موجود را در این مسیر سرمایه‌گذاری کنند تا با افزایش تولید و عرضه کالا، شاهد کاهش تورم باشیم.

همان‌طور که رییس کمیسیون اقتصادی مجلس گفته است رشد نقدینگی را می‌توان در پروژه‌های ملی استفاده کرد، و با تشکیل شرکت سهامی عام «توسعه پروژه» نسبت به تامین مالی پروژه‌ها و همچنین عرضه سهام این شرکت‌ها در بازار سرمایه اقدام کرد.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت - ۲

وضعیت کنونی اقتصاد و چند توصیه

مرتضی افقه

برای پیش‌بینی و تحلیل آینده اقتصاد کشور در بلندمدت و کوتاه‌مدت (نیمه دوم سال جاری)، یادآوری چندباره نکات زیر بسیار ضروری است:

۱- سال‌هاست که متغیرهای اقتصادی ایران به‌شدت تحت تأثیر متغیرهای غیراقتصادی هستند. به همین دلیل سیاست‌ها و اقدامات صرفاً اقتصادی دولت (مالی و پولی) توان محدود و کوتاه‌مدتی تنظیم و کنترل شرایط اقتصادی کشور دارند.

۲- در واقع، سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها (تازه اگر مبتنی بر تئوری‌های علم اقتصاد باشند) تأثیرگذار می‌توانند باشند که اصولاً در کشور تولیدی صورت بگیرد و بستر رونق اقتصادی فراهم باشد. اما وقتی شرایط حاکم بر کشور به گونه‌ای است که اصولاً (البته در عمل و نه در اسناد سیاستی یا خطابه‌های تصمیم گیران و تصمیم‌سازان) تولید نیمه متوقف یا متوقف است یا صدها مانع (عمدتاً غیراقتصادی) اما قابل رفع وجود دارد اما اهتمامی فراتر از شعار برای رفع آن وجود ندارد، و در واقع بسیاری از سیاست‌های اقتصادی یا دستکاری صرفاً متغیرهای اقتصادی کارایی ناچیزی خواهند داشت.

۳- بعد از چهاردهه تلاش در ایجاد رشد و رفاه اقتصادی پایدار که با به کارگیری بسیاری از تئوری‌های شناخته شده اقتصادی صورت گرفت و ناکامی در نیل به نتیجه مطلوب، باید پذیرفت مشکلات مزمن و دیرپای اقتصادی ریشه‌هایی غیراقتصادی دارند که با فرمول‌های صرفاً اقتصادی بعد از این همه سال حتی کاهش نیافته‌اند. واقعیت آن است که مشکلات اقتصادی ریشه در نگرش فکری فلسفی تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کشور نسبت رفاه اقتصادی مردم از طریق افزایش تولید و اشتغال، کاهش یا رفع فقر و نابرابری، افزایش آزادی انتخاب و... دارند.

۴- حاکمیت چنین نگرش ضدتولید و ضدتوسعه‌ای در کشور، به تولید و تثبیت نظام تقنینی، اجرایی، اداری و بوروکراسی و کلاً ساختارهایی در کشور شده است که تولید واقعی را عملاً قفل کرده و نیل به رشد و رفاه اقتصادی پایدار را با مانع جدی مواجه کرده است.

۵- بنابراین مشکلات فعلی و احتمالاً آتی اقتصادی کشور ریشه در نگرش‌های ضدتولید و ضدتوسعه‌ای حاکم دارند و به ناچار، حل آنها در کوتاه‌مدت و حتی میان مدت، میسر نیست زیرا پذیرش ضرورت تحول اساسی در بینش‌ها و نگرش‌های ضدتولیدی و ضدتوسعه‌ای موجود امری بسیار دشوار و توأم با مقاومت خواهد بود.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت - ۳

نرخ ارز شناور یا مدیریت شناور

آلبرت بغازیان

علی‌رغم اظهارنظرهایی که توسط مسوولان بانک مرکزی در خصوص توفیقات این نهاد در مهار تورم مطرح می‌شود، باید به این نکته اشاره کرد که یکی از دلایل خارجی بروز تورم مرتبط با بحث نرخ ارز و کاهش درآمدهای ارزی و رهاسازی نرخ ارز توسط خود بانک مرکزی بوده است. یعنی بانک مرکزی که در سال‌های ابتدای فعالیت‌های دولت تدبیر و امید در مهار تورم کارنامه قابل قبولی را به ثبت رسانده بود در دوره جدید مدیریت بانک مرکزی، مجموعه‌ای از تصمیمات را اتخاذ کرد که در نهایت باعث تکانه‌های تورمی کشور شد. باید دید به چه دلایل موجه و غیرموجهی قیمت دلار از ۳ هزار تومان ناگهان رسید به ۲۶ هزار تومان و بعد دوباره به ۲۳ هزار تومان بازگردانده شد. من هیچوقت قانع نشدم که اصل موضوع در این خصوص نکاتی باشد که توسط متولیان امر مطرح می‌شود. به هر حال اگر بروز این مشکلات ناشی از کاهش درآمدهای ارزی بوده چرا برای مهار آن راهکارهای موثر تدارک دیده نشد...

ادامه در صفحه ۳

یادداشت - ۴

ضرورت ساماندهی مناطق حاشیه‌ای

مصطفی پودراتچی

واقعیت آن است که مساله سرپناه یکی از مهم‌ترین مقولات برای داشتن یک زندگی حداقلی در جهان امروز است؛ به عبارت روشن‌تر اگر امنیت فکری مردم جامعه‌ای در خصوص سرپناه دچار خدشه شود اساس زندگی فردی و اجتماعی آن جامعه دچار تکانه‌های شدید می‌شود. این جمله را برای ابتدای متن انتخاب کردم تا همه بدانیم که نخستین اولویتی که در مواجهه با موضوعاتی از جنس ماجرای روستای ابوالفضل باید مورد توجه قرار بگیرد حق داشتن سرپناه برای هر انسان است. امابهترین پیشنهادی که در زمان بروز مشکلاتی از جنس ماجرای روستای ابوالفضل می‌توان به مسوولان تصمیم گیر و تصمیم‌ساز داشت ضرورت برخورد معقول با موضوع و ساماندهی مساله است. باید توجه داشت که ماجرای روستای ابوالفضل، اولین نمونه از یک چنین مشکلاتی نیست و احتمالا آخرین نمونه آن نیز نخواهد بود. پیش از این در ماجرای باقرشهر ورامین یا خاک سفید تهران و زورآباد کرج یک چنین مشکلاتی بروز کرده بود و...

ادامه در صفحه ۲

یادداشت - ۵

مسیری برای رشد سهامداران خرد

سیدمصطفی صفاری

برخلاف برخی اظهارنظرها که به این نکته اشاره می‌کنند که ممکن است عرضه دارادوم به سرمایه‌های خرد آسیب بزند، معتقدم عرضه دارادوم به سهامداران خرد که اغلب در زمره طبقات کمتربرخوردار قرار می‌گیرند، بیشترین کمک و سود را خواهد داشت. سهامداران خردی که با امید ایجاد ارزش افزوده برای سرمایه‌های کوچک‌شان راهی بازار سرمایه می‌شوند و طبیعی است که باید اطلاعاتی در اختیار آنان قرار بگیرد که به رشد سرمایه‌هایشان کمک کند. معتقدم عرضه دارا دوم به این دسته از سرمایه‌ها برای رشد مساعدت می‌کند. می‌پرسید چطور؟ در این سازو کار به جای اینکه سهامداران به صورت فردی وارد بازار شوند؛ اغلب به شکل مشارکت در صندوق‌های سرمایه‌گذاری مُشا یا سبدگران وارد می‌شوند. یعنی از طریق تجمیع ظرفیت‌ها، سرمایه‌ها انعطاف بیشتری برای مانور در بازار خواهند داشت و همین انعطاف باعث افزایش اثرگذاری و در نهایت رشد سرمایه‌ها خواهد شد.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت - ۶

کادر درمان خسته اند

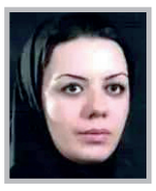

مریم شاهسمندی

تصور کنید بعد از ۱۸ ساعت کار مداوم حتی نمی توانی به خانه بروی و برای چند ساعتی استراحت کنی، چون تمام این ساعت ها را صرف رسیدگی به بیماران کرونایی کردی و حالا می توانی با رفتن به خانه جان خانواده‌ات را به خطر بیندازی، خیلی از پزشکان و پرستاران روزهای متمادی است که سری به خانه شان نزده اند، خیلی از آنها هم مانند ما خانواده دارند، پدر و مادری که چشم به راهند، فرزندی که دلتنگشان شده و همسری که روزشماری می کند برای دیدار دوباره. با تمام این اوصاف و هشدارهایی که داده می شود، خیلی از ما این روزهای تعطیل را بار سفر بستیم با این فکر که کرونا سراغ ما نمی آید. ما کلا جماعت فراموشکاری هستیم، خیلی زود یادمان می رود که چند نفر از کادر درمان در شهرهای مختلف جانشان را برای حفظ سلامتی ما از دست داده اند. یادمان می رود که چند خانواده در این روزها و ماه ها داغدار شده اند، شاید خیلی از آنها هم مانند ما فکر می کردند که کرونا سراغ آنها نمی رود، اما رفت و جان شیرین عزیزانشان را گرفت.

ادامه در صفحه ۸

گزارش روز

دکتر محمدرضا بهشتی:

پاندمی کرونا فرار از مسوولیت امریکا را به حاشیه برد

در طول ماه‌های گذشته، در اتفاقی کم سابقه، تقریبا تمام کشورهای دنیا با یک درد و رنج مشترک رو به رو هستند: شیوع ویروس کرونا. هرچند در سال‌های گذشته بسیاری از کشورها تلاش کرده‌اند در سایه دغدغه‌هایی جهان مانند گرم شدن زمین یا از بین رفتن محیط زیست، به اجماع برسند و بودجه‌هایی را در این زمینه به کار ببندند اما در نهایت هیچ عاملی مانند کرونا در زمانی کوتاه نتوانست دولت‌ها را مجبور به اجرایی کردن برخی سیاست‌ها کند. هرچند در نگاه نخست به نظر می‌رسد کرونا انسان را مجبور به بازگشت به برخی اخلاقیات کرد، اما دکتر محمدرضا بهشتی استاد فلسفه دانشگاه تهران می گوید ماجرا پیچیدگی‌های بیشتری دارد و باید به ابعاد مختلف آن نگاهی دقیق داشت. به گزارش جماران دکتر سیدمحمدرضا بهشتی در نشست «پاندمی کرونا و مسوولیت اخلاقی در علم و مناسبات اجتماعی» که در موسسه دین و اقتصاد، برگزار شد گفت: ما در پی آن هستیم که وضعیت کنونی را از این جهت مورد سوال قرار دهیم که تا چه اندازه این مساله با مسوولیت اخلاقی آن هم در عرصه علم و مناسبات انسانی و اجتماعی گره خورده است؟. در شش ماه اخیر با یک پدیده گسترده‌ای روبرو بودیم گذشته از اینکه عملکردها در سطح بهداشت و سلامت با یک ابعاد بی‌سابقه‌ای پرسش برانگیز بوده در عرصه نظری، اندیشه‌ای، فلسفی هم به سوال‌های بسیار مهمی قوّت بخشیده و افراد زیادی را به تأمل واداشته است. در درجه اول مساله نسبت گرفتن انسان با طبیعت مطرح است. استاد فلسفه دانشگاه تهران گفت: در داستان پاندمی کرونا به یک‌باره مسائل فلسفی چند دهه اخیر برجسته شدند. اگر دوستان مسائل را دنبال کرده باشند در محافل علمی و فلسفی، مقالات و نوشته‌هایی که در این باره منتشر می‌شود ابعاد بی‌سابقه‌ای دارد. یک واقعه‌ای قبل از این اتفاق افتاد و شاید نقطه‌ای بود که باید یک دفعه تمرکز و توجه‌ها به آن جلب می‌شد ولی نشد و در فضای سیاسی، تبلیغاتی و مناسبات گم شد و آن داستان خروج کشوری که به نظر می‌رسد در رأس فرهنگ، تکنولوژی، اقتصاد مغرب زمین قرار دارد؛ یعنی امریکا از یک قرارداد بین‌المللی در عرصه محیط زیست بود. خیلی اتفاق بزرگ بود. به نظرم کم از ماجرای بمباران هیروشیما نبود. بعد از بمباران هیروشیما و پایان جنگ تأمل شروع شد درباره اینکه ما توانایی‌هایی عظیمی پیدا کردیم. در یک لحظه ۲۰۰ هزار نفر با یک تصمیم انسانی و محاسبه خونسردانه که آیا ۳۰۰ هزار نفر بمیرند بهتر است یا اینکه جنگ ادامه داشته باشد؟ از میان می‌روند. یک دفعه تصمیم می گیریم و کسانی که در این تصمیم هیچ نقش و صدایی ندارند، درباره بود و نبودشان تصمیم گرفته می‌شود به یک‌باره با اجرای یک تصمیم از بین می‌روند و بعد هم در توجیه آن کار گفته می‌شود که آیا ۳۰۰ هزار نفر بمیرند بهتر است یا چند میلیون نفر بهتر است؟ گاهی فقط می گوییم انجام دادیم و تمام شد، خطا بود یا نبود مهم نیست. زمانی که می‌خواهیم چنین کاری را موجه کنیم وضعیت متفاوت می‌شود. اندیشمندان زیادی بعد از داستان بمب اتم درباره این ابعاد و مسوولیت انسانی و اخلاقی شروع به اندیشیدن کردند.

ادامه در صفحه ۴

دریچه

تاکید اتحادیه اروپا بر پایبندی به برجام

سـخنگوی اتحادیه اروپـا در گفت‌وگویی ضمن تاکید بر اهمیت توافق هسته‌ای گفت که اتحادیه اروپـا به اجرای این توافق پایبند اسـت. به گزارش ایسـنا، به نقل از روزنامه نیو یوروپ، پیتر اسـتانو، سخنگوی امور خارجه و مسائل امنیتی اتحادیه اروپا در گفت‌وگویی با این روزنامه گفت که اتحادیه اروپا در راستای پایبندی به توافق‌های بین‌المللی و حفظ منافع امنیتی مشترک اتحادیه اروپا، به اجرای توافق هسته‌ای متعهد است. استانو همچنین از تصمیمات اخیر ایران برای انجـام دادن فعالیت‌هایی که آن را «ناسازگار با تعهداتش تحت توافق هسته‌ای» خواند، انتقاد کرد. سخنگوی اتحادیه اروپا در این باره اظهار کرد: ما از ایران خواسته‌ایم بدون تاخیر این اقدامات را بازگردانده و از انجام دادن اقدامات دیگری که موجب تضعیف توافق هسته‌ای می‌شوند، خودداری کند. ما ثابت‌قدم بوده و به وضوح گفته‌ایم که تعهد ما به توافق هسـته‌ای به پایبندی کامل از سوی ایران بستگی دارد. او درباره توافق هسته‌ای گفت: توافق هسته‌ای که به اتفاق آرا توسـط شورای امنیت سازمان ملل امضا شد، یکی از رکن‌های مهم ساختار عدم اشاعه تسلیحات جهانی بوده و به امنیت منطقه برای اروپا و فراتر از آن کمک می‌کند. استانو همچنین به لغو تحریم تسلیحاتی ایران در اکتبر ۲۰۲۰ اشاره کرده و گفت که لغو این تحریم بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت که سند قانونی توافق هسته‌ای است، مقرر شـده است. اظهارات اسـتانو درباره اقداماتی ناسـازگار با تعهدات ایران تحت توافق هسته‌ای در پی این مطرح می‌شود که ایران با گذشت یک سال از خروج امریکا از توافق هسته‌ای و پس از متحمل شدن تحریم‌های شدید اقتصادی، با تعلل کشورهای اروپایی در عمل به تعهدات پیشینشـان نسبت به خنثی کردن تاثیر این تحریم‌ها و عادی‌سازی روابط اقتصادی با ایران، اعلام کرد در چند گام تعیین شده تعهدات داوطلبانه‌اش در توافق هسته‌ای را کاهش می‌دهد. مقامات کشورمان تاکید کرده‌اند در صورت عملی شدن تعهدات کشـورهای اروپایی همه این اقدامات به حالت اولیه باز خواهند گشت.

بایدن به برجام بازمی‌گردد

معـاون نامـزد ریاسـت‌جمهوری ۲۰۲۰ امریـکا اعلام کرد کـه بایدن در صـورت انتصابش به مقام ریاست‌جمهوری به توافق هسته‌ای با ایران بازخواهد گشـت. کامالا هریس، معـاون جو بایـدن، نامزد ریاسـت‌جمهوری امریکا روز شنبه مدعی شد که جو بایدن در صورت رییس‌جمهور شدن بار دیگر به برجام بازمی‌گردد و این توافق را تقویت خواهد کرد. وی در این خصوص گفت: جو بایدن و دولت ما باید کار عظیمی را برای تعمیر خرابی‌هایی که دونالد ترامپ و دولتش به بار آورده‌اند، انجام دهد و جایگاه ما در دنیا را تثبیت کند. هریس پیش از این نیز با اشاره به انزوای دیپلماتیک امریکا درباره مساله ایران گفت: من در کمیته اطلاعاتی خدمت می‌کنم و باور دارم که بیش از همیشه از متحدانمان دور شده‌ایم و برای رو به رو شدن با این چالش نیاز به کمک داریم. او علاوه بر این درباره تحریم تسـلیحاتی ایران گفت: دولت ترامپ مساله تحریم تسلیحاتی را اخیرا به شورای امنیت سـازمان ملل برد و تنها یک کشور دیگر همراه با ما رای مثبت داد. فکر می‌کنم منصفانه است که بگوییم رویکرد «اول امریکا» به امریکای تنها تبدیل شده است که به نفع ما و به نفع متحدان‌مان نیست.

تشکر وزیر کشور از رعایت پروتکل‌ها در هیئات مذهبی

عبدالرضـا رحمانی فضلی وزیر کشـور همزمان با عاشورای حسینی پیام تسلیتی صادر کرد. به گزارش فارس، در این پیام آمده است: حماسه باشکوه عاشورا متضمن آموزه‌های عمیقی از حیات فردی و اجتماعی بشریت است که امام حسین به عنوان اسوه هدایت و نجات با خون مطهرش به نظام خلقت عطا فرمودند. حضرت سیدالشـهدا(ع) در طول عمر بابرکت خود ابعاد مختلف عدم سازش با نظام سلطه و زور همراه با عقلانیت در دفاع هوشمندانه و حداکثری از کیان اعتقادی جامعه اسلامی را به خوبی ترسیم فرموده و به انسان درس شجاعت و تدبیر و صلابت در پایداری و استقامت دادند. جهان امروز بیش از هر زمانی نیازمند اندیشه عاشورایی هست؛ تفکری که سعادت و رفاه و آسـایش در پناه عزت و کرامت و سربلندی انسان برای امنیت روانی و اجتماعی متاثر از ایمان به قدرت لایزال الهی را میسر سازد تا در برابر تهاجم و شبیخون ناجوانمردانه نظام سـلطه و الحاد که قائل به بردگی انسان برای منافع خود هستند، مقاوم و استوار بماند و در توفان حوادث، کشتی نجات و در ظلمت کده‌های تفکرات غیر الهی، چراغ هدایت را الگو و راهبر خویش بداند. جامعه بشری و مسلمانان و به ویژه شیعیان در هنگامه مقاومت حداکثری در برابر خصم شـرافتِ بشـری که تمدن جهانی را آماج تعدی و تعرض به حقوق راستین بشـر قرار داده است، در گیر ویروس منحوس کرونا شده و محروم از سرمایه روحبخش برگزاری تجمعات وحدت آفرین در مناسـبت‌های سنتی و آیین‌های مذهبی، غریبانه و مظلومانه، اشک ماتم در سـوگ شهادت سید و سـالار شهیدان (ع) ریخت تا برگ درخشان دیگری از بصیرت و معرفت الهی در تاریخ تمدن انسـانی به ثبت برساند. ضمن تسلیت این ایام سوگواری حضرت سیدالشهدا (ع) به بقیه‌الله الاعظم (عج) و رهبر معظم انقلاب و همه آزادیخواهان جهـان و هموطنان عزیز از همه زنان و مردان میهن اسلامی که به ندای فراخوان رهبر فرزانه و رییس‌جمهور محترم و سایر علمای اعلام و کارشناسان در رعایت پروتکل‌های بهداشتی لبیک گفته و عمق حماسه واقع‌بینانه حسینی را به نمایش گذاشتند تشکر کرده و از خداوند متعال عزت و عافیت ایران اسلامی در ظل توجهات حضرت حق تعالی را خواستارم.

فاصله پولدارها و کم درآمدها هر روز بیشتر می‌شود

زنگ خطر افزایش شکاف تورمی

در جدیدترین آمارهایی که از سوی مرکز آمار ایران منتشر شده، روند کاهشی نرخ تورم همچنان ادامه دارد، نرخی که هنوز نسبت به استانداردهای جهانی و ثبات نسـبی داخلی فاصله بسیاری دارد اما به نظر می‌رسد با وجود تمام مشکلات به حرکت نزولی خود ادامه داده است.

در چنین چارچوبی، بررسی روندهای فعلی از حرکت نرخ تورم، تا حدی نشان می‌دهد که در ماه‌های پیش رو تورم به چه سمتی خواهد رفت و چه قدر می‌توان به کاهش این نرخ امیدوار بود. در هفته‌های گذشته چند موضوع ادامه کاهش تـورم را با نگرانی مواجه کرده است.

نخستین مساله، تداوم رشد نقدینگی در اقتصاد ایران اسـت. با وجود تاکید دایمی کارشناسان اقتصادی، نرخ رشد نقدینگی در ایران همچنان بسیار بالاست و از این رو با گردش در آمدن آن، افزایش نرخ تورم یکی از طبیعی‌ترین پیش بینی‌ها خواهد بود.

از سوی دیگر، کسری بودجه دولت و احتمال حرکت به سـمت خلق پول جدید نیز در حرکت فعلی نرخ تورم، تردید به وجود آورده اسـت. هرچند دولتی‌ها بارها تاکید کرده‌اند که به سـمت استقراض از بانک مرکـزی حرکت نخواهنـد کرد امـا در عمل هنوز مشخص نیست کسـری بودجه امسال به چه شکل برطرف خواهد شد.

آنچه کـه به ایـن تردیدها افـزوده، اختـلاف نظر ایجادشـده بین بانـک مرکزی و سـازمان برنامه و بودجه اسـت. جایی که همتی رییس کل این بانک از نوع خاصی از اسـتقراض دولت خبـر داد اما این موضوع از سوی نوبخت معاون رییس‌جمهوری رسما تکذیب شـد و همین اختلاف نظرهای دولتی باعث شـد نگرانی از نامشـخص بودن برنامه‌های تورمی افزایش پیدا کند.

در کنـار نگرانی‌هایی که در حوزه سیاسـت‌گذاری وجود دارد، آنچه که پیش بینی حرکت تورم را دشوار کرده، حرکت سینوسی ماه‌های گذشته است. هرچند از تابستان سال قبل که حرکت نزولی تورم بار دیگر در اقتصاد ایران آغاز شده، همواره ادامه پیدا کرده و حتی پس از افزایش قیمت بنزین نیز موج شـدید تورمی لااقل در گزارش‌های مرکز آمار به ثبت نرسـیده اما آمار تیر ماه نشان داد که نرخ تورم ماهانه به بیش از ۶ درصد رسیده است که در چهار سال گذشته، دومین ماه از نظر بالاترین نرخ تورم بود.

این عدد نگران کننده که از سوی برخی کارشناسان مقدمـه‌ای برای افزایـش دوباره نرخ تـورم در نظر گرفته شـده بود، در مرداد ماه بار دیگر تعدیل و در واقع نصف شد.

به این ترتیب آمار تورم سـالانه مرداد نیز همچنان نسبت به قبل روند کاهشی را نشان می‌دهد، هرچند این کاهش به کمتر از یک درصد رسیده است.

هرچند کارشناسـان معتقدند در بررسـی وضعیت تورم در ایران، باید از مقایسـه این نرخ با کشورهای توسـعه‌یافته خودداری کرد، زیرا آنها توانسته‌اند از دوران گذار عبور کرده و به ثبات اقتصادی برسند اما ایران و بسیاری از دیگر کشورها هنوز در مسیر توسعه قرار دارند و این طبیعی است که نرخ تورم با توجه به بالا بودن جابه‌جایی‌ها بالاتر از این کشورها باشد، اما در نهایت قرار گرفتن تورم در برخی سـال‌ها در مرز ۴۰ درصد، فشاری جدی بر زندگی مردم وارد کرده و تداوم آن می‌تواند مشکلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی فراوانی به همراه آورد.

رشد جدی فاصله میان دهک‌ها

یکی از نتایج تلاطم‌های اقتصادی سال‌های گذشته در اقتصاد ایران، افزایش فاصله طبقاتی بوده اسـت. رشد ناگهانی قیمت طلا، ارز، مسکن و خودرو باعث شـد طبقات کم درآمد که دسترسـی به این منابع نداشتند با افزایش فاصله و کاهش قدرت خریدشان رو به رو شـوند و از سـوی دیگر طبقات پردرآمد که ثروت خـود را به هر یک از کالاهای بالا تبدیل کرده بودند، بدون انجام اقدام خاصی، ناگهان با رشد ثروت در بعد ریالی مواجه شـدند و همین امر فاصله میان دهک‌های جامعه را افزایش داد.

یکی دیگر از شـاخص‌هایی که فاصله میان طبقات جامعه را تصویر می‌کند، نرخ تورم اسـت. بر اساس برآوردهای اقتصـادی، بخش قابل توجهی از درآمد دهک اول (کـم درآمدترین دهـک جامعه) صرف برطرف کردن نیازهای روزمره می‌شود و این در حالی است که در دهک دوم سهم این موضوع بسیار کم‌تر اسـت. هزینه مربوط به خوراکی‌ها و آشـامیدنی‌ها ۴۳،۳ درصـد هزینه خانـوار مربوط بـه دهک اول درآمدی را شـامل می‌شـود. این در حالی است که این عدد برای بالاترین گروه درآمدی برابر با ۱۷،۲۲ درصد است.

بنابراین می‌توان مشـاهده کرد که افزایش تورم در گروه‌های درآمدی مختلف آثار و نتایج متفاوتی را به همراه دارد؛ تورم در گروه‌هـای درآمدی بالا هزینه رفاهـی خانوار را افزایش می‌دهـد و در نقطه مقابل افزایش تورم، هزینه‌های معیشـت برای دهک‌های پایین درآمدی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارتی دیگر، خانوار با درآمدهای بالا، دارایی‌هایی همچون مسـکن دارند که در شـرایط تورمی ارزش آنها نیز حداقل به میـزان تورم افزایـش می‌یابد؛ در نتیجه افزایش سطح هزینه زندگی این گروه از خانوار هرگز به معنای کاهش سـطح رفاهی و ثروت آنها نیست. حتی شـرایط تورمی موجب می‌شـود کـه ارزش دارایی‌های آنها به‌شدت افزایش یابد.

در نقطه مقابل منبع درآمدی دهک‌های پایین ناشی از دستمزد است که هرگز نمی‌توان انتظار داشت که این درآمد متناظر با سطح تورم افزایش یابد. بخش بزرگی از هزینه‌های خانوار با سـطح درآمدی پایین مربوط به نیازهای اولیه زندگی همچون خوراکی‌ها است.

در نتیجـه افزایـش هزینه‌ها در این گـروه موجب می‌شود که این گروه از خانوارها در تهیه حداقل‌های زندگی با مشـکل روبرو شوند. این در حالی است که گروه‌های درآمدی بالا، سطح دغدغه متفاوتی دارند و بخش قابل ملاحظه‌ای از هزینه‌های این گروه مربوط به کالاها و خدماتی است که افزایش رفاه بیشتری را به همراه خواهد داشت.

در چنین شـرایطی وقتی فاصله تـورم میان دهک اول و دهم افزایش می‌یابـد، یعنی دهک کم درآمد با توجه به افزایش بهای کالاهای مصرفی خود فشار اقتصادی بیشتری را تجربه می‌کند اما از سوی دیگر، دهک دهم یا با توجه به افزایش قیمت‌ها به شـکل همزمان با افزایش ثروت نیز مواجه شده یا در تامین بخشی از نیازهای رفاهی خود مجبور به هزینه کرد بیشتر شده است.

در مرداد ماه امسـال پایین‌ترین دهک درآمدی با افزایش ۳،۳۸ درصدی هزینه‌ها مواجه بوده اسـت. این در حالی اسـت که هزینه‌هـای بالاترین دهک درآمدی (دهک دهم) در این ماه ۴،۴۹ درصد افزایش یافته است که نشان می‌دهد در ماه گذشته خانوارها با درآمد بالاتر، افزایش هزینه بیشـتری را نسبت به گروه‌های کم درآمد تجربه کرده است. بررسی روند تورم سـالیانه منتهی به مرداد ماه نشان می‌دهد که تورم دهک دهم درآمدی (بالاتری سطح درآمدی) به ۲۸،۸ درصد رسیده اسـت. در نقطه مقابل، تورم سالیانه برای دهک اول درآمدی (پایین‌ترین سطح درآمدی) در پایان مرداد مـاه برابر با ۲۳،۴۳ درصد بوده است. در نتیجه شـکاف تورمی میان دو دهک بالایـی و پایینی توزیـع درآمدی بـه ۵،۳۷ درصد رسیده که بیشترین شکاف تورمی طی چندین سال اخیر است.

هرچند در سال‌های گذشته بالاتر بودن تورم دهک پردرآمد نسـبت به کم درآمدها امری تکراری بوده است اما با توجه به مقدمات ذکر شده به نظر می‌رسد، باید از زاویه‌ای دیگر نیز به این امر نگاه کرد. یعنی اگر تورم دهک کم درآمد افزایش یافته، این موضوع خود را در کاهش توانایـی خانوار در تامین نیازهای اولیه خود نشان داده است اما اگر تورم در طبقه پولدار رشد کرده یا به‌طور همزمان به افزایش ثروت آنها نیز منجر شـده یا در بدترین حالت تنها هزینه برخی امکانات رفاهی آنها را بالا برده است.

از این رو وقتی نرخ تورم ماهانه بار دیگر اوج می‌گیرد و تحلیل امیدوار کننده‌ای از آینده نرخ تورم در ماه‌های آینده نیز به دست نیست، این نگرانی وجود دارد که بار دیگر تورم حرکت افزایشی خود را از سر بگیرد و در چنین فضایی، بار دیگر فشار در ابتدایی‌ترین نیازهای زندگی دهک‌های کم درآمد خود را نشـان خواهد داد و از سـوی دیگر ثروت، دهک‌های پردرآمد اوج می‌گیرد، موضوعی که حتی اگر در کوتاه‌مدت خود را نشان ندهد، در بلندمدت، اثرات منفی اجتماعی و اقتصادی فراوانی خواهد داشت.

رییس‌جمهوری:

ترمیم صدمات تحریم و کرونا، از اهداف نقشه راه دولت است

رییس‌جمهور گفـت: دولت تدبیر و امید عزم قطعی دارد که با حداکثر استفاده از فرصت یکساله پیش‌رو، با همـکاری فعـالان اقتصادی بخـش خصوصی و اقتصاددانان کشـور و با اجرای نقشـه راه اقتصادی دولت، هدف تامین ثبات در اقتصاد را تحقق بخشد.

به گزارش ایسـنا، حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی در یکصد و شـصت و یکمین جلسـه ستاد هماهنگـی اقتصادی دولـت دوازدهم، با اشـاره به رهنمودهای اقتصـادی اخیر مقام معظم رهبری در دیدار هفته دولت و تدوین «نقشه راه اقتصادی» که مجموعه سیاسـت‌های مدیریت اقتصاد کلان برای سال هشـتم فعالیت دولت تدبیر و امید است، گفت: دولت به دنبال آن است تا با اجرای نقشه راه اقتصادی، ضمن ترمیم و جبران صدمات وارده در اثر تحریم‌های بی‌سابقه و شیوع کرونا به اقتصاد کشور، مسیر تکمیل و افتتاح طرح‌های مهم و ثبات و رونق اقتصادی کشور را هموار کند.

رییس‌جمهور با بیان اینکه برنامه‌ها و سیاسـت‌های دولت در دو سـال و نیم گذشـته، توانست به شکل موفقی با تحریم‌ها و توطئه‌های امریکا برای فروپاشی اقتصاد کشور و پس از آن نظام جمهوری اسلامی ایران مقابله و از ایجاد بحران جلوگیری کند، افزود: دولت در نقشه راه اقتصادی کشور علاوه بر تلاش برای ترمیم آثار تکانه‌های اقتصادی بر معیشـت مردم، به دنبال تداوم اجرای سیاست‌های توسعه‌ای کشور نیز هست.

رییس‌جمهور اظهار کرد: در چارچوب سیاست کلی دولت تدبیر و امید برای کاهش هر چه بیشتر اتکای بودجه به درآمدهای نفتی، به منظور تحقق سـطح بالاتری از بودجه مسـتقل از نفت، تکالیفی برای هر دستگاه اقتصادی تعریف شده است.

روحانی در ادامه تصریح کرد: دولت با طراحی مسیری واقع‌بینانه در اقتصاد کشـور در حـوزه تامین منابع بودجه‌ای، به دنبال آن است که با مدیریت هزینه‌های دولت، فروش سهام و اموال مازاد دولتی، مولدسازی دارایی‌های دولت و افزایش تکیه بر مالیات به شـکل ساختاری اتکا به نفت را به حداقل رسانده و بتواند با اتکا به ظرفیت‌های درون‌زای اقتصاد کشور، رونق و چشم‌اندازی دقیق در اقتصاد ایجاد کند.

رییس‌جمهور خاطرنشـان کرد: برقـراری ثبات در بازارهای مالی و کنترل تورم سـرفصلی بسیار مهم اسـت که با کنترل نقدینگی، همراه با ایجاد ثبات در بازار ارز و سـرمایه، به اطمینان‌بخشـی و آرام‌سازی فضای اقتصادی کشور بینجامد.

روحانی افزود: حمایت از «تولید و اشـتغال» بخش مهمی از نقشـه راه فصل هشـتم تدبیر را تشـکیل می‌دهد که با ایجاد فضای ویژه تسهیل کسب و کار، حفظ و گسترش اشـتغال در بخش‌های مختلف را مـورد حمایت قرار می‌دهد. هـدف مهم دیگری که در نقشـه راه سال هشـتم، دولت به آن اهتمام ویژه خواهد داشت، حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم تعریف شده و دقیق به شکل نقدی از معیشت مردم و حمایت از کسب و کارهایی است که در دوران کرونا آسیب دیده‌اند.

روحانی همچنین با اشـاره بـه ظرفیت‌های درونی و ذخایر کشـور، معادن را حوزه‌ای بسیار پراهمیت عنوان و تصریح کرد: حمایت ویژه از سـرمایه‌گذاری در حوزه معادن از اصول پایه‌ای اقتصاد کشـور است که از جایگاه خاص در سیاست‌های توسعه‌ای اقتصاد برخوردار اسـت. از این نظر از بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در اکتشاف و استخراج در حوزه معادن حمایت خاص خواهد شـد و دولت برای این مساله اقدامات موثری را در دست اقدام خواهد داشت.

تلاش برای تولید واکسن در داخل

رییس‌جمهوری همچنیـن در جریان تماس تلفنی خود با وزرای بهداشـت و کشـور، از آنها خواسـت مقدمات تولید واکسن کرونا در داخل ایران را فراهم کنند. رییس‌جمهـور، روز یکشـنبه در گفت‌وگو با دکتر سـعید نمکی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشـکی، با اشـاره به اخباری در خصوص دستیابی برخی کشورها به واکسـن کرونا، دستور داد هر چه سریع‌تر اقدامات لازم برای خرید این واکسن و انجام مراحل آزمایشی و تشـخیصی معمول انجام شود تا در صـورت امکان هر چه سـریع‌تر اقدامات موثر در این زمینه در کشور آغاز شود. رییس‌جمهور در ادامه افزود: با توجه گسـتردگی موج دوم شـیوع بیماری کویید ۱۹، وزارت بهداشت، باید تمهیدات لازم برای جلوگیری از خستگی و فرسودگی کادر درمانی کشور را فراهم کـرده و در صورت لزوم نسـبت به آموزش سـریع‌تر نیروهای جدید و جایگزینی آنان، اقدامات لازم را انجام دهد.

دکتر روحانی تاکید کرد که البته مهم‌ترین نکته در این زمینه آن است که مردم با رعایت دقیق پروتکل‌های بهداشـتی مانع از ایجاد زحمت مضاعف و در نتیجه خستگی و فرسودگی برای حافظان و مدافعان سلامت کشور شوند که بیش از ۶ ماه است در خط مقدم مبارزه با بیماری کرونا ایثارگرانه حضور دارند.

دکتـر روحانی رفتار متدینانـه و متعهدانه مردم در برگزاری شـکوهمند و متفاوت سوگواری‌هایشان، همراه بـا رعایت دقیـق پروتکل‌های بهداشـتی را برآمـده از فرهنگ غنـی دینی مردم و تعهدشـان نسبت به مسائل انسـانی و نوع‌دوستی توصیف کرد و اظهار داشـت: امیدوارم مردم در تمام مراسـم‌ها و آیین‌های پیش‌رو در ماه‌های محرم و صفر همچنان دستورالعمل‌های بهداشتی را به همین شکل دقیق رعایت کنند تا کسی در نتیجه شرکت در آیین‌های سـوگواری امام حسـین(ع) به بیماری کرونا مبتلا نشـود. رییس‌جمهور همچنیـن در واکنش به ابراز نگرانی وزرای بهداشت و کشور از موج جدید سفرهای تابستانی در روزهای تعطیل اخیر گفت: کسانی که در تعطیلات اخیر به سفر رفته‌اند، نباید اجازه دهند عدم رعایت پروتکل‌ها از سوی ایشان، باعث اوج‌گیری مجدد شیوع کویید ۱۹ شده و بر زحمات شبانه‌روزی و طاقت‌فرسـای کادر درمانـی در مقابله با موج دوم شیوع کرونا تاثیر منفی بگذارد.

دکتر روحانی تصریح کرد: کسانی که به سفر رفته‌اند باید با رعایت دقیق دسـتورالعمل‌های بهداشـتی، فاصله‌گذاری اجتماعی و پرهیـز از حضور در اماکن شلوغ، مانع از وارد شدن آسـیب به موفقیتی شوند که در مهار موج دوم بیماری کرونا حاصل شده است.

خبر

مشکل تولید، تحریم داخلی

عضو کمیسـیون ویژه جهش تولید مجلس با بیان اینکه نگاه به غرب مشکل ما را در حوزه اقتصادی حل نمی‌کند، گفت: مشکل تولیدکنندگان ما تحریم‌های داخلی در بحث صدور مجوزها در بخش‌های مختلف است و نه تحریم‌های خارجی. احسان ارکانی نماینده مردم نیشابور در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرنـگار پارلمانی خبرگزاری فارس، با اشـاره به فرمایشات مقام معظم رهبری در تأکید بر حمایت از تولید و پرهیز از واردات غیر ضرور گفت: مشـکل امروز تولیدکنندگان ما تحریم‌های داخلی است و نه تحریم‌های خارجی. وی افزود: مشکل امروز ما مشکل صدور مجوز در بخش‌های مختلف اسـت که موانع جدی را بر سر راه آنها ایجاد کرده است. عضو کمیسیون ویژه جهش تولید مجلس اظهار داشت: نگاه به غرب برای حل مشکلات اقتصادی سرابی بیش نیست و مسوولان باید بدانند که گشایش اقتصادی به دست تولیدکنندگان انجام می‌شود و باید برای این منظور تحریم‌های داخلی را از بین ببرند.

ادامه از صفحه اول

ضرورت ساماندهی مناطق حاشیه‌ای

جالب اینجاسـت که در هـر کدام از ایـن پرونده‌ها تصمیمات متفاوتی اخذ شده است. یعنی هنوز یک وحدت رویه برای تصمیم‌گیری در زمان بروز بحران‌ها که مبتنی بر رویکردهای علمی و منطقی تدوین شده باشد در ساختار مدیریتی کشـورمان وجود ندارد. معمولا داده‌هـای اطلاعاتی برآمـده از یک چنین بحران‌هایی هم نه در سازمانی بررسی تحلیلی می‌شود و نه از کارشناسان و صاحب‌نظران برای ارزیابی موضوع دعوتی می‌شود. بهترین روش در اینگونه مسائل این است که به جای برخورد سلبی، مواجهه‌ای منطقی و اصولی با مشکلات داشته باشیم، این افراد به هر حال از جمله شهروندان این کشور هستند، دامنه وسیعی از خانواده‌هایی که در یک چنین کلونی‌هایی زندگی می‌کنند از جمله طیف‌های اجتماعی هستند که در دسته محروم‌ها قرار می‌گیرند که با مشکلات برآمده از فقر مطلق دسـت به گریبان هستند. البته برخی افراد فرصت‌طلب و سودجو هم ممکن است در میان این افراد وجود داشته باشـند که بسادگی می‌توان افراد نیازمند را از افراد سودجو شناسایی کرد و با آنها برخوردهای قانونی داشت. اما عموم مردمی که بدنبال سرپناه راهی یک چنین مناطقی می‌شوند نیازمند حمایت و مسـاعدت مسوولان هسـتند تا بتوانند سـرپناهی برای خانواده شان داشته باشند. خاطرم هست سـال ۷۰ در یک روستای استان همدان هم یک چنین مشکلی بروز کرده بود، مردم شبانه برخی زمین‌ها را سـاخته بودند و حاضـر به ترک زمین‌ها نبودند. بعد از گفت‌وگو با افراد روسـتا و بررسی ابعاد مختلف موضوع در قالب طرحی به مسوولان پیشنهاد ساماندهی درست موضوع را دادم. مدیران استانی در آن زمان این طرح را اجرا نکردند؛ اما با گذشت ۳ سال از موضوع و وارد آمدن خسارت‌های فراوان همان طرح را اجرایی کردند. در جریان این موضوع هم باید افراد نیازمند واقعی شناسایی شوند اینها مردم بی سرپناه هسـتند؛ اغلب این جماعت صاحب ثروت نیستند که آن را رها کرده باشد و برای سود به این مکان آمده باشند. باید راهکاری تدارک دیده شود تا هم به قانون عمل شـود و هم از این طبقات محروم حمایت‌های لازم صـورت بگیرد. نباید این خانواده‌هـا را به حال خود رها کنیم و با برخوردهای نظامی و قضایی آنها را برانیم. تجربه خاک سـفید نشان داد که اگر با یک چنین مقولاتی برخورد علمی و اصولی و همه‌جانبه نداشته باشیم در ادامه می‌توانند آسیب‌های بیشتری را بیافرینند. یک خاطره برای مخاطبان شما درباره اهمیت تصمیم‌سازی‌های همه‌جانبه و غیراحساسی در مواجهه با یک چنین موضوعاتی بگویم که بحث روشن‌تر شود. خاطرم هست آقای هاشمی رفسنجانی در سال‌های ابتدایی دهه ۷۰ با هلی کوپتر برای بازدید از مشکلات زورآباد در کرج حاضر شده بودند. من هم در آن جلسه حضور داشتم، رییس‌جمهور وقت کشور به صورت میدانی از معضلات و تنگناهای مردم آگاه شده بود و نسـبت به این موضوعات ناراحت و احساساتی شده بودند و بسیار دوست داشتند که به مردم کمک کنند. خانه‌های ۲۰ متـری، کوچه‌های تنگ، عدم وجود زیرساخت‌ها و... برای ایشـان آزاردهنده بود. آقای هاشمی بلافاصله پس از بازدید در جمع مردم حاضر شدند و اعلام کردند که «آی مردم؛ مشکلات شما را دیدم برای حل آن هم به شما کمک خواهیم کرد و در ادامه اشاره کردند که برای این منظور زمین تخصیص خواهیم داد.» کمتر از ۲۴ ساعت بعد از جمله آقای هاشـمی جمعیت زورآباد ناگهان دوبرابر شد. برخی از مـردم خانه‌های ۲ متری خود را نصف کرده بودند و به اقوام خود در شهرستان‌ها پیام داده بودند که بیایید که قرار است به ما زمین بدهند! همانطور که مشاهده کردید این نوع تصمیم‌سازی‌های هیجانی حتی اگر نیت خیر و مشفقانه‌ای هم پشت آن باشد نه به نفع کشور است؛ نه به نفع مردم و نه به نفع نظام شهرسازی کشور. راهکار درست ساماندهی درست موضوع و تهیه پیوست‌های فرهنگی و اجتماعی برای حل معضلات مناطق حاشیه‌ای است. نباید بگذاریم که زخم فقر و محرومیت‌ها در این مناطق آنقدر ناسور شـود و سر باز کند تا برای حل مشکلات ورود کنیم. متاسفانه در کشور این عادت مرسوم شده که به جای حل مشکلات کل صورت مساله را پاک می‌کنند. مثلا سیستم به جای رشد فضای کسب و کار در اوقات شب و تشویق شهروندان به استفاده از ظرفیتی شب، اعلام می‌کند که از ساعت ۱۲ به بعد همه مغازه‌ها بسته شود. می‌پرسیم که آقا چرا باید فضای کسب و کار در شب تعطیل شود؟ اشاره می‌شود که ممکن است ناامنی به وجود آید. یعنی به جای حل مشـکل صورت مساله پاک می‌شود.

خبر

۵۹ هزار میلیارد تومان اوراق مالی در ۵ ماه

در حالی که در ۵ ماه ابتدایی سال حدود ۵۷ هزار میلیارد تومان اوراق مالی اسلامی با نرخ بهره میانگین ۱۷.۸ درصد و با نرخ‌های ۱۵ تا ۲۱ درصد منتشر شده است، نرخ آن در آخرین هفته عرضه اوراق نرخ بهره به بیش از ۲۰ درصد افزایش یافته است. در صورتی که مرحله سیزدهم یعنی ۱۸۳۰ میلیارد تومان را با نرخ‌های ۱۹ تا ۲۱ درصد نیز به دوازده مرحله قبلی اضافه کنیم روی هم معادل ۵۹ هزار میلیارد تومان در سیزده مرحله به فروش رفته است که در آخرین معامله نرخ بهره ۲۱ درصد بوده است. در پنج ماهه اول سال جاری با هدف تأمین مالی پروژه‌های عمرانی دولت، مبلغ ۷۵۰ هزار میلیارد ریال اوراق مالی اسلامی شامل ۵۷۳ هزار میلیارد ریال اوراق نقدی و ۱۷۷ هزار میلیارد ریال اوراق غیر نقدی (تحویل به طلبکار) از سوی معاونت نظارت مالی و خزانه‌داری کل کشور وزارت اقتصاد منتشر شده است. گفتنی است بر اساس اعلام مرکز مدیریت بدهی وزارت اقتصاد، تا پایان مرداد ماه طی دوازده مرحله حراج حدود ۵۷ هزار میلیارد تومان اوراق مالی اسلامی با نرخ بهره ۱۷.۸ درصد منتشر شده است. بر این مبنا نسبت فروش اوراق در بازار سرمایه نسبت به بازار پول و بانک‌ها حدود ۳۴ درصد بوده است. لازم به ذکر است طی دوازده هفته فروش اوراق نرخ بهره اوراق مذکور از ۱۵.۵۷ درصد به ۲۰.۸ درصد در آخرین هفته افزایش یافته است. بر این اساس میزان انتشار اوراق مالی اسلامی در سال ۱۳۹۸ مجموعا معادل ۸۲۰ هزار میلیارد ریال شامل ۴۰۰ هزار میلیارد ریال اوراق نقدی و ۴۲۰ هزار میلیارد ریال اوراق غیر نقدی (تحویل به طلبکار) اعلام شده است. همچنین بانک مرکزی نتایج حراج اوراق بدهی دولتی مورخ ۴ شهریور را اعلام و از بفروش ۱۸.۳ هزار میلیارد ریال اوراق بدهی دولتی در سیزدهمین مرحله از حراج این اوراق خبر داد.

ادامه از صفحه اول

نرخ ارز شناور یا مدیریت شناور

در حالی که مسوولان بانک مرکزی می‌دانستند این موضوع (یعنی کاهش درآمدهای ارزی) در نهایت تورم‌های بالایی می‌آفریند واقع آن است که دلیل اصلی افزایش تورم در کشور، مشکلات مدیریتی داخلی است. هرچند گفته می‌شود افزایش قیمت‌ها به‌دلیل افزایش قیمت تمام شده محصولات و مواد اولیه است؛ یعنی مواد معدنی گران شده، بنزین گران شده، مواد اولیه گران شده و... بنابراین تولیدکننده هم ناچار به افزایش قیمت می‌شود، اما در واقعیت این مشکلات داخلی ناشی از سوءمدیریت‌ها بروز کرده است. در این میان وزارت صمت هم مدام مجوز افزایش قیمت‌ها در بخش‌های مختلف را صادر کرد تا نوعی آشفتگی در افزایش قیمت‌ها ایجاد شود. برخی مشکلات تورمی دیگر هم به خاطر ناهماهنگی میان وزارت صمت، وزارت اقتصاد و بانک مرکزی به وجود آمد. این روزها که قیمت‌ها به‌صورت لحظه‌ای بالا می‌رود؛ نشان می‌دهد تیم اقتصادی دولت بازار را رها کرده چرا که حتی زمانی که قیمت ارز هیچ تغییری هم ندارد باز هم قیمت‌ها در دالان افزایشی قرار می‌گیرد. در این میان فروشنده‌ها معتقدند که وضعیت نامشخص است و فردا دوباره ممکن است قیمت‌ها بالا برود؛ بنابراین از همین امروز قیمت‌ها را بالا می‌برند. مردم باید بدانند این موضوعات ربطی به مشکلات خارجی ندارد این مشکلات برآمده از نظام تصمیم‌سازی‌های اشتباه و عدم هماهنگی لازم در ساختار اجرایی و اقتصادی است. من معتقدم که آقای همتی اولا باید پای نرخ ارز شناور مدیریت شده که در روزهای ابتدایی حضور در بانک مرکزی وعده آن را داده بود، می‌ایستاد. اولین بار بود که از زبان رییس بانک مرکزی یک چنین واژه‌های حرفه‌ای در حوزه مباحث اقتصادی را می‌شنیدیم. در حال حاضر هم در وزارت اقتصاد هم در بانک مرکزی و هم در سازمان برنامه و بودجه افراد حرفه‌ای حضور دارند؛ اما اینکه چرا این تیم حرفه‌ای تصمیمات غیرحرفه‌ای اتخاذ می‌کنند موضوعی است که باید بررسی شود. حتی من فکر می‌کنم بانک مرکزی با وزارت اقتصاد هماهنگ نیست. آقای همتی اوایل می‌گفتند نرخ ارز شناور مدیریت شده را در دستور کار دارند، متاسفانه الان شاهد هستیم که فقط مدیریت اقتصادی را شناور کرده‌اند. موضوع دوم این است که ایشان مدیریت عملیات بازار بازرا برای جمع‌آوری نقدینگی از طریق فروش اوراق را مطرح کردند؛ اما علما هم میزان اوراق کم بود و هم جذابیت‌های لازم را نداشت. چون تورم از سود پیشنهادی پیش افتاد و اوراق ۱۸ درصد در بازار جذاب نبود. موضوع سوم که توسط متولی بانک مرکزی مطرح شد، هدفگذاری نرخ تورم بود که همتی دورنمای تورمی بین ۲۲ تا ۲۵ درصدی را ترسیم کرد. در حالی که باید ابتدا برنامه‌ای ارایه می‌شد تا این چشم‌انداز محقق شود بعد اعلام عمومی شود. اما دوستان ابتدا اعلام می‌کنند. بعد سراغ تهیه برنامه می‌روند و در نهایت هم دستاوردی به دست نمی‌آید. با آرزو که نمی‌شود، هیچ‌وقت اشاره نشد که چطور می‌خواهند این دورنمای ۲۲ درصدی را محقق کنند. البته بانک مرکزی ابزارهای این تصمیم را دارد اما مدیریت لازم را ندارد. این ابزار این است که بانک مرکزی به عنوان متولی باید بر سیستم بانکی سوار باشد و بانک‌ها از او تبعیت کنند. اما ظاهرا بانک مرکزی از بانک‌ها تبعیت می‌کند و بانک‌ها لج می‌کنند و از متولی رسمی بازار پولی حرف‌شنوی ندارند. به خاطر این است که بانک مرکزی وقتی به بانک‌ها اعلام می‌کند که نرخ سود تسهیلات یا سپرده‌ها را بر اساس این راهبرد تنظیم کنید؛ کسی به حرفش گوش نمی‌دهند. تولید شاه‌کلید بهبود شاخص‌های اقتصادی و معیشتی است، تولیدکننده باید بداند که ماه آینده یا سال آینده چقدر است تا بر اساس آن برنامه‌ریزی و قیمت‌گذاری کند و... اما الان لحظه‌ای است بلافاصله پس از افزایش دلار قیمت‌ها بالا می‌رود؛ اما وقتی قیمت دلار کاهش می‌یابد قیمت‌ها پایین نمی‌آید و چسبنده باقی می‌مانند تا نوسان بعدی دلار، چون مطمئن هستند دوباره رشد قیمت‌ها ادامه دارد این بازی بارها اتفاق افتاده است. چند بار آقای همتی اعلام کرده‌اند که اگر بخواهند می‌توانند قیمت دلار را کاهش دهد. چرا کاهش نمی‌دهند؟ آیا فشاری روی ایشان هست؟ یعنی باید باور کنیم که نهادی قوی‌تر از بانک مرکزی در خیابان فردوسی یا جمهوری وجود دارد که در مقابل اصلاحات ضروری می‌ایستد؟ من که اینطور فکر نمی‌کنم. ظاهرا این سناریویی است که توسط خود دوستان تهیه و تنظیم شده است. سناریوی مدیریت شناور به جای نرخ ارز شناور.

همتی: القای انفجار نقدینگی و ابر تورم ناکام و افزایش موقتی تورم کنترل شده است

کدام کنترل تورم و نقدینگی؟

گروه بانک و بیمه | محسن شمشیری |

در حالی که رییس کل بانک مرکزی با اشاره به ناکام ماندن القای انفجار نقدینگی و ابر تورم معتقد است که افزایش موقتی نرخ تورم در ماه‌های ابتدای سال، که عمدتاً ناشی از شیوع کرونا و تحریک انتظارات بود، با اقداماتی که در حال انجام است، کنترل شده است و تلاش جدی برای نیل به هدف تورمی اعلام شده، انجام و استمرار خواهد داشت، اما احساس مردم کوچه و بازار و خانوارها از تورم و گران شدن کالاها به صورت هفتگی چیز دیگری می‌گوید و بر اساس رشد نقدینگی ۳۴ درصدی یک سال اخیر و همچنین رشد پایه پولی و اخبار متعدد کسری بودجه دولت، می‌توان دریافت که موتور رشد نقدینگی و تورم همچنان روشن است و در ماه‌های آینده باید منتظر افزایش بیشتر قیمت‌ها در بازارهای مختلف باشیم.

رییس کل بانک مرکزی با اشاره به وضعیت بازارها گفت: افزایش موقتی نرخ تورم در ماه‌های ابتدای سال، که عمدتاً ناشی از شیوع کرونا و تحریک انتظارات بود، با اقداماتی که در حال انجام است، کنترل شده است و تلاش جدی برای نیل به هدف تورمی اعلام شده، انجام و استمرار خواهد داشت. همتی افزود: تلاش مداوم برای ایجاد بی‌ثباتی در بازارهای پولی و ارزی کشور از سوی امریکا و همدستان او تازگی ندارد، هدف همه این اقدامات، به خصوص در یک سال اخیر، ایجاد انتظارات منفی در مردم برای به زانو درآوردن اقتصاد کشور بوده است. به رغم اینکه این فشارها مشکلات و سختی‌هایی برای مردم ایجاد کرده، ولی، به‌طور قطع نتوانسته به اهداف اصلی خود برسد. با تدابیر متخذه، القای انفجار نقدینگی و ابر تورم از طریق تحریک انتظارات نیز، با ناکامی مواجه شده است. نیازهای اساسی کشور به نحو مطلوبی تأمین شده و نیازهای ارزی، هم از طریق منابع بانک مرکزی و هم از سامانه نیما، در حال تأمین است، و به رغم افت قابل ملاحظه درآمدهای دولت از فروش نفت، با کمک صادرکنندگان تلاشگر، تأمین ارز برای کالاهای ضروری و مواد اولیه در جریان است. بانک مرکزی، برنامه‌های خود را، بر اساس ادامه تحریم‌های امریکا تنظیم کرده است و این اطمینان را داریم که نفس‌های پایانی تحریم‌ها و دولت فعلی امریکا نیز نمی‌تواند به برنامه‌های ما در حفظ پایداری بازارها آسیبی وارد کند. بانک مرکزی ایران اولویت خود را بر تقویت ثبات و جلوگیری از نوسانات ناشی از سفته‌بازی و کمک به پایداری و شکوفایی اقتصاد و تولید قرار داده است و با رصد مستمر متغیرهای کلان اقدامات ضروری در بازارهای پول و ارز، انجام خواهد داد.

در حالی که رییس کل بانک مرکزی اعلام کرده که رشد نقدینگی کنترل شده و این متغیر در پنج ماهه سال جاری نسبت به پایان پارسال تنها ۱۲ درصد رشد داشته است، متغیرهای تاثیرگذار بر رشد نقدینگی از جمله رشد پایه پولی، بدهی دولت به بانک‌ها، کسری بودجه دولت و... همچنان اثر خود را بر رشد نقدینگی گذاشته است و تا زمانی که متغیر رشد نقدینگی نشانی از روند کاهشی یا خاموش شدن ندارند، نمی‌توان گفت که رشد نقدینگی کنترل یا کم شده است. مشکل کسری بودجه دولت تا جایی اهمیت پیدا کرده که شورای پول و اعتبار اخیرا بانک‌ها مکلف کرده که حداقل ۳ درصد از سپرده‌های بانکی را برای خرید اوراق مالی بدهی دولت اختصاص دهند. اما دیر یا زود مانند سال‌های قبل، بانک‌ها مجبور خواهند شد که به خاطر کسری منابع خود به سمت اضافه برداشت از بانک مرکزی و رشد پایه پولی حرکت کنند. زیرا عدم دسترسی به به همه منابع بانک‌ها، به خاطر بدهی دولت، سپرده قانونی، تسهیلات تکلیفی و خرید اوراق مالی و... موجب کسری منابع بانک‌ها، گران شدن نرخ جذب منابع و... خواهد شد و در نهایت خلق پول در بازار بین بانکی و رشد پایه پولی را به همراه خواهد داشت. رییس کل بانک مرکزی اظهار کرده که نقدینگی کنترل شده و پایه پولی در پنج ماهه ابتدای امسال نسبت به پایان سال قبل فقط چهار درصد رشد داشته و نقدینگی نیز در این مدت ۱۲ درصد افزایش یافته است. اما همین ارقام نشان می‌دهد که روزانه ۲ هزار میلیارد تومان به نقدینگی کشور اضافه شده است. کنترل رشد پایه پولی با برداشت از منابع سپرده بانک‌ها و فروش اوراق، یا فروش سهام شرکت‌ها، عملا به معنای رشد هزینه‌های دولت در آینده و رشد استقراض از بانک مرکزی و نقدینگی و پایه پولی و تورم بیشتر است و همانطور که محدودیت‌های تراکنش بانکی و چک، تنها چند ماه نرخ ارز و قیمت‌ها را در بازار کنترل کرد و سرانجام رشد نقدینگی باعث رشد نرخ دلار به ۲۳ هزار تومان شد، در چند ماه آینده نیز نتیجه برداشت از سپرده‌ها، رشد هزینه بانک‌ها، افزایش نرخ سود بانکی، فروش اوراق مالی و اصل و فرع آن در آینده، موجبات تورم و هزینه‌های بیشتر و رشد نقدینگی را فراهم خواهد کرد. دولت و بانک مرکزی به جای کاهش هزینه‌ها و مخارج دولت، عملا از روش‌هایی در حوزه مدیریت نقدینگی استفاده کرده‌اند که در کوتاه‌مدت و تنها برای چند ماه می‌تواند کنترل‌هایی را ایجاد کند اما حتی در یک سال اینده نیز نتایج خود را نشان خواهد داد و دلیل آن رشد نقدینگی ۳۴ درصدی یک سال اخیر است. بر این اساس کنترل رشد نقدینگی موفق عمل نکرده است، زیرا همچنان موتور رشد نقدینگی روشن است و رشد نقدینگی در خرداد امسال نسبت به خرداد سال گذشته ۳۴ درصد رشد را نشان می‌دهد. تا زمانی که رشد نقدینگی روند کاهشی یا خاموش شدن ندارد، نمی‌توان گفت که رشد نقدینگی کنترل یا کم شده و حتی رشد ۱۲ درصدی ۵ ماه اخیر نیز رقم بزرگی است و نشان‌دهنده اضافه شدن روزانه ۲ هزار میلیارد تومان خلق پول است که برای پوشش دادن بهره وری پایین اقتصاد، کسری بودجه و هزینه‌های دولت، بانک‌ها، واحدهای اقتصادی و... هر روز به اقتصاد ایران تزریق می‌شود.

در سال‌های اخیر، مشکلات ساختاری اقتصاد ایران و ناکارآمدی‌ها و بحران‌ها به گونه‌ای شکل گرفته که با این سیاست‌های پولی و مالی قابل حل نیست. در حال حاضر دولت با کسری بودجه مواجه است، خلق پول توسط نظام بانکی ادامه دارد و بدهی دولت به نظام بانکی نیز تشدید شده و افزایش نقدینگی همچنان ادامه دارد و تورم را بیشتر می‌کند و موجب کاهش ارزش پول ملی می‌شود. بدهی دولت به بانک مرکزی معادل ۱۳۱۴ میلیارد تومان بوده که نشان‌دهنده رشد ۳۰ درصدی است.

نقدینگی در پایان خرداد امسال در مقایسه با خرداد پارسال ۳۴ درصد و نسبت به اسفند بیش از ۷ درصد افزایش یافته و به ۲۷۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده و رشد پول با ۶۱ درصد و شبه پول با ۲۹ درصد نشان‌دهنده تمایل صاحبان منابع به نقد نگه داشتن پول و گردش آن در بازارهای دارایی و سفته بازی و سوداگری است. این موارد نیز نشان‌دهنده اثر نامناسب سیاست‌های مالی و پولی دولت است که عملا سوداگری و خرید و فروش و گردش پول در اقتصاد را به جای سرمایه‌گذاری و تولید دامن زده است. در شرایطی که دولت و بانک مرکزی همچنان افزایش مخارج دولت، تزریق پول به اقتصاد، رشد تسهیلات بانکی، گردش نقدینگی در بورس، فروش اوراق مالی، افزایش نرخ سود بانکی، خلق پول در بازار بین بانکی، افزایش فروش سهام شرکت‌ها و رشد نقدینگی و... را دامن می‌زنند، و حتی درآمدهای آینده دولت را خرج می‌کنند و از سپرده‌های بانک‌ها برای فروش اوراق مالی استفاده می‌کنند، نباید انتظار کاهش نقدینگی و تورم را داشته باشند. زیرا همه این موارد عملا تقاضا برای پول، رشد نقدینگی و خلق پول را به همراه خواهد داشت و در نتیجه تورم و گرانی کالاها را تشدید می‌کند و در سال‌های آینده نیز محدودیت منابع دولت را بیشتر خواهد کرد و استقراض از بانک مرکزی و بانک‌ها و رشد نقدینگی و تورم بیشتر را به همراه خواهد داشت. بر این اساس، رییس کل بانک مرکزی باید توجه داشته باشد که مقایسه چند ماه اخیر نمی‌تواند ملاک خوبی برای کنترل نقدینگی و تورم باشد ضمن اینکه اثر رشد نقدینگی در سال‌های قبل به تازگی خود را نشان داده و هر هفته قیمت کالاها و خدمات رو به افزایش است و باید از مردم و خانوارها سوال کند که تورم تا چه حد رشد کرده است. وقتی قیمت لبنیات و شیر و پنیر و ماست رو به افزایش می‌گذارد به این معنی است که مردم طعم تورم و رشد نقدینگی را بیش از مسوولان بانک مرکزی احساس کرده‌اند.

برش

طبیبیان: روند نقدینگی اگر نشان از انفجار نیست، نشانه چیست؟

یک مقام والامقداری در بیانیه‌ای مطرح کرده‌اند که کسانی که در مورد ابر تورم و انفجار نقدینگی هشدار داده‌اند با امریکا مشترکا در حال تبانی برای تشدید مشکلات اقتصادی هستند.

این فدوی متوجه شرایط سخت مدیران اجرایی هستم و می‌دانم که فشار از چهار سو به یک مدیر وارد می‌شود، نه تنها از جانب افکار عمومی و ذی نفعان مختلف بلکه حتی بسیار موارد از جانب کسانی که باید از او پشتیبانی کنند هم ناروایی سر می‌زند و بلکه زمنجنیق فلک هم مرتبا سنگ فتنه می‌بارد. اما از یک مدیر که باید بر اساس شان علمی و تجربی بر مسندی نشسته باشد انتظار هم نمی‌رود شیوه حرفه‌ای‌هایی را پی بگیرد که تنها ابزار چنته آنان سر زنش خارجی‌ها و متهم کردن منتقدان داخلی به همکاری با خارجی است، و این شیوه هم صرفاً برای ترساندن و بستن زبان‌ها به کار می‌رود و نتیجه مثبتی ندارد.

بنده نمی‌خواهم وارد جزییات بشوم اما فقط در مورد یک مورد، یعنی انفجار نقدینگی نکته‌ای را عرض کنم؛

این برادر گرانقدر به نمودار زیر که نقدینگی را در سال‌های مختلف نشان می‌دهد عنایت کنند اگر این نشان از انفجار نیست، چیست؟ در مورد ابر تورم هم همین تورم‌های فزاینده گویا است. لازم نیست تورم هزار درصد بشود تا بگوییم درست است حالا رسیدیم به ابر تورم. همه این تذکرها و به خیالی نقدها هم برای جلب توجه به عواقب برخی شیوه‌ها و سیاست‌ها است که تورم زا بوده و خواهد بود اگر چاره نشود.

اما در باب توطئه برای افزایش انتظارات تورمی. آنچه در دست مدیر بخش پولی است کنترل پایه پولی، مدیریت اهرم‌های ضریب فزاینده پولی، مدیریت سیستم بانکی و جریان اعتباری، نظارت، مدیریت بازار ارز... و به عنوان یک مدیر سیاسی کنترل بر خواسته‌های بقیه سیاسیون است، کنترل بر واقعی کردن برخی از اجزا پایه پولی، و مقاومت در ایجاد ریال در مقابل موجودی‌های موهوم ارزی و ارزهای غیر قابل فروش (ایشان بهتر از هر کس بر تاثیر همین عامل اخیر بر نقدینگی در این چند سال واقف هستند)... خودتان بفرمایید اینها در تورم چه تاثیری دارد و در مقایسه اثر یک اظهار نظر پژوهشگر بر انتظارات تورمی چه میزان است؟ و کدام به اضعاف از دیگری بزرگ‌تر و مهیب‌تر است. حال دور از مرام بزرگ منشی نیست که مدیر گرانمایه‌ای به این ابزار روی آورد به جای تمرکز بر آن ابزار. درست است که امریکا و سایر قدرت‌ها پنهان و آشکار در حق ما ظلم کرده‌اند و از نظر اینجانب تحریم‌ها جنایت علیه بشریت هستند و نه تنها امریکا بلکه دیگران هم ما را به این در دسر انداخته‌اند، اما انصافا این جهش یا انفجار نقدینگی دیگر کار امریکا نیست. آتش کردن توپخانه اتهام و تهدید ضمنی و صریح را به کسانی واگذارید که در این کار بس حرفه‌ای و مجرب شده‌اند، بیایید از ابزار کار نوع خودتان یعنی علم، خرد، بررسی، نقادی و یافتن راه علمی برای مشکلات استفاده کنیم.

شوک جدید ارزی و افزایش شدید تورم با تک‌نرخی شدن ارز

یک کارشناس اقتصادی، با اشاره به اینکه تغییر ناگهانی قیمت رسمی ارز همیشه یک دور باطل تورمی را طی کرده معتقد است، تغییر نرخ ارز ضمن تحریک متغیرهای تورم زا با تأثیرگذاری بر قیمت کالاهای وارداتی و داخلی به‌طور مستقیم روی نرخ تورم اثر می‌گذارد. امین دلیری در گفت‌وگو با تسنیم، با اشاره به اینکه، رییس کل بانک مرکزی در اظهار نظر جدید خبر بسیار مهم، تک نرخی کردن ارز در آینده را مطرح کرد، گفت: اولین نکته در این خصوص این است که نظر اعلام شده با هدف‌گذاری بانک مرکزی با تعدیل نرخ تورم در محدوده ۲۲ درصد مغایرت دارد. باید یاد آور شوم در شرایط اضطرار فعلی که اقتصاد ایران تحت تأثیر شرایط سخت متغیرهای اقتصادی و غیر اقتصادی قرار دارد، به هر دلیلی پیشنهاد تک نرخی ارز ارایه شده باشد پیامد آن، ضمن افزایش تشدید نرخ تورم، سیاست دولت را در حفظ ارزش پول ملی، تقویت قدرت خرید اقشار ضعیف و متوسط جامعه و معیشت مردم ناموفق کرده و معیشت مردم را در این شرایط سخت تحت تأثیر مجدد شوک ارزی قرار خواهد داد.

به گفته معاون پیشین وزیر اقتصاد، افزایش هزینه‌های تولید داخلی و نیز افزایش هزینه‌های جاری و عمرانی دولت بر اثر افزایش نرخ ارز و نرخ تورم و کاهش مجدد ارزش پول ملی و تحت تأثیر قرار گرفتن معیشت مردم با توجه به اثر منفی درآمدی، دولت را مجبور به اعمال سیاست‌های جبرانی خواهد کرد. وی افزود، افزایش کسری بودجه از آثار ثانوی سیاست‌های شوک ارزی است. این دور باطل بارها توسط دولت‌ها در اقتصاد ایران تکرار شده است. منتهی در ارایه طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی و مالی کمتر به تجربیات گذشته رجوع می‌کنیم و مجرد از آثار طرح‌های گذشته، باز به تکرار برنامه‌هایی می‌پردازیم که قبلاً تبعات تلخ آن را چشیده‌ایم. دلیری با بیان اینکه، تجربه شوک‌های ارزی در گذشته توسط دولت‌های قبلی و دولت فعلی، نشان‌دهنده این واقعیت تلخ است که باعث افزایش نرخ تورم پس از ایجاد شوک ارزی شده است، گفت: تجربه نشان می‌دهد چهار شوک ارزی اثر گذار در دولت‌های گذشته و حال، اثر مستقیم در افزایش نرخ تورم داشته است. وی ادامه داد، به عنوان مثال شوک اول ارزی اثر گذار مربوط به دولت سازندگی بود و بر اثر این شوک نرخ تورم در سال ۷۴ به میزان ۴۹ درصد افزایش یافت. شوک دوم ارزی در زمان دولت اصلاحات انجام گرفت. این شوک ارزی نیز تورم تک رقمی در این دوره را در سال ۸۴ به میزان ۲۶ درصد افزایش داد. شوک سوم ارزی در دولت مهرورزی اتفاق افتاد. باوجود کاهش نرخ تورم در حد ۱۲ درصد در این دوره، مجدداً نرخ تورم باشیب تندی به مرز ۳۴ درصد در سال ۹۲ رسید. این کارشناس اقتصادی گفت: شوک چهارم ارزی در دوره دوم دولت تدبیر و امید در اوایل سال ۹۷ رخ داد. موضوع تک نرخی شدن ارز و تجربه تلخ ارز ۴۲۰۰ تومانی در دولت دوازدهم کلید خورد. این شوک ارزی یکی دیگر از اثر گذارترین شوک‌های ارزی بر نرخ تورم در بالاترین نرخ پس از انقلاب اسلامی بود. گرچه نرخ واقعی تورم پس از تغییرات نرخ ارز از مجاری رسمی بانک مرکزی و... منتشر نشد، ولی در بررسی‌های غیر رسمی، نرخ تورم را بالای ۵۰ درصد تخمین زده‌اند. به گفته رییس پیشین سازمان اموال تملیکی، تأثیرات شوک‌های ارزی بر افزایش نرخ تورم در شرایط متفاوت اقتصادی در گذشته کاملاً مشهود است. این شوک‌های ارزی به‌طور کلی باعث تغییر نرخ ارز رسمی و غیر رسمی در بازار شده و هرگز نتوانسته یک نرخ تعادلی بلندمدت را در بازار ارز ایجاد کند. همیشه نرخ بازار بالاتر از نرخ اعلام شده توسط بانک مرکزی قرار گرفته است.

وی افزود، از طرف دیگر به علت مرجع قرار گرفتن قیمت غیر رسمی ارز در بازار، دولت و بانک مرکزی را وادار کرده تا با تبعیت از نرخ غیر رسمی ارز، نرخ رسمی ارز را به بازار نزدیک یا ارز را چند نرخی عرضه کند. دلیری ادامه داد، این دور تسلسل باطل بارها تکرار شده است. باید از رویدادهای گذشته درس گرفت. شوک‌های ارزی که توسط دولت‌ها احیاناً با پیشنهاد روسای بانک مرکزی وقت انجام شده، نتیجه آن کسب درآمد بیشتر از طریق فروش ارز برای دولت برای جبران هزینه‌ها و کسری بودجه بوده و تبعات آن افزایش شدید قیمت کالاهای وارداتی سرمایه‌ای و مصرفی و نیز افزایش قیمت کالاهای داخلی به لحاظ افزایش قیمت تمام شده متغیرهای مستقیم و غیر مستقیم تشکیل‌دهنده بهای نهایی کالای تولید شده و تأسی قیمت کالا و خدمات داخلی از افزایش قیمت کالای وارداتی، از تبعات شوک‌های ارزی بوده است. معاون پیشین وزیر اقتصاد معتقد است، تغییر ناگهانی قیمت رسمی ارز همیشه این دور باطل را طی کرده است. وقتی هیچ اقدامی در اصلاح ساختار نظام اداری و بودجه‌ای کشور صورت نمی‌گیرد، هزینه‌های بودجه‌ای همواره در افزایش است و ساختار مالیات ستانی کشور کارآیی لازم را ندارد و تولید داخلی با کمبود سرمایه‌گذاریهای جدید و کاهش بهره وری سرمایه و نیروی انسانی مواجه است و رشد اقتصادی در محاق سیاست‌های دوره‌ای انفعالی مقطعی قرار دارد، چگونه می‌توان از مسیر غامض و پیچیده‌ای که بر اثر اعمال سیاست‌های اقتصادی و مالی هر چند گاه پیش می‌آید، گذشت؟ دلیری با اشاره به اینکه، بحث پر تنش امروز بین مدیران ارشد اقتصادی این است که آیا کسری بودجه عامل اصلی تورم فعلی است یا تغییرات نرخ ارز؟ گفت: باید اذعان کرد که کسری بودجه مزمن عاملی برای ترغیب دستیابی به درآمد زودرس به منظور جبران کسری بودجه بوده است. این کسری بودجه نقش بی‌بدیلی در افزایش حجم نقدینگی سپس تأثیر آن بر نرخ تورم داشته است. ولی تغییر نرخ ارز ضمن تحریک سایر متغیرهای تورم‌زا، با تأثیرگذاری بر قیمت کالاهای وارداتی و داخلی و مرجع قرار گرفتن تراز قیمت‌گذاری کالاها و خدمات بر اساس آن، به‌طور مستقیم بر نرخ تورم تأثیر گذاشته و موجب تشدید نرخ تورم به نسبت میزان تغییر نرخ ارز در مقابل پول ملی می‌شود. وی ادامه داد، به زعم و گمان رییس کل بانک مرکزی حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی و اختصاص درآمد حاصل از آن به یارانه نقدی، به لحاظ بسیاری از دلایل و موانع برای اجرای آن و داشتن تجربه تلخ در رابطه با طرح پرداخت یارانه نقدی ۴۵۵۰۰ تومان در آذر ماه سال ۸۹ در دوران تصدی دولت مهرورزی و طرح پرداخت یارانه پرداختی پس از افزایش قیمت بنزین در دولت تدبیر وامید، به عقیده اغلب کارشناسان اقتصادی، جزو طرح‌های شکست خورده است. پرداخت یارانه نقدی با توجه به افزایش مستمر کالا و خدمات به علت افزایش حجم نقدینگی و افزایش نرخ تورم، نه تنها کمکی به اقشار ضعیف و متوسط جامعه نمی‌کند، بلکه قدرت خرید آنان را به‌شدت کاهش داده و دهک‌های پایین جامعه بیشتر متضرر می‌شوند. ضمن اینکه با کاهش ارزش پول ملی با بالا رفتن نرخ تورم و متعاقبا تغییرات نرخ ارز کاهش می‌یابد. وی ضمن تشکر از اقدامات رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در این دوره سخت اقتصادی و در شرایط تحریم ظالمانه امریکا و فشارهای حد اکثری امریکا به مردم ایران گفت: باید تجربه تلخ پرداخت یارانه نقدی را مورد توجه قرار داد و از تجارب گذشته درس عبرت گرفت و از آزمون و خطاهای بیهوده که ضرر و زیان زیادی تاکنون برای کشور داشته، اجتناب کرد. اگر این طرح از سوی مردان سیاسی مطرح می‌شد، جای تعجبی نداشت. اما اگر یک اقتصاددان، پیشنهاد پرداخت یارانه نقدی با دانستن هزینه‌های مترتب از افزایش تغییر نرخ ارز و تبعات بعدی آن، چنین طرحی را ارایه نماید دور از انتظار است. دلیری در خاتمه گفت: اگر به جای پرداخت یارانه نقدی، درآمد حاصل از افزایش کالا و خدمات دولتی و درآمد حاصل از افزایش قیمت بنزین به سرمایه‌گذاری طرح‌های مولد اختصاص می‌یافت، در حال حاضر باید شاهد ایجاد چندین پالایشگاه مشتقات نفتی و میعانات گازی و پتروشیمی و احداث سایر واحدهای صنعتی پیشتاز توسط دولت و بخش خصوصی البته با حمایت‌های دولت می‌بودیم. ضمن اینکه زمینه اشتغال بسیاری از نیروی آماده کار را به وجود می‌آورد. باید بجای پاک کردن صورت مساله، به دنبال شفاف کردن توزیع به دست مردم را دنبال کرد و این کار سختی نیست.

رویداد

اونس جهانی به ۱۹۶۴ دلار افزایش یافت

افزایش قیمت طلا و ارز نسبت به هفته قبل

گروه بانک و بیمه | روز شنبه ۸ شهریور و ادامه آن در روز یکشنبه ۹ شهریور قیمت طلای جهانی به هر اونس ۱۹۶۴ دلار و قیمت دلار به نرخ ۲۳۱۰۰ تومان، رسید و قیمت طلا و سکه نیز تقریبا ثابت ماند. هر گرم طلای ۱۸ عیار ۱ میلیون و ۶۱ هزار تومان، هر مثقال آبشده ۴ میلیون و ۶۰۰ هزار، سکه ۱۰ میلیون و ۷۶۱ هزار، نیم سکه ۵ میلیون و ۴۰۰ هزار، ربع سکه ۳ میلیون و ۵۰ هزار، سکه گرمی ۱ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان معامله شد. همچنین در روزهای انتهای هفته قبل و از جمله ۶ شهریور نیز در بازار آزاد قیمت دلار با کاهش نسبت به قیمت‌های پایانی روز کاری قبل ۲۳ هزار و ۳۰۰ تومان، یورو ۲۷ هزار و ۴۰۰ تومان و درهم امارات ۶ هزار و ۴۲۰ تومان اعلام شده است. همچنین صرافی‌های بانکی ۶ شهریور قیمت خرید و فروش دلار را نسبت به روز کاری قبل افزایش دادند و بر همین اساس ه قیمت دلار در صرافی‌های بانکی برای فروش ۲۳ هزار و ۱۰۰ تومان معامله شد. قیمت دلار را برای فروش به مردم با ۱۰۰ تومان افزایش نسبت به قیمت‌های پایانی روز کاری قبل ۲۳ هزار و ۱۰۰ تومان اعلام کرده‌اند. این صرافی‌ها دلار را از مردم با قیمت ۲۳ هزار تومان خریداری می‌کنند. قیمت فروش یورو در صرافی‌های بانک‌ها نیز با ۱۰۰ تومان افزایش نسبت به قیمت‌های پایانی روز کاری قبل ۲۷ هزار و ۳۰۰ تومان اعلام شده است؛ قیمت خرید یورو در این صرافی‌ها ۲۷ هزار و ۲۰۰ تومان درج شده است.

قیمت خرید و فروش دلار و یورو در صرافی‌های بانکی همزمان با افزایش قیمت ارز در بازار آزاد، افزایش یافته و دلار در این صرافی‌ها وارد کانال ۲۳ هزار تومان شده است. بر این اساس با اعلام قیمت دلار ۲۳۳۰۰ تومان، و هر اونس به قیمت ۱۹۴۵ دلار، قیمت طلا و سکه افزایش یافت و قیمت طلای ۱۸ عیار هر گرم یک میلیون و ۵۷ هزار تومان، مظنه هر مثقال طلای ۱۷ عیار یا آبشده ۴ میلیون و ۵۸۰ هزار تومان، قیمت سکه تمام بهار آزادی طرح جدید ۱۰ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان، قیمت سکه طرح قدیم ۱۰ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان، نیم سکه بهار آزادی ۵ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان، ربع سکه بهار آزادی ۳ میلیون و ۵۰ هزار تومان و سکه گرمی یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان تعیین شد. قیمت هر اونس طلا ۷ شهریور با ۰.۷۵ درصد افزایش به ۱۹۴۴ دلار و ۷ سنت رسید. به گزارش رویترز، در حالی که تداوم نگرانی‌ها در مورد تبعات اقتصادی ناشی از بحران کرونا موجب افزایش جذابیت سرمایه‌گذاری در بازار طلا شده است، قیمت فلز زرد پس از بیش از یک درصد کاهش در جلسه قبل دیروز شاهد افزایش بود. بر اساس این گزارش، قیمت هر اونس طلا ۰.۷۵ درصد افزایش به ۱۹۴۴ دلار و ۷ سنت رسید. قیمت فلز زرد در معاملات آتی دیروز و برای تحویل در ماه دسامبر با ۰.۸۷ درصد رشد به ۱۹۴۹ دلار و ۵۰ سنت رسید. استفن اینز تحلیلگر موسسه آکسی کورپ در این باره نوشت: از نظر واقع بینانه ما احتمال یک یا دو سال با ترمیم واقعی اقتصادی فاصله داریم. ما برای دوره‌ای طولانی شاهد نرخ پایین بهره و اقدامات محرک اقتصادی خواهیم

دریچه

دارا یکم چقدر سود داد؟

ارزش ۲۰۰ واحد از اولین ETF دولتی که در اردیبهشت ماه دو میلیون تومان پذیره‌نویسی شده بود، در پایان هفته اخیر به چهار میلیون و ۱۶۵ هزار تومان رسید.

دولت برای اینکه سهام شرکت‌های خود در بخش‌های مختلف را به بخش خصوصی و مردم واگذار کند یک صندوق سرمایه‌گذاری قابل معامله دولتی در بازار سرمایه به نام ای‌تی‌اف ETF تشکیل داد تا در سه بخش و در ابتدا، اواسط وانتهای سال سهام شرکت‌های دولتی را در بورس به عموم مردم عرضه کند. بر این اساس بخش اول واگذاری به سهام ۵ شرکت بیمه‌ای و بانکی تعلق داشت که در انتهای فصل بهار با نام دارا یکم در بورس تهران عرضه شد و توانست با مشارکت سه و نیم میلیون نفری ۶ هزار میلیارد تومان به فروش برساند. در بخش سوم عرضه صندوق‌های ای‌تی‌اف سهام شرکت‌های خودرویی و فلزی دولت در دستور کار است که ظاهرا در نیمه دوم سال انجام خواهد شد. در بخش دوم دولت در نظر دارد بخشی از سهام ۴ شرکت پالایشی خود را با نام‌های پالایشگاه نفت تهران، بندرعباس، اصفهان و تبریز که نماد بورسی آنها به ترتیب شتران، شبندر، شپنا و شبریز که در مجموع رقمی بیش از ۷۳ هزار میلیارد تومان ارزش کنونی آنهاست در بازار سرمایه عرضه کند. اهداف واگذاری سهام شرکت‌های دولتی در بورس به گفته وزیر اقتصاد فروش سهام شرکت‌های دولتی با هدف کسب درآمد دولت صورت نمی‌گیرد و در راستای خصوصی سازی و تحقق اقتصاد مردمی و توزیع عادلانه ثروت و تعمیق بازار سرمایه انجام می‌شود اما در هر حال اگر یکی از اهداف هم جبران کسری بودجه باشد قاعدتا این روش از سایر روش‌ها از جمله چاپ پول یا برداشت از صندوق توسعه ملی که به تورم دامن می‌زنند بهتر خواهد بود و حتی با جمع کردن نقدینگی از سطح جامعه می‌تواند به کنترل و کاهش تورم کمک کند.

از طرفی با توجه به مشکلات پیش آمده در روند خصوصی سازی مزایده‌ای در ۲۰ سال گذشته به نظر می‌رسد خصوصی‌سازی از طریق بورس به دلیل شفافیت و حضور و بهره‌مندی عموم مردم روش سالم‌تر و موثرتری می‌باشد. ۵ تومن بخر یه تومن ببر عموم مردم می‌توانند تا سقف ۵میلیون تومان پالایشی یکم یا همان به اصطلاح مرسوم دارادوم خریداری کنند و در همان ابتدا ۲۰ درصد یا به عبارت دیگر یک میلیون تومان تخفیف بگیرند. البته افرادی که جزو آن سه و نیم میلیون نفر خریدار دارا یکم بوده‌اند اکنون می‌توانند تنها ۳ میلیون تومان پالایشی یکم با تخفیف ۲۰ درصدی خریداری کنند. همچنین ارزش ۲۰۰ واحد از اولین ETF دولتی که در اردیبهشت ماه دو میلیون تومان پذیره‌نویسی شده بود، در پایان هفته اخیر به چهار میلیون و ۱۶۵ هزار تومان رسید. با وجود این رشد همچنان خالص ارزش دارایی این صندوق همچنان ۲۷ درصد بالاتر از قیمت پایانی این نماد است. دارا یکم در سوم شهریورماه به پایین‌ترین سطح قیمتی خود از ابتدای معاملات خود رسیده بود.

ادامه از صفحه اول

مسیری برای رشد سهامداران خرد

در واقع پول‌های کوچک به صورت صندوق‌های سرمایه‌گذاری و بالای صد میلیون تومان از طریق سبدگردان‌ها ورود می‌کنند تا پس از سیر در بازار ارزش واقعی سهام نمایان شود. بر اساس اعلام مسوولان در جریان عرضه دارادوم، هر نفر به اندازه ۵میلیون تومام می‌تواند سهام در اختیار بگیرد و عموما هم سهام پالایشی‌ها عرضه شده است. بر خلاف دارااول که بیشتر بانک و بیمه بود دارادوم در حوزه پالایشی‌ها عرضه می‌شود. به نظرم این الگوی مشارکتی، روش مناسب‌تری است و جواب بهتری خواهد داشت تا اینکه مردم به صورت فردی اقدام به خرید کنند. من به همه مخاطبان و کسانی که در قالب سهام جزء، قصد خرید دارند توصیه می‌کنم که از این عرضه عقب نمانند. با توجه به اینکه تخفیف ۲۰ درصدی برای این عرضه قائل شده‌اند و تشویق‌های دیگری هم در این خصوص تدارک دیده شده، سود مناسبی در انتظار سهامداران این عرضه خواهد بود. از سوی دیگر، تبعات منفی ناهماهنگی‌هایی که در نوبت قبلی عرضه دارادوم میان برخی وزارتخانه‌ها رخ داده بود بعد از اطلاع‌رسانی گسترده نهادهای اجرایی کم رنگ شده و بازار آماده است که در فضایی مثبت عرضه دارادوم را پیش ببرد. به هر حال وزارت نفت تمایل داشت مدیریتی در خصوص عرضه دارادوم داشته باشد و این یک اختلاف برداشتی بود که بنا به دلایل گوناگون میان وزارت نفت و اقتصاد رخ داده بود. نهایتا موضوع در هیات دولت مطرح شد؛ اظهارات طرفین شنیده شد و در نهایت بعد از شفاف شدن مطالبات، موضوع حل شد. فکر نمی‌کنم دیگر مشکل یا ناهماهنگی در این زمینه‌ها شاهد باشیم. حتی یک مصوبه در جهت کمک به این پالایشگاه‌ها تنظیم شده که حدود ۱ میلیارد دلار تخفیف به این عرضه تعلق بگیرد. بنابراین آن دسته از افرادی که در این زمینه ورود کنند سود خوبی را تجربه خواهند کرد. با عبور از این مقدمات ضروری معتقدم خبرهای خوبی در خصوص عرضه دارادوم طی روزها و ماه‌های آینده خواهیم شنید، ضمن اینکه بازار هم تجربه خوبی از این عرضه برداشت خواهد کرد. تجربیاتی که در نهایت بازار سرمایه کشورمان را به بازار با قوام‌تری بدل خواهد کرد.

بازار طی هفته‌ای که گذشت؛

روند مثبت بورس طی روزهای آینده

بازار سرمایه طی هفته گذشته افت و اخیز فراوانی در کارنامه خود ثبت کرد و در آخرین روز کاری خود نزول ۳ درصدی را تجربه کرد. چندهفته‌ای می‌شد که بورس رنگ قرمز به خود گرفته بود اما؛ طی هفته گذشته این رنگ قرمز جای خود را به رنگ سبز داد. بازار سرمایه در اولین روز یعنی اولین روز شهریور ماه که شاخص کل این بازار با ۳۰ هزار و هشت واحد کاهش رقم یک میلیون و ۷۲۷ هزار واحد را ثبت کرد. شاخص کل با معیار هم وزن نیز ۷۳۷۶ واحد کاهش یافت و به رقم ۴۷۴ هزار و ۴۲۹ واحد رسید و شاخص کل فرابورس نیز با ۳۳۴ واحد کاهش رقم ۱۸ هزار و ۴۴۳ واحد را ثبت کرد. همچنین معامله گران بورس یک میلیون معامله به ارزش ۱۲۸ هزار و ۴۰۶ میلیارد ریال انجام دادند. در معاملات یکشنبه بازار سرمایه نیز شاخص کل این بازار با ۶۵ هزار و ۳۴ واحد کاهش، رقم یک میلیون و ۶۶۲ هزار واحد را ثبت کرد. شاخص کل با معیار هم وزن نیز با ۹۳۰۴ واحد نزول به رقم ۴۶۵ هزار و ۱۲۰ واحد رسید و شاخص کل فرابورس نیز ۵۱۶ واحد کاهش یافت و رقم ۱۷ هزار و ۸۶۱ واحد را ثبت کرد. و گفتنی است در فرابورس ۱۷۷ هزار معامله انجام شد که ۲۵ هزار و ۶۱۶ میلیارد ریال ارزش داشت. روند نزولی بازار سرمایه همچنان ادامه یافت و شاخص کل این بازار روز دوشنبه بیش از ۵۳ هزار واحد کاهش یافت و به یک میلیون و ۶۰۸ هزار واحد رسید. شاخص کل با معیار هم وزن نیز رقم ۴۵۶ هزار و ۱۷۸ واحد را ثبت کرد. معامله گران امروز ۹۷۴ هزار معامله به ارزش ۱۳۳ هزار و ۴۷۳ میلیارد ریال انجام دادند در فرابورس نیز شاخص کل این بازار با ۵۶۸ واحد کاهش به رقم ۱۷ هزار و ۲۵۶ واحد رسید. روز سه شنبه بازار سرمایه جانی دوباره به خود گرفت و شاخص کل این بازار با ۴۱ هزار و ۸۸۹ واحد صعود رقم یک میلیون و ۶۵۰ هزار واحد را ثبت کرد. این در حالی است که شاخص کل با معیار هم وزن روندی نزولی را تجربه کرد در رقم ۴۵۵ هزار و ۹۹۹ واحد ایستاد. شاخص کل فرابورس روندی صعودی به خود گرفت و با ۲۹۹ واحد رشد، رقم ۱۷ هزار و ۵۲۱ واحد را ثبت کرد. معامله گران فرابورس ۶۸۶ هزار معامله انجام دادند که ۸۴ هزار و ۷۴۱ میلیارد ریال ارزش داشت. در نهایت در آخرین روز بازار شاخص کل بورس چهارشنبه با ۶۸ هزار و ۷۲۱ واحد صعود، رقم یک میلیون و ۷۱۸ هزار واحد را ثبت کرد. شاخص کل با معیار هم وزن نیز با ۱۱ هزار و ۹۰ واحد رشد، رقم ۴۶۶ هزار و ۹۵۱ واحد را ثبت کرد همچنین معامله گران بورس ۹۳۵ هزار معامله انجام دادند که ۸۵ هزار و ۸۹۷ میلیارد ریال ارزش داشت و شاخص کل فرابورس نیز با ۶۴۴ واحد صعود رقم ۱۸ هزار و ۱۵۶ واحد را ثبت کرد. تا روز پنجم شهریور ماه ۳۲ نماد با توجه به فعالیت آنها و دلایل مختلف مانند؛ افشای اطلاعات با اهمیت گروه الف یاب، برگزاری مجمع عمومی سالانه، تعلیق نماد معاملاتی و... متوقف شده‌اند. نمادهای س. نفت و گاز و پتروشیمی تایمن «تاپیکو»، سرما آفرین «لسرما»، گروه پتروشیمی س. ایرانیان «پترول»، صنعتی زرماکارون «غزر» به دلیل برگزار مجمع عمومی عادی سالانه، دشت مرغاب «غدشت» به دلیل برگزاری مجمع عمومی عادی به‌طور فوق العاده (انتخاب اعضا)، بانک ملت «وبملت» به دلیل برگزاری مجامع عمومی عادی سالانه و فوق العاده متوقف شده است. تعلیق شدن نماد معاملاتی موجبات توقف نمادهای کشت و صنعت چین چین «غچین»، کنتورسازی ایران «آکنتور»، سایر اشخاص بورس انرژی «انرژی ۲»، صنایع آذر آب «فاذر»، نساجی بروجرد «نبروج»، بانک انصار «وانصار»، سرمایه‌گذاری نیرو «ونیرو» همچنین برگزاری مجمع عمومی فوق العاده (در خصوص تغییر سرمایه) نیز باعث توقف نمادهای سازه پویش «خپویش» کارخانجات تولیدی شهید قندی «بکام»، بیمه ما «ما»، معدنی املاح ایران «شامل»، لعابیران «شلعاب»، پارس سرام «کسرام» و فرآورده‌های نسوز پارس «کفپارس» شده است. افشای اطلاعات با اهمیت گروه الف باعث توقف نمادهای کویر تایر «پکویر»، سیمرغ «سیمرغ»، توریستی و رفاهی آبادگران ایران «ثاباد» افشای اطلاعات با اهمیت گروه ب-ادامه توقف حداکثر برای دو روز کاری باعث توقف نماد گروه صنعتی بارز «پکرمان»، افشای اطلاعات با اهمیت گروه ب باعث توقف نمادهای بین‌المللی توسعه ساختمان «ثاخت»، نوسازی و ساختمان تهران «ثنوسا»، و افشای اطلاعات با اهمیت گروه الف-ادامه توقف برای دو روز کاری نیز باعث توقف نمادهای بانک پارسیان «وپارس» و ایران ارقام «مرقام»، شده‌اند. روز چهارشنبه و آخرین روز کاری بازار پذیره‌نویسی صندوق دارادوم آغاز شد و این پذیره‌نویسی به مدت ۲ هفته ادامه خواهد یافت. سقف سرمایه‌گذاری اشخاص حقیقی در مجموع در دو صندوق دارا یکم و دوم دولتی ۵۰ میلیون ریال است.

پیش‌بینی بازار

پیش‌بینی می‌شود که بازار طی این هفته و از فردا روندی مثبت را آغاز کند و میزان سوددهی این بازار برای سرمایه‌گذاران افزایش یابد. همچنین با توجه به بازارهای جهانی پیش بینی می‌شود که گروه فلزات و پتروپالایش صنایع برتر هفته باشند و نظر اغلب سهامداران را به خود جلب کنند.

ثبات قیمتی

پس از افت و خیزهای فراوان بازار در صنعت‌های کوچک و بزرگ قیمت اغلب سهم‌ها کاهش یافته و می‌توان گفت که سهم‌ها به قیمت واقعی خود رسیدند و در حال حاضر ارزندگی مناسبی برای خرید و فروش دارند. هفته گذشته حضور حقوقی‌ها در بازار پررنگ شد و موجب تغییر روند بازار را فراهم کردند همچنین قیمت دلار در بازار و سامانه نیما افزایش یافته انتظار می‌رود بازار روند مثبت و صعودی خود را ادامه دهد. در نهایت می‌توان گفت بازار طی هفته گذشته روند خوب و صعودی را تجربه کرده است و پیش‌بینی می‌شود که روند طی هفته جاری ادامه یابد.

ادامه از صفحه اول

پاندمی کرونا، فرار از مسوولیت امریکا را به حاشیه برد

دکتر بهشتی ادامه داد: به نظرم ماجرای خروج امریکا از قرارداد پاریس واقعه بزرگی بود ولی عجیب بود در قیاس با پیامدهای بزرگ آن با واکنش درخور در محافل علمی و فلسفی مواجه نشد. من یکه خوردم که پس چرا صدا درنمی‌آید؟ صدا درنمی‌آید نه فقط به عنوان اعتراض سیاسی بلکه به عنوان اینکه بود و نبود در خصوص انسان مورد پرسش است. به یک باره داستان پاندمی کرونا با تمام ابعاد آن هجوم آورد و طی شش ماه اخیر خیلی دیدنی و خواندنی هست که چه دریچه‌هایی باز شده و چه سوالاتی به یک‌باره هجوم آوردند؟ با فرصت زمانی که دارم امکانِ اینکه بتوانم به دایره پرسش‌ها پردازم را پیدا نمی‌کنم واقعاً هم کار یک فرد به تنهایی نیست، من فقط افق مساله را طرح می‌کنم. ما هنوز نمی‌دانیم چگونه پاندمی آغاز شد و حرف روشنی در این باره نیست. اول به یک ماجرایی در کشمکش سیاسی قدرت‌ها با همدیگر تبدیل شد و ما هنوز نمی‌دانیم آیا پیدایش نوع خاص از خانواده کرونا یک پدیده‌ای است که به‌طور طبیعی اتفاق افتاده یا نه؟ حتی اینکه در یک سرزمین خاص نقطه آغاز آن بوده یا خیر؟ همین مقدار هم مورد سوال است و کار علمی می‌خواهد. دکتر بهشتی ادامه داد: اکنون بیشتر داستان سیاسی و مطبوعاتی است کما اینکه یک تئوری یک بار مطرح شد و بعد درباره آن سکوت شد به دلیل اینکه پشتیبانی از طریق فضای سیاسی، مطبوعاتی پیدا نکرد. این تئوری می‌گفت احتمال دارد از پنج نقطه شروع شده باشد. اگر مساله این باشد پیچیده‌تر است. بنابراین هنوز ما نمی‌دانیم پیدایش ویروس کرونا در بستر طبیعی صورت گرفته یا مولود تصرف انسانی در فضای زیست است. اگر مورد دوم باشد مساله بسیار جدّی است. حتی در خصوص برداشت اول همزمانی از ویروس بدون دستکاری می‌گوییم مقصود بدون دستکاری مستقیم است یا تأثیرات غیر مستقیم فعالیت و کنش‌های انسان ممکن است در پدید آمدن این ویروس نقش ایفاء کرده باشد؟ به هر حال چه مستقیم و چه غیر مستقیم اگر نتوانیم از سطح مسوولیت اخلاقی، خودمان را به سطح مسوولیت حقوقی برسانیم و داستان بایدها و نبایدهای مان را به شکل حقوقی طرح کنیم، لااقل در سطح اخلاقی می‌توانیم مساله را مطرح کنیم. آنگاه مساله‌ای فراتر از این کشور و آن کشور، این نظام سیاسی و آن نظام سیاسی، این اقتصاد و آن اقتصاد است. نحوه مواجهه انسان با طبیعت است که مورد سوالِ بنیادی قرار می‌گیرد. اما از این مساله زود عبور کردند و فعلاً خبری از آن نمی‌شنوید. اما این یکی از مسائلی بود که در خصوص آن در طی چند دهه گذشته مباحثات متعددی صورت گرفته بود. اکنون اتفاقی افتاده و پدیده‌ای سلامتی و موجودیت انسان‌ها را در معرض تهدید قرار می‌دهد و یکی از نحوه‌های مواجه شدن با آن بعد اخلاقی‌اش است. در کنار اینکه باید تا جایی که مقدور هست پیامدهای این را کم کنیم یا از میان ببریم. اما امکان‌های ما برای مواجهه با اینِ ابعاد گسترده میلیونی که در حال گسترش است، یقیناً کفاف نمی‌دهد. وی ادامه داد: هیچکدام از نظام‌های اقتصادی-اقتصادی پیش‌بینی چنین وضعیتی را نکرده بودند. نظام‌های سلامت و بهداشت در هیچ کشور توان مواجهه با آن را ندارند. کانون‌های سیاسی و اقتصادی دنیا یک‌باره با این ابعاد روبرو شدند و چنین حادثه‌ای را مدنظر قرار نداده بودند. پس امکان‌های ما محدود هستند. از یک سو امکان‌های ما محدود هستند و از سوی دیگر با انبوه مبتلایان روبرو هستیم. چه کاری باید انجام داد؟ یک مورد اینکه تلاش کنیم تا جایی که مقدور هست امکان‌ها را بالا ببریم. چگونه ما می‌توانیم امکانات محدود را در جمعیت عجیب رو به افزایش تقسیم کنیم؟ آیا ما می‌توانیم به نحو یکسانی با همه انسان‌ها در برابر این مواجه شویم؟ اگر می‌توانستیم مشکل حل شده بود ولی وگرنه باید بین افراد گزینشی صورت بگیرد؟ باز یک بحث کوتاهی آمد و رفت که در بعضی از کشورها افراد مسن خود به خود می‌روند و بر روی افراد جوان تمرکز پیدا می‌کنند. اما با چه توجیهی؟ چگونه می‌خواهیم ترجیح حیات بر حیات را انجام دهیم؟ با کدام ملاک اخلاقی؟ اینجا مساله حقوقی است. آیا انسان‌ها به نحو مساوی حق حیات و زیستن دارند؟ می‌دانیم امکانات کفاف این را نخواهد داد پس با صرف شعار دادن مساله حل نمی‌شود. آیا می‌توان معیاری برای ترجیح حیاتی بر حیات دیگر داد؟ چه کسی این معیارها را تعیین کند؟ اقتصاد تعیین کند؟. بگوییم جوان‌ها کسانی هستند که در عرصه اقتصادی کنش گر فعال اقتصادی هستند بنابراین توان را بالا خواهند برد و حتی توان برای اینکه بتوانیم در این عرصه موفقیت آمیزتر عمل کنیم را بالا می‌برند؛ در حالی که مسن‌ها نمی‌توانند کاری انجام دهند و فقط دریافت کننده خدمات و امکانات مقابله هستند و بنابراین اینها را ترجیح می‌دهیم؟ اما از سوی دیگر ممکن است کسی بگوید از کجا بدانیم حیاتی بر حیات دیگر چقدر ترجیح دارد چه بسا فردی با سن بالاتری ثمرات زندگی‌اش را نگاه کنیم مگر ثمرات زندگی فقط با معیارهای اقتصادی و صنعتی و امثال اینهاست که سنجیده می‌شود؟ خیلی پیچیده هست. این مساله هم البته بی‌سابقه نبود ولی ابعاد به یک‌باره بزرگ شد و عملی با آن مواجه شدیم. باید در لحظه تصمیم بگیریم در حالی که به لحاظ نظری هنوز به جمع‌بندی که بتواند حتی یک اقل پاسخی در قبال این سوال مهم را کفاف دهد ارایه نشده. بنابراین بدون پاسخ عده‌ای از انسان‌ها از دریافت خدمات معالجه و بهداشت و امثالهم محروم خواهند شد و عده‌ای دیگر برخوردار خواهند شد. ما در معرض این تصمیم هستیم بدون اینکه عرصه‌ای که با آن مواجه هستیم نسبتی با اندیشه و نظری که تا به حال داشتیم وجود داشته باشد. شناخت مسوولیت اخلاقی در چنین موقعیتی اصلاً قابل قیاس نیست. در سِت در معرض قرار گرفته‌ایم در حالی که این سوال مورد نیاز اصلاً در افق دید ما قرار نگرفته است. آیا پیشتر مطرح بود؟ بله، به‌طور مثال در داستان سقط جنین این مساله مطرح شده بود که بین حیات مادر و جنین در جاهایی باید تصمیم گرفته شود ترجیح با کدام است؟ استاد فلسفه دانشگاه تهران با مطرح کردن این پرسش که در مقایسه میان مادر و جنین آیا حیات جدید نسبت به حیات قدیم اولویت دارد؟ گفت: خیلی راحت نمی‌توان گفت بچه آینده در پیش دارد و حیات جدید اولویت دارد. از کجا این اولویت را آورده‌اید؟ بیست سالِ پیش که من در آلمان برای دوره دکتری مشغول بودم اتفاقاً چنین چیزی مطرح شد. خانمی در حالی که باردار بود تصادف کرد و به مرگ مغزی دچار شد و بعد با اجازه پدر و مادر و همسرش گفتند این خانم را زنده نگه داریم تا جنین برسد به زمانی که متولد شود. مرگ مغزی که خود مسائل زیادی دارد از چه زمانی مرگ را بگوییم؟ چگونه می‌توانیم بگوییم این نقطه نقطه مرگ است؟ بعد برای خودمان چنین مجال و جوازی قائل شویم که اینجا پایان زندگی فرد هست و در عوض حیات جدیدی را، امکان برآمدن و سر برآوردن دهیم. بعد از گذشت چند ماه پدر و مادر این خانم گفتند آیا دختر حق مردن ندارد؟ او موجود زنده هست و حق مردن دارد. چگونه او حق زنده بودن دارد و ما می‌فهمیم ولی دختر ما حق مردن ندارد؟ آیا چیزی به نام حق مردن داریم یا نداریم؟ چه کسی باید بله یا نه بگوید؟ با کدام معیار بله یا نه بگوید؟ بنابراین این مساله بی‌سابقه نبود اما ابعادی که به یک‌باره با مساله کرونا پیدا کرد، متفاوت است. دکتر بهشتی ادامه داد: اکنون ما هستیم و هجوم بیماران و اشباع امکان در جهت معالجه و به گونه‌ای ترجیح حیاتی بر حیات دیگر. چه کاری باید انجام داد؟ هیچ آمادگی نظری برای مواجه شدن با چنین مساله عملی نداشتیم. من مجال اینکه همه میدان‌ها را جلو بروم ندارم. یک مورد مساله فاصله فیزیکی و مسوولیت اخلاقی و حتی حقوقی در خصوص اقداماتی است که باعث شود حداقل سرایت بیماری به دیگران را کاهش دهیم آیا مسوولیت در قبال آن هست؟ چه کسی بر کدام اساس می‌خواهد بگوید این کار باید یا نباید انجام شود؟ مجاز است بلکه باید صورت بگیرد یا غیر مجاز هست و حتی می‌تواند عقوبت حقوقی داشته باشد؟ هنوز در هیچ جای داستان با اقدام و مواجهه حقوقی با کسی که از این شیوه تخلف کند روبرو نیستیم دلیل آن اینکه اصلاً آمادگی‌ای برای اینکه بخواهیم باید و نباید حقوقی را در قبال آن تحقق بخشیم به لحاظ نظری نداشته‌ایم. با کدام قانون و مبنا؟ با یک احساس و عاطفه شروع می‌شود و از سوی دیگر هم یک محدودیت است کما اینکه در طی ده روز گذشته با یک پدیده بسیار عجیب روبرو بودیم و آن تظاهرات در برلین آلمان علیه اقدامات پیشگیرانه بود. سی هزار نفر بیرون آمدند. نه در کشوری با تقسیم‌بندی‌هایی که جماعت می‌دهند در جهان سوم؛ بلکه در کشوری که پا به توپ مباحث مربوط به علم و مناسبات اجتماعی و با نظام‌های شکل یافته‌ای که توانستند وضعیت زندگی اجتماعی و فردی را سر و سامان دهند. برخی مدعی بودند اولاً این مساله دروغ بود. این مساله به باید و نبایدها در عرصه عمومی درباره یک مساله‌ای که به اگزیستنسیل به معنای زیستی و وجودی انسان برمی‌گردد. اینها را درست کردند تا در حقوق شخصی ما پا بگذارند و بگویند نباید این کار را انجام ندهید. این در دایره حقوق شخصی هست و در دایره حقوق اجتماعی نیست. از سوی دیگر هم می‌گویند در دایره حقوق اجتماعی هست. اما خیلی اتفاق عجیبی بود. قبل از آن یکی از دوستان عکس و فیلم‌هایی فرستاده بود که دوباره رستوران‌ها پر شده و بعد تظاهرات سی هزار نفر! اول گفتند اینها فقط دست راستی‌ها هستند بعد از مصاحبه‌هایی که انجام گرفت نشان داد فقط دست راستی‌ها هم نیستند پس مساله پیچیده‌تر هست. خانم خبرنگاری که ماسک زده بود تا با اینها صحبت کند مورد تعرض قرار دادند و گفتند برو یا پیش کسانی که ماسک دارند نباش. این پدیده خیلی عجیب است. مساله فقط فاصله فیزیکی نبود، داستان محدود شدن دایره تماس و رفت و شد و ارتباط بود. حیات انسانی فقط خوردن و خوابیدن و به زندگی نباتی ادامه دادن نیست خود مناسبات و ارتباط جزو معنای زندگی انسانی است و در این محدودیت‌هایی حاصل شده بود. دکتر بهشتی گفت: مدت‌ها بود بشر از بس به بیرون خودش پرداخته بود مجال پرداختن به تنهایی خودش نداشت و گفتند چه بهتر! یک فرصت اینگونه فراهم شده است. اکنون می‌تواند ارتباطاتش را انتخاب کند بر خلاف قبل که یکسری از ارتباطات دست شما نبود. شما باید به انتخاب ادامه دهید. شما با یک عزلت ناخواسته روبرو هستید و واکنش‌ها نسبت به عزلت ناخواسته متفاوت است با زمانی که فردی از جماعت بیرون می‌زند و به بیابان می‌رود و در غار می‌نشیند و می‌گوید می‌خواهم خودم با خودم باشد. در این جا دو مساله مطرح هست و پیامدهای چنین چیزی بسیار سنگین در نوع مناسبات و روابط انسانی است. همه گفتند فواید دارد و می‌توان وجوه مثبت آن را دید ولی وجوه دیگری هم دارد که در نوع تلقی از زندگی جمعی انسانی تأثیرات عمیق می‌گذارد. وی در یک جمع بندی کلی توضیح داد: به این ترتیب ما با پرسش‌های بسیار مهم و جدّی روبرو هستیم و معلوم نیست ما حتماً به دوران ماقبل کرونایی برگردیم. این یک خوش‌بینی هست که همه دوست داریم اینگونه باشد ولی خوش‌بینی دلیل بر اینکه حتماً چنین چیزی صورت بگیرد نداریم. گذشت از اینکه ماقبل کرونا برگشته‌ایم و هیچ نمی‌دانیم با روندی که در پیش داریم زندگی بشر با چه حوادثی در پیش خواهد بود و آیا وضع ماقبل و مابعد وضعیت یکسانی خواهد بود یا نه؟ من باید به لحاظ فلسفی یک درجه مساله را عمیق‌تر کنم اما فعلاً در حد افق گشایی و طرح مساله من خواستم خدمت دوستان عرض کنم. استاد فلسفه دانشگاه تهران با بیان اینکه بحث اصلی درباره مسوولیت اخلاقی در علم است، اظهار کرد: مقصود از علم درست علم تجربی جدید است. از قدیم الایام با توجه به اینکه طبیعت محیط زیست و زندگی ما بوده نحوه‌هایی از نسبت گرفتن انسان و طبیعت روبرو بودیم. یک نحوه از نسبت گرفتن‌ها نسبت گرفتن نظری-علم (تئوریک) بود. از دیرباز دست کم نزدیک به پنج سده قبل با تلاش‌هایی از جانب بشر روبرو هستیم که در آن با نوعی نسبت گرفتن انسان با طبیعت برای فهم طبیعت روبرو هستیم. گذشته از این در نسبت قرار گرفتن که در آن انسان به عنوان کنش گر آن هم کنش گری که به نحو تکنیکی و صناعی با طبیعت و موجودات طبیعی پیرامون خودش برخورد می‌کند؛ نحوه سومی از نسبت گرفتن روبرو بوده‌ایم در طی سده‌هایی که پشت سر گذاشتیم به خصوص در چند سده اخیر و آن نحوه نسبت گرفتن زیباشناسانه و هنری با طبیعت است. بنابراین از دیرباز با این سه نحوه نسبت گرفتن روبرو بودیم. وی گفت: آنچه در طی سده گذشته تاکنون آن هم شاید با قدمتی کمتر از نیم قرن به عنوان پرسش جدّی مطرح شد مساله نسبت گرفتن اخلاقی عملی و حقوقی با طبیعت بود. تا به حال اینِ مساله در افق دید انسان قرار نگرفته بود به دلیل اینکه معمولاً اخلاق در دایره مناسبات بین انسانی مطرح بود. اینکه انسان نسبت اخلاقی و حقوقی با چیزی مثل طبیعت برقرار کند مورد سوال بود مگر طبیعت چیست که با آن نسبت اخلاقی و حقوقی داشته باشیم؟ نسبتی که در آن باید‌ها و نبایدها مطرح هست طرح شد. از تقریباً اوایل دهه ۷۰ سده پیش (۱۹۷۲ به بعد) در کلوپ رم اول بار بود که سران کشورها در آنجا جمع آمده بودند و مسائل مربوط به طبیعت و محیط زیست انسانی را در سطح کلان مطرح کردند و از زوایای مختلف به مناسبت این کلوپ هم اندیشی‌هایی در عرصه اقتصادی، تکنیکی-صنعتی، اجتماعی و از جمله حوزه فلسفه شروع شد. به این ترتیب مساله مسوولیت اخلاقی در قبال طبیعت مطرح شد و طی نزدیک به پنجاه سال مباحث گسترده‌ای را برانگیخت. مباحثی که شاید به صورت پراکنده قبلاً هم مطرح بودند اینکه اصلاً مطرح نبود ولی به یک‌باره ابعاد مساله به نحوی شد که انگار تمرکزی روی آن صورت گرفت و کارها نظری و پژوهشی و تحقیقی متعدد انجام گرفت. به گونه‌ای که آدم احساس می‌کند دهه هفتاد سده گذشته در طرح مساله اخلاق و نسبت اخلاق با طبیعت نقطه عطفی شد. دکتر محمدرضا بهشتی با این مقدمه ادامه داد: ما در بین نسبت گرفتن‌های مختلفی که انسان با طبیعت دارد انگشت را روی نسبت گرفتن اخلاقی و حقوقی و مساله خاستگاه بایدها و نبایدها گذاشته‌ایم. اگر قرار است طرح بایدها و نبایدها باشد و اگر اساساً طبیعت به منزله متعلق باید و نباید مطرح شود بر چه مبنایی؟ به دلیل اینکه ما با یک مساله‌ای روبرو هستیم که از دایره اندیشه‌ها، فرهنگ‌ها، ایدئولوژی، ادیان خاص و... بسیار فراتر است. هر گونه نسبت گرفتن انسان در رابطه با طبیعت انگار نمی‌تواند منحصر به در دایره یک فرهنگ، دین، نظریه خاص، جریان فکری در سنت فکری خاص شود. به خصوص اینکه ممکن است یک نوع مطالباتی از اینجا نشأت بگیرد و به لحاظ اخلاقی انگار بتوانند مطالباتی از همدیگر داشته باشند یا به لحاظ حقوقی که فراتر از آن است. در این صورت چه کسی باید این مطالبات را انجام دهد؟ از کجا امکان تحقق این مطالبات را پیدا کند؟ آیا در سطح صاحبان قدرت، کانون‌های سیاسی، سرزمین‌ها و کشورها، فراملت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی است؟ هر کدام از اینها بر چه مبنایی هستند؟ به چه دلیل می‌توان از دیگران انتظار تحقق بخشیدن به بایدها یا ترک کارها و محقق شدن نبایدها می‌توان داشت؟ آن هم با تنوع فرهنگ‌ها، سنت‌های فکری و ادیان و... پس مساله خیلی با ابعاد بزرگ بود و طبیعی هست که آن زمان دایره‌های مختلفی از بحث در اینجا مطرح شد. بنابراین انچه که با آن روبرو هستیم و در چند ماه اخیر پررنگ هم شده بی‌سابقه نیست، داستانی است که چنین سابقه‌ای پشت سرش هست و بعد هم داستانی است که ذیل بحث کلان‌تری قابل طرح است. دکتر بهشتی گفت: مقدمه دوم در خصوص ماهیت علم تجربی است. اکنون زمانی که صحبت از علم می‌شود به خصوص در فرهنگ‌های غیر مغرب زمین ممکن است درک و فهمی که از علم وجود دارد متفاوت باشد. در خود فرهنگ مغربِ زمین با توجه به تفاوت در فهم و درک از علم مقصود ما مشخصاً علم تجربی جدید است. بنابراین باید این مفهوم کاملاً روشن باشد و الا ممکن است دامنه بحث آنچنان گسترده شود که دیگر نتوان در آن به یک جمع بندی روشنی رسید. آیا این علم با آنچه در گذشته با آن به عنوان علم می‌شناختیم یکی هست؟ دوستان می‌دانند در واقع دانایی یا حکمت از ایام باستان مورد توجه و تأمل قرار گرفت و یک تقسیم بندی درباره دانایی یا حکمت صورت گرفت. همه ما شنیده‌ایم حکمت به حکمت نظری و عملی تقسیم می‌شود. این تقسیم بندی با این شکل به ارسطو برمی‌گردد. البته این تقسیم سه تایی شد. داستان بر سر حکمت نظری، عملی و صناعی بود. اینکه چرا قسم سوم در آنها قرار گرفت دلایلی دارد. در سده‌های میانه این قسم در آنها قرار گرفت سروکار حکمت نظری با شناخت هستی بود. در آنجا باز تقسیم‌بندی‌هایی ذیل این بود. دانایی نظری به دانایی در خصوص برترین موجود یا الهیات، موجود ریاضی یا ریاضیات، موجود طبیعی یا موجودی که در آن پیدایش و زوال و سیر و رت مطرح است تقسیم می‌شود. در این نوع دانایی به خاطر نظر صورت می‌گرفت.

ادامه در صفحه ۶

رویداد

چه خبر از عرضه‌های اولیه؟

طی هفته گذشته هیچ عرضه اولیه‌ای در بازار سهام انجام نشد و پس از چند هفته متوالی هیچ نماد جدیدی وارد بورس نشد. یکی از مهم‌ترین دلایل آغاز پذیره‌نویسی دومین صندوق قابل معامله بورسی دولتی با نماد «پالایشی یکم» بود. این ETF که با نام «دارا دوم» در میان معامله‌گران جا افتاده بود از روز چهارشنبه قابل پذیره‌نویسی شد. سقف پذیره‌نویسی افراد در دارا یکم و پالایشی یکم پنج میلیون تومان است. بدین ترتیب افرادی که در دارا یکم پذیره‌نویسی کرده بودند تنها سه میلیون تومان از این صندوق را می‌توانند سفارش دهند. در این حال در هفته اخیر وزیر اقتصاد گفته است: ۵۰ شرکت در بازار سرمایه عرضه اولیه می‌شوند و سازمان بورس هم برای هفته آینده یک عرضه اولیه را اعلام کرده است. بر اساس اطلاعیه فرابورس روز سه‌شنبه ۱۱ شهریورماه تعداد ۴۲۰ میلیون سهم معادل ۱۵ درصد از سهام شرکت «برق و انرژی پیوند گستر پارس» در بازار اول فرابورس ایران، به صورت عرضه اولیه به فروش می‌رسد. هر کد بورسی می‌تواند حداکثر ۱۵۰ سهم در بازه قیمتی ۱۸۳۰ تا ۱۸۵۰ تومان معادل ۲۷۷۵۰۰ تومان خریداری کند. در صورت شرکت پنج تا شش میلیون نفر در خرید سهام اولیه این شرکت سهام این شرکت تعداد ۷۰ تا ۸۴ سهم به هر ک

ادامه از صفحه اول

وضعیت کنونی اقتصاد و چند توصیه

۶-اینکه با این نگرش و ساختارهای شکل گرفته پیرامون این تفکر فلسفی ضدتولید و ضدتوسعه‌ای (ساختارهای موجود سیاسی، اداری، اجرایی و بوروکراسی و...) چگونه کشور دوام آورده ناشی از درآمدهای حاصل از سال‌ها فروش نفت و صرف آن در جهت رفع نسبی ناکامی‌ها و بی تدبیری‌ها بوده است.

۷-اگر سه دهه گذشته را با شرایط فوق نمی‌گذراندیم و از انبوه نیروهای انسانی پرانگیزه و وطن‌دوست، متخصص، با استعداد و وجود منابع طبیعی خدادادی فراوان به خوبی بهره می‌بردیم، امروز تاب‌آوری بسیار بیشتری در مقابله با تحریم‌ها و فشارهای خارجی می‌داشتیم.

۸-اما در کوتاه‌مدت و با توجه به شرایط فوق چه می‌توان کرد، می‌توان موارد زیر را ذکر نمود:

۱-۸-در درس اقتصاد خرد دانشگاهی می‌خوانیم که یک تولید کننده در شرایط عادی به دنبال حداکثر کردن سود خود است. اما اگر بنا به دلایلی در منطقه زیان قرار گرفت اما امید به بهبودی در آینده دارد، برای بقا تا زمان بازگشت به منطقه سود، ناچار باید تلاش کند که زیان خود را به حداقل برساند. به نظر می‌رسد که شرایط فعلی کشور مشابه چنین وضعیتی است و بنابراین تنها تلاش ما باید آن باشد تا لااقل زیان‌ها را به حداقل برسانیم.

۲-۸-در شرایطی که از ابتدای انقلاب با تحریم مواجه بودیم و بیش از دو سال است که تحریم‌ها به طرز بی‌سابقه‌ای تشدید شده‌اند، باید بپذیریم که متغیر فعال و تقریباً یکه تاز در حوزه اقتصاد کشور، متغیر سیاسی و تحولات ناشی از تنش‌های سیاسی خارجی و داخلی است.

۳-۸-بنابراین، در شرایط فعلی دولت با دو چالش جدی برای مهار متغیرهای سرکش اقتصادی مواجه است: اول، با تداوم تحریم‌های شدید خارجی، تحولات سیاسی مثبت یا منفی در روابط خارجی، باعث خوشبینی یا بدبینی نسبت به توقف یا تداوم تحریم‌ها خواهد شد. دوم، مقابله گروه‌های سیاسی رقیب در داخل که بعضاً در تلاش برای ناکام گذاشتن اقدامات احتمالی دولت برای کنترل متغیرهای اقتصادی هستند تا موفقیت این سیاست‌ها موجب کسب رضایت مردم نسبت به دولت و در نتیجه اثرگذار بر انتخابات آتی ریاست جمهوری کشور نشود.

۴-۸-هرچند که بعضاً اصرار می‌شود که مشکلات اقتصادی کشور ربطی به انتخابات آتی امریکا ندارد، اما از آنجا که مصرف کنندگان و تولید کنندگان (و کلاً کارگزاران اقتصادی) به وابستگی اقتصاد کشور در شرایط فعلی آگاهند، پیروزی یا شکست هریک از دوجناح سیاسی رقیب در انتخابات امریکا را در محاسبات و رفتارهای اقتصادی خود وارد می‌نمایند. بنابراین، چه بخواهیم یا نخواهیم، نگاه‌های مصرف کنندگان و تولید کنندگان همچون تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان به نتایج انتخابات امریکاست: یعنی تا زمان اعلام نتایج انتخابات امریکا، اعلام هر پیش‌بینی یا برآورد هر نظرسنجی‌ای در ارتباط با انتخابات امریکا می‌تواند بر رفتار مصرف کنندگان و تولید کنندگان تأثیر بگذارد و بنابراین بازارهای کالا و سرمایه کشور را تحت تأثیر قرار دهد.

۵-۸-بر این اساس، پیش‌بینی می‌شود تا اعلام نتایج انتخابات امریکا، تمامی بازارهای اقتصادی کشور در معرض اضطراب، بی‌ثباتی و التهاب قرار داشته باشند.

۶-۸-نوع برخورد رقبای سیاسی داخلی (چه از طریق اقدامات مجلسیان و یا رسانه‌ها و احزاب رسمی و غیررسمی بیرون از مجلس) با موفقیت یا ناکامی سیاست‌های اقتصادی دولت در همین دوره پرتنش خارجی نیز در ثبات یا بی‌ثباتی احتمالی ذکر شده بسیار تأثیرگذار است.

۷-۸-یکی از اقدامات بسیار مطلوبی که دولت انجام داد استفاده از فرصت شش ماهه پیش از عملی شدن تحریم‌های شدید نفتی از ابتدای سال ۹۷ بود که با استفاده از موجودی ارزی یا منابع ناشی از فروش نفت در آن دوره، اقدام به تأمین کالاهای ضروری و مورد نیاز بخش مصرف و تولید و انبار کردن آنها برای روزهای سخت این دوره نمود. شاید اگر این اقدام انجام نشده بود، فروشگاه‌های عرضه کالاهای مورد نیاز مردم امروز وضعیت دیگری داشت، آن هم در شرایطی که شیوع غیرمنتظره بیماری کرونا تعداد قابل توجهی از فعالیت‌های اقتصادی را برای چند ماه متوقف کرد و قیمت نفت نیز در اوائل سال جاری به‌شدت سقوط کرد تا همان مختصر درآمدی نفتی که از دورزدن احتمالی تحریم‌ها می‌توانست نصیب کشور کند را به‌شدت کاهش داد.

۸-۸-بنابراین در شش ماه باقیمانده از سال جاری که مملو از بیم و امیدهای سیاسی و اقتصادی است، دولت و مجموعه عوامل تأثیرگذار شامل تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان باید با جدیت و تحکم انجام دهند، هدایت بی‌قید و شرط از تولید و تولید کنندگان (بزرگ، متوسط و کوچک) برای افزایش یا حداقل حفظ سطح تولید است. بخش قابل توجهی از مشکلات فعلی تولید کنندگان (به خصوص) کوچک و متوسط داخلی است و رفع آنها ربطی به تحریم‌ها و فشارهای خارجی ندارد. تشکیل ستاد یا گروهی خاص با اختیارات ویژه برای رفع فوری و خارج از نوبت و یا خارج از بوروکراسی ضد تولید فعلی (در همه قوا: مجلس اگر نیاز به قانون دارند، قوه قضاییه اگر دعواهای حقوقی مرتبط با بخش تولید، کارگاه یا کارخانه‌ای را تعطیل کرده یا می‌کند و دولت خارج از روال اداری و بوروکراسی رایج و کندکننده فعلی)، می‌تواند بخشی از مشکلات احتمالی در نیمه آتی سال جاری را حل کند.

«تعادل» رویکرد متفاوت پاستور به بازار بورس و مسکن را بررسی می‌کند

استاندارد دوگانه دولت در بازارها

گروه راه و شهرسازی |

تحقق وعده‌های وزیران و مسوولان دولتی همواره موجب شادی و نشاط جامعه نمی‌شود وای بسا که «ته مایه» سرور و احساس نیکبختی را نیز از افراد جامعه باز می‌ستاند. در کنار وعده تقریبا معطل مانده پرداخت وام ودیعه اجاره به مستاجران و همچنین وعده فراموش شده مالیات ستانی از خانه‌های خالی که تا حدی منجر به آسایش متقاضیان مصرفی مسکن می‌شود، انگار قرعه «تحقق»، به نام وعده «ممانعت از انتشار آمار ماهانه تحولات بازار مسکن» زده‌اند، چه آنکه شهریورماه به روز «دهم» رسید و آمار وزارت راه و شهرسازی از تحولات بازار مسکن منتشر نشد. هر چند دسترسی رسانه‌ها به این آمار تبعیض آمیز و نوعی رانت اطلاعاتی به برخی رسانه‌ها بود و همه به‌طور همزمان از آن بهره مند نمی‌شدند. با این حال، به نظر می‌رسد، بدنه دولت نسبت به انتشار آمار و در دسترس قرار دادن اطلاعات به مردم و فعالان بازارهای مختلف، دست کم دو راهکار متفاوت را در پیش گرفته است. اگر وزارت راه و شهرسازی با افزایش قیمت مسکن، حبس آمارها و به عبارتی حذف صورت مساله جهش قیمت از یک سو و فزونی ناتوانی متقاضیان مصرفی در خرید مسکن از دیگر سو را در دستور کار خود قرار داده و وزیر مربوطه هر از گاه، توصیه به پرهیز از خرید مسکن در شرایط موجود می‌کند، اما وزارت اقتصاد و دارایی با همراهی غول‌های دولتی فعال در بازار بورس، دست کم طی ۵ ماهه گذشته، به صعود شاخص کل از قله‌های قیمتی کمک می‌کند و نه تنها هیچ تلاشی برای پنهان کردن یا حبس رکوردهای تازه شاخص کل بورس نکرده‌اند که آن را نشانی برای پویایی و رشد و رونق بورس معرفی می‌کنند. استاندارد دوگانه دولت در مواجهه با بازارهای مسکن و بورس، نشان از نبود درک یکسان از مختصات اقتصاد ایران در هیات وزیران دارد و همچنین عدم درک صحیح از ساز و کار بازارها توسط مدیران دولتی را به نمایش می‌گذارد که در سخت‌گیری بی مورد درباره انتشار آمار بازار مسکن و سهل انگاری مساله ساز درباره رشد حباب گونه شاخص کل بورس متجلی شده است.

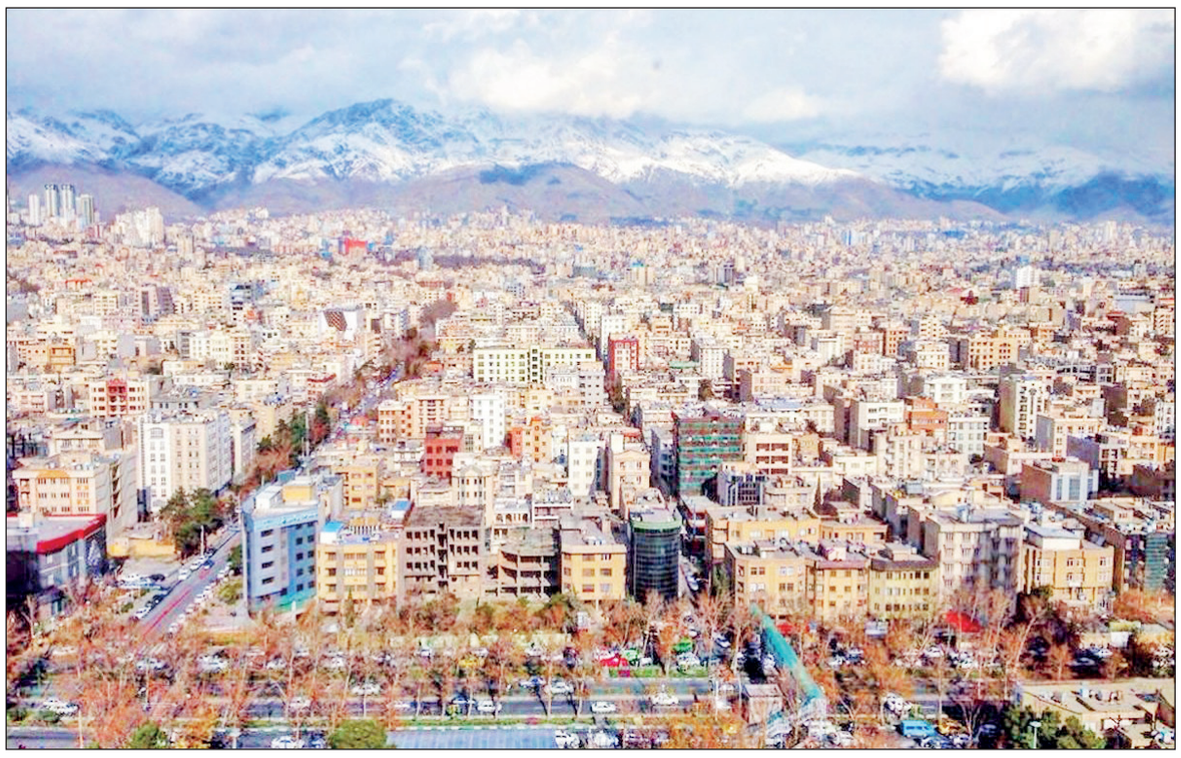

مداخله یا عدم مداخله؟

یکی از سوال‌های بنیادین در علم اقتصاد درباره مداخله یا عدم مداخله دولت در بازارها است. این سوال اما در اقتصاد ایران بیش از سایر کشورها شنیده شده و به چشم می‌آید، چرا که هر از گاه، شاهد مداخله‌های مختلف دولت‌ها در بازارهای مختلف هستیم و متناسب با شرایط مختلف، مداخلات گوناگونی در بازارها به اسم «حمایت» از اقشار ضعیف و آسیب پذیر صورت می‌گیرد. حمایتی‌هایی که به باور اغلب کارشناسان و بر اساس پژوهش‌های اقتصادی صورت گرفته، در کوتاه‌مدت و در ظاهر به نفع اقشار یاد شده اما در میان مدت و بلندمدت، آنان را بیش از پیش در چرخه فرو می‌برد. اگر چه، بر اساس قانون اساسی، دولت ایران موظف به فراهم آوری «زمینه»های رفاه شامل آموزش، بهداشت، اشتغال، مسکن و ... برای آحاد ایرانیان است، اما مجاز به دخالت در بازارها نیست. از منظر علم اقتصاد و تجربه‌های انباشته جهانی نیز، مداخله دولت‌ها در بازارها پیامد مثبتی به همراه ندارد، چرا که اساساً ساز و کار بازار، خود اصلاح گر است و سیگنال‌های ارسالی از سوی قیمت‌های معامله شده در هر بازاری، همچون چراغی مسیر عرضه و تقاضا را روشن می‌کند و فعالان در هر دو سوی بازار را برای قرار گرفتن در موضع تازه راهنمایی می‌کند. از این رو، در صورت مداخله دولت به شکل کنترل قیمت‌ها یا اساسا حذف قیمت‌ها از تابلوهای معاملاتی یا حبس آمار بازارها، پیامدی جز ایجاد ابهام برای فعالان بازار ثمره دیگری ندارد.

پافشاری بر لزوم برقراری مکانیسم بازار و عدم مداخله دولت به معنی چشم فروبستن بر مشکلات اقتصادی یا فراموشی لزوم حمایت از اقشار آسیب پذیر نیست، بلکه به نوعی تعیین قلمروی نفوذ دولت است. اقتدار دولت‌ها در قلمروی سیاست گذاری‌های کلان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تجلی می‌یابد و تقلیل نقش دولت از سیاست گذاری به دخالت در امور کاملا مردمی همچون بازارها و ... پیامدی جز نوسان بیشتر در بازارها دستاورد دیگری نخواهد داشت.

فرمان حبس آمار مسکن

۲۷ مرداد سال جاری، محمد اسلامی وزیر راه و شهرسازی در یک برنامه تلویزیونی اعلام کرد: «به معاونت مسکن دستور داده‌ام تا آمار و اطلاعات مربوط به بازار ماهانه مسکن را منتشر نکند.» این مساله در شرایطی اعلام شد که قیمت مسکن همچون قیمت در سایر بازارها طی دو سال گذشته و به ویژه طی ۵ ماهه نخست سال جاری تحت تاثیر نوسان دلار و افزایش انتظارات تورمی، رشدهای بسیار بالایی را تجربه کرده است به گونه‌ای که متوسط قیمت خرید هر متر مربع مسکن در تهران از ۱۵ میلیون و ۳۵۰ هزار تومان در اسفند سال گذشته در انتهای تیرماه به ۲۱ میلیون تومان (به‌طور میانگین ماهی ۲ میلیون تومان) افزایش یافته است. در چنین شرایطی، به باور کارشناسان حذف آمار بازار مسکن نه تنها منجر به آرامش بازار نمی‌شود که شفافیت نصفه و نیمه کنونی را نیز از بین می‌برد.

به باور کارشناسان مسکن، ممنوعیت انتشار قیمت بازار مسکن به‌طور قطع هیچ تاثیر مثبتی بر این بازار افسار گسیخته ندارد. از طرفی ممکن است زمینه بدتر شدن شرایط بازار را به وجود بیاورد. شفافیت بازار همواره یک ابزار یاری رسان محسوب می‌شود و هر اقدامی که جلوی این شفافیت را بگیرد منجر به بهبود شرایط نخواهد شد. ممنوعیت انتشار قیمت بازار مسکن نه تنها هیچ تاثیر مثبتی بر این بازار افسار گسیخته ندارد بلکه از طرفی ممکن است زمینه بدتر شدن شرایط بازار را به وجود بیاورد. استفاده از تصمیمات ناکارآمد اینچنینی در هیچ کشوری مرسوم نیست زیرا همگان از نتایج عکس این تصمیمات آگاه هستند. زمانی که جلوی انتشار قیمت‌های پیشنهادی از سوی مالکان واحدهای مسکونی در سایت‌ها و نرم افزارهای اینترنتی گرفته شد، نه تنها شاهد سامان گرفتن بازار مسکن نبودیم بلکه شرایط برای افزایش قیمت نیز مهیا شد. در شرایطی که تجربیات ناموفق این تصمیمات مشخص است، استفاده دوباره از آن مایه تاسف خواهد بود.

قیمت‌ها و ماهیت اقتصاد

روزنامه «تعادل» همواره نسبت به انتشار آمار مربوط به تحولات بازار مسکن حساس بوده و نسبت به این مساله به مسوولان مربوطه متذکر شده است. در همین چارچوب، در ۷ تیرماه سال جاری طی یادداشتی با عنوان «قابل توجه وزیر راه و شهرسازی» به این مساله پرداخت و نوشت: از ونیز ۱۶۵۳ تا تهران ۲۰۲۰ ماهیت مناسبات اقتصادی و اهداف انتشار هر گونه نشریه و رسانه تقریبا بدون تغییر و دست نخورده باقی مانده است. اگر «گازتا» نخستین روزنامه جهان در شهر بندری ونیز در سده ۱۷ میلادی، از زمان رفت و آمد کشتی‌ها و نرخ حمل و نقل دریایی، نرخ بهره و در یک کلام اقتصاد دریا و ساحل خبر می‌داد، رسانه‌های امروز هم تلاش دارند تا از قیمت‌ها و تحولات بازارها برای مخاطبان خود گزارش کنند. با این تفاوت که آن روزها دستگاه‌های عریض و طویل دولتی که از بودجه عمومی ارتزاق می‌کنند و به همین دلیل هم باید پاسخگو باشند، یا به شکل و اندازه کنونی وجود نداشتند یا اگر هم وجود داشتند، در امر اطلاع‌رسانی مداخله نمی‌کردند و حبس اطلاعات را نمی‌پذیرفتند. حالا اما انگار با گذشت قریب به ۴۰۰ سال، ورق در برخی از مناطق و کشورهای جهان برگشته به گونه‌ای که اطلاعات عمومی درباره تحولات بازارها یا «حبس» می‌شوند، یا به‌طور «ناقص» منتشر یا در قالب «رانت» به برخی رسانه‌های خاص اعطا می‌شوند. حال آنکه به موجب «ماده ۲ قانون «انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد، مگر آنکه قانون منع کرده باشد. استفاده از اطلاعات عمومی یا انتشار آنها تابع قوانین و مقررات مربوط خواهد بود.» اگر چه از ابتدای فعالیت دولت تدبیر و امید در سال ۱۳۹۲ با توجه به شعارهای این دولت درباره حقوق شهروندی و همچنین وضع قانون «انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» انتظار این بود که وزارتخانه‌ها و نهادهای تولید کننده آمار، در تولید و انتشار آمار و همچنین در اختیار گذاشتن آنها به مردم یا دست کم به روزنامه‌نگاران و پژوهشگران حوزه مربوطه همکاری و همیاری لازم را مبذول می‌کردند اما این مساله هم در کنار وعده‌های عمل نشده دیگر به آرشیو فراموشی سپرده شد.

در بخش دیگری از این یادداشت نیز به مساله توقف انتشار آمار آنلاین بازار مسکن در سامانه «اطلاعات بازار املاک ایران (سابا)» اشاره و نوشته شده بود: یکی از ویژگی‌های سامانه اطلاعات بازار املاک ایران، انتشار تقریبا آنلاین اطلاعات (از جمله قیمت‌های معامله شده) مربوط به معاملات ملکی انجام شده است. اطلاعاتی که برخلاف سایت‌های تبلیغی مسکن، شرایط و رفتار واقعی خریداران و فروشندگان بازار را به نمایش می‌گذارد. در سایت‌های معرفی و تبلیغی مسکن، قیمت‌ها از سوی فروشندگان تعیین و پیشنهاد می‌شود و احتمال اینکه با قیمت‌های اعلامی اصطلاحا معامله سر بگیرد، اندک است و به‌طور قطع، قیمت‌های پیشنهادی تغییر می‌کند.

تراژدی ۳۰۰ سکونتگاه غیررسمی در حاشیه اهواز

گروه راه و شهرسازی |

درست یک روز پس از عذرخواهی پرویز فتاح، رییس بنیاد مستضعفان از کسانی که نام آنها را در یک برنامه تلویزیونی به عنوان متصرفان برخی از املاک بنیاد افشا کرده بود، در ۳۰ مرداد سال جاری، گزارشی روی خروجی خبرگزاری مهر قرار گرفت که بار دیگر نام بنیاد مستضعفان و رییسش را بر سر زبان‌ها انداخت. گزارشی درباره روستایی با قدمت ۴۰ ساله در حاشیه شهر اهواز که به دلیل مالکیت زمین‌هایش از سوی بنیاد مستضعفان، حکم تخریب این روستا صادر شده و ساکنان آن در آستانه بی‌خانمانی قرار دارند.

بدمسکنی و زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی، آن گونه که مسوولان وزارت راه و شهرسازی اعلام کرده‌اند، دست کم دامن ۲۰ میلیون نفر از جمعیت کشور- حدود یک‌چهارم جمعیت- را گرفته است و اگر چه مساله تازه‌ای به نظر نمی‌رسد اما معضلی ریشه‌دار و پیچیده است و به توجه مسوولان نیازمند است. بر اساس گزارش‌های اولیه، در این روستا ۳۰۰ خانوار از ۴۰ سال پیش ساکن شده‌اند، اما از بهمن ماه سال قبل، ارایه خدمات از جمله برق از سوی دستگاه متولی به این روستا متوقف شده و حتی برخی از اهالی این روستا که در فرایند تهیه نقشه‌های فنی با هدف دریافت سند رسمی از بنیاد مستضعفان مشارکت داشته‌اند نیز بازداشت شده‌اند.

تخریبی صورت نگرفته است

جمال عالمی نیسی، فرماندار اهواز یک روز پس از انتشار اولین گزارش درباره وضعیت روستاییان روستای ابوالفضل گفت: در روستاهای اهواز هیچ خانه‌ای تخریب نشده ولی یک سکونتگاه به نام «ابوالفضل» در اهواز وجود دارد که دستگاه قضا در خصوص فرصت طلبی‌های صورت گرفته در آن ورود کرده است. به گزارش مهر، عالمی نیسی اظهار کرد: روستایی به نام ابوالفضل در ساختار تقسیمات کشوری شهرستان اهواز وجود ندارد اما یک سکونتگاه به این نام است که جایگاه رسمی و قانونی در تقسیمات کشوری ندارد. زمین‌های این منطقه توسط افرادی فرصت‌طلب تصرف شده که خرید و فروش و ساختمان‌سازی غیرقانونی در آن صورت می‌گیرد.

فرماندار اهواز گفت: زمین‌های این منطقه متعلق به بنیاد مستضعفان است و دستگاه قضایی در خصوص تصرفات غیرقانونی این افراد ورود کرده که فرصت‌طلبی‌های صورت گرفته، قلع‌وقمع خواهند شد. اقدامات و برخوردهای صورت گرفته در مقابله با تصرفات غیرقانونی جدا از منازل سازمانی این منطقه است و تخریب منازل مسکونی کاملاً کذب است.

با این حال، هفته گذشته روزنامه شرق در گزارشی میدانی از روستای ابوالفضل به نقل از دو زن ساکن در این روستا نوشت که بر خلاف ادعاهای فرماندار در عدم تخریب، تخریب مسکن روستاییان صورت گرفته است. گزارش میدانی از روستای ابوالفضل همچنین آشکار می‌کند که روستاییان ضمن داشتن «حق ریشه» در زمین‌های کشاورزی روستا، تمایل دارند با پرداخت هزینه زمین منازل خود با بنیاد مستضعفان به صلح برسند.

توهین به مردم از هیچ مقامی پذیرفتنی نیست

در تحولی دیگر، پنجشنبه هفته گذشته، ماموران نیروی انتظامی و ماموران اجراییات شهرداری اهواز در روستای ابوالفضل به منظور تخریب ساخت‌وسازهای غیرمجاز در آن حضور یافتند که با مقاومت اهالی روستا مواجه شدند. با حضور نیروهای انتظامی در روستای ابوالفضل، مساله این روستا وارد فاز تازه‌ای شد. از همین رو، سید کریم حسینی، نماینده مردم اهواز در مجلس شورای اسلامی روز جمعه در روستای یادشده حضور یافت و مساله را بررسی کرد. او ضمن دلجویی از مردم و امام جماعت این روستا، اظهار کرد: قانون فصل الخطاب و بالاتر از همه چیز است و هم مسوولان و هم مردم موظف به رعایت قوانین هستند اما باید بدانیم که مردم حق شهروندی دارند و باید حقوق آنها را محترم شمرد. رییس مجمع نمایندگان بیان کرد: امروز با رییس بنیاد مستضعفان تلفنی صحبت کردم و از مسوولان استانی نیز پیگیر ماجرا شدم و اولین قولی که از مسوولان گرفتم، رعایت حق و حقوق ساکنان روستای ابوالفضل اهواز است. وی تأکید کرد: هر کس قصوری را مرتکب شده باید مواخذه شود، توهین به مقام روحانیت و مردم پسندیده نیست و باید نسبت به این توهین عذرخواهی شود.

فتاح وعده داد

نماینده مردم اهواز در مجلس شورای اسلامی بیان کرد: رییس بنیاد مستضعفان به من وعده داد که بنیاد مستضعفان با ساکنان روستای ابوالفضل همکاری و از تصمیم‌های منطقی در این خصوص استقبال می‌کند. حسینی افزود: با استاندار نیز صحبت کردم و وی نیز بر حفظ حرمت و حقوق ساکنان روستای ابوالفضل اهواز در چارچوب ضوابط اصرار دارد و مخالف سوءاستفاده برخی افراد سودجو از مساله است.

بنیاد شکایت نکرده است

سید نظام‌الدین موسوی نماینده مردم تهران و عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی در واکنش به این اتفاق در پیامی در شبکه اجتماعی خود نوشت: «در تماس با آقای فتاح رییس بنیاد مستضعفان موضوع روستای ابوالفضل اهواز را پیگیری کردم. می‌گوید مساله دیروز ارتباطی به شکایت بنیاد ندارد و ظاهراً مربوط به مصوبات کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری اهواز برای مقابله با ساخت‌وسازهای غیرقانونی بوده است. نمایندگان اهواز در حال بررسی دقیق‌تر موضوع هستند». به گزارش مهر، این در حالی است که برخی منابع رسمی از حضور نماینده بنیاد مستضعفان در کنار فرماندار اهواز همزمان با حضور ماموران اجراییات و نیروی انتظامی در محل روستا خبر داده‌اند.

همچنین احمد نادری دیگر نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی نیز در واکنش به این اتفاق نوشت: «بررسی‌ها نشان می‌دهد مانند روستای ابوالفضل، مناطق حاشیه‌ای زیادی در کشور وجود دارد که مالکیت آنها در اختیار نهادهایی مثل بنیاد مستضعفان است. ساماندهی وضعیت این مناطق قبل از هر اقدام شتاب‌زده و ناهماهنگ بین دستگاهی، نیازمند مطالعات اجتماعی است تا حقی از مظلومی ضایع نشود و ناعدالتی رخ ندهد».

ایرانشهر

پرونده ۵۰ هزار مستاجر در کارتابل بانک‌ها

معاون وزیر راه و شهرسازی با بیان اینکه حدود ۵۰ هزار پرونده مستأجران در کارتابل بانک‌هاست از اضافه شدن گروه‌های جدید به واجدان شرایط دریافت وام ودیعه خبر داد. محمود محمودزاده در گفت‌وگو با تسنیم در خصوص جدیدترین وضعیت پرداخت وام ودیعه مسکن به مستأجران اظهار کرد: بر اساس مصوبه پس از ثبت‌نام متقاضیان دریافت وام ودیعه مسکن امتیازبندی شدند و به عنوان نمونه مستأجر کارگر دارای ۳ فرزند و تحت پوشش نهادهای حمایتی بالاترین امتیاز را دارد. وی با بیان اینکه برخی متقاضیان دو امتیاز و یک امتیاز دارند، افزود: امتیازبندی متقاضیان وام ودیعه انجام شده و تاکنون وام ۱۳۰ پرونده پرداخت شده است. وی با تاکید بر اینکه هیچ مشکلی در پروسه دریافت وام ودیعه برای مستأجران وجود ندارد و سرعت اجرای این برنامه مناسب است، تصریح کرد: هفته جاری گروه‌های جدید مشمول دریافت وام ودیعه مسکن خواهند شد که اطلاع‌رسانی‌های لازم در این باره انجام می‌شود. معاون مسکن و ساختمان وزیر راه و شهرسازی با اعلام اینکه پرونده بیش از ۲۰۰ هزار مقاضی وام ودیعه مسکن آماده ارسال به سیستم بانکی است که به زودی این کار را انجام خواهیم داد، گفت: مطابق مصوبه مستأجران به صورت گروه، گروه به بانک معرفی می‌شوند. محمودزاده با اشاره به اینکه پرونده حدود ۵۰ هزار نفر در کارتابل بانک‌هاست، اضافه کرد: پیش بینی می‌کنیم در این مرحله به حدود ۷۰۰ هزار مستأجر وام‌های ۱۵ تا ۵۰ میلیون تومانی ودیعه پرداخت شود.

مالکان بیش از یک خانه در حال شناسایی هستند

مدیر کل دفتر اقتصاد مسکن وزارت راه و شهرسازی با بیان اینکه روزانه ۱۰۰ هزار پیامک به مالکان بیش از یک خانه ارسال می‌کنیم گفت: به این افراد دو هفته فرصت می‌دهیم که با خوداظهاری وضعیت خالی بودن یا دارای ساکن بودن واحدهای خود را اعلام کنند. پروانه اصلانی در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: سامانه املاک و اسکان در حال حاضر اجرایی شده و روزانه ۱۰۰ هزار پیامک به مالکان بیش از یک واحد ارسال می‌کنیم. این افراد دو هفته فرصت دارند که با خوداظهاری وضعیت خالی بودن یا دارای سکنه بودن واحد خود را مشخص کنند و دولت این اطلاعات را چک می‌کند. وی افزود: تا پایان تابستان معلوم می‌شود که این واحدها خالی است یا خیر. سپس آنها را به سازمان امور مالیاتی معرفی می‌کنیم. مدیر کل دفتر اقتصاد مسکن در پاسخ به این سوال که اگر قرارداد صوری اجاره بسته شود یا کنتور واحد مسکونی کار کند، چگونه از وضعیت خالی بودن آن مطلع می‌شوید، گفت: مشکل شناسایی واحدهای خالی مربوط به قبل بود در حال حاضر ما روش خود اظهاری را با داده‌هایی که از طریق تقاطع اطلاعاتی به دست می‌آوریم راستی‌آزمایی می‌کنیم و برای کسانی که خلاف اظهاراتشان اثبات شود جریمه‌های سنگین مالیاتی در نظر گرفته شده است. اصلانی ادامه داد: یکی از روش‌های احراز استقرار افراد در یک خانه موبایل آنها است که در این زمینه وزارت ارتباطات و وزارت راه و شهرسازی همکاری می‌کند همچنین بسیاری دیگر از دستگاه‌ها به سامانه املاک و اسکان متصل شده‌اند و همکاری خوبی با ما دارند. وی تاکید کرد: اگر کسی صاحب دو واحد مسکونی یا بیشتر باشد و بعد از دریافت پیامک خود اظهاری نکند ملاک را بر این قرار می‌دهیم که خانه‌های او خالی است.

موانع پرداخت تسهیلات کرونا به ایرلاین‌ها برطرف شد

دبیر انجمن شرکت‌های هواپیمایی گفت: شرکت‌های هواپیمایی پیش از این برای دریافت تسهیلات حمایتی با مشکل چک‌های برگشتی در بانک‌ها مواجه بودند اما مقرر شد چک‌های برگشتی مانعی برای ارایه تسهیلات حمایتی نباشد و این وام پرداخت شود.

مقصود اسعدی‌سامانی در گفت‌وگو با فارس، درباره تسهیلات حمایتی دولت از کسب‌وکارهای آسیب‌دیده در شیوع کرونا در حیطه صنعت حمل و نقل هوایی بیان کرد: پیش از این شرکت‌ها مشکلاتی در دریافت این تسهیلات داشتند، درصد بالایی از موانع پیش روی شرکت‌ها در این باره رفع شد، اما باز پرداخت این تسهیلات کماکان در گیرودار اداری است و به پرداخت نرسیده است. وی درباره آخرین وضعیت ورود بانک مرکزی به موضوع عدم پرداخت تسهیلات به شرکت‌های هواپیمایی به دلیل وجود چک‌های برگشتی توضیح داد: فعلاً اعلام شد که تسهیلاتی برای شرکت‌های هواپیمایی قائل شوند و چک‌های برگشتی را مانعی برای ارایه تسهیلات عنوان نکنند. دبیر انجمن شرکت‌های هواپیمایی ادامه داد: از سوی دیگر در بحث وثیقه‌های تسهیلات هم مصوب شده است که بانک‌ها هم ملک و هم هواپیما را به عنوان وثیقه قبول کنند اما با این حال بانک‌ها در گیرودار بروکراسی اداری هستند، البته مساله مهم این بود که مشکل چک‌های برگشتی شرکت‌های هواپیمایی برای بانک‌ها، رفع شد.

اسعدی سامانی گفت: متأسفانه بانک‌ها در ارایه این تسهیلات کم‌کاری می‌کنند و این پروسه زمانبر شده است، شرکت‌های هواپیمایی به دلیل کاهش پروازها به دلیلی شیوع کرونا، برای پرداخت حقوق پرسنل خود و هزینه‌های خود کماکان مشکلات دارند.

رویداد

اقدامات امنیتی پس از دریافت لوازم الکترونیکی از تعمیرکار

یک کارشناس فناوری اطلاعات با بیان اینکه پس از دریافت لپ‌تاپ یا گوشی هوشمند از تعمیرکار یا افراد ناشناس، این احتمال وجود دارد که نرم‌افزارهای مخربی در سیستم‌تان نصب شده باشد، گفت: لازم است اقدامات امنیتی را جدی بگیرید، زیرا بی‌توجهی به آنها زمینه را برای نفوذ افراد ناشناس به سیستم‌تان را فراهم می‌کند. علی اصغر زارعی در گفت‌وگو با ایسنا، با بیان اینکه بعد از دریافت لپ‌تاپ، حتماً در اسرع وقت ویندوز سیستم‌تان را عوض کنید، افزود: آنگاه آن را به‌روزرسانی کنید و مطمئن شوید که از آخرین نسخه ویندوز استفاده می‌کنید؛ برای افزایش امنیت سیستم‌تان حتماً همه درایورها را فرمت کنید، با این کار اگر فایل مشکوک و آلوده در درایور سیستم کپی شده باشد، کاملاً از بین می‌رود. وی با بیان اینکه اگر فایل مشکوکی در سیستم‌تان مشاهده کردید، به هیچ عنوان آن را باز و روی آن کلیک نکنید، افزود: درایوری که فایل مشکوک در آن قرار گرفته را فرمت کنید و دوباره برای امنیت بیشتر، ویندوزتان را عوض کنید. آنگاه یک فایروال و آنتی‌ویروس مناسب و امن روی سیستم نصب کنید. این ابزارها می‌توانند جلوی بعضی از ویروس‌ها و بدافزارها را در دنیای مجازی بگیرند. این کارشناس ارشد مدیریت سیستم‌های اطلاعاتی، ادامه داد: همچنین بعد از فایروال ویندوز، از فایروال‌های Comodo یا Privatefirewall هم می‌توانید استفاده کنید. این ابزارها از سیستم شما در برابر حملات اینترنتی و کرم‌ها محافظت و از ورود نرم‌افزارهای مخرب جلوگیری می‌کند. در کنار این‌ها، حتماً یک نرم‌افزار امنیتی برای شناسایی و نابود کردن بدافزارها روی سیستم نصب کنید. همچنین فایل‌های موجود در کامپیوتر که ذخیره می‌کنید را رمزگذاری کنید تا اگر به هر دلیلی کامپیوترتان به دست افراد ناشناس افتاد، دسترسی به محتوای فایل‌ها ممکن نباشد برای این کار از نرم‌افزار AES Crypt استفاده کنید.

■ استفاده از وی‌پی‌ان برای مخفی نگه داشتن آی‌پی

زارعی با بیان اینکه برای اتصال امن به اینترنت و فعالیت در دنیای دیجیتال، از یک وی‌پی‌ان یا فیلترشکن، برای مخفی نگه داشتن آدرس آی‌پی استفاده کنید، گفت: این نکته را فراموش نکنید که برای امنیت بیشتر در فضای مجازی بهتر است به‌صورت ناشناس ظاهر شوید. برای این کار می‌توانید از ابزار Tor استفاده کنید، شبکه‌ای از تونل‌های مجازی که کمک می‌کند از حریم خصوصی و امنیت‌تان در اینترنت بهتر محافظت کنید. وی با تاکید بر اهمیت امنیت مرورگرها بیان کرد: امنیت وای‌فای نیز موضوع بسیار مهمی هست که شما باید به تمام تنظیمات مودم و نرم‌افزارهای کاربردی برای اینترنت وای‌فای و امنیت آن بپردازید. همچنین برای افزایش امنیت سیستمتان حتما نرم‌افزارهای مورد نیاز را از فروشگاه‌ها رسمی دانلود و اگر هم نمی‌توانید نرم‌افزارهای متن باز استفاده کنید. رمز عبور تمام ایمیل‌ها و حساب‌های شبکه‌های اجتماعی‌تان را زودبه‌زود تغییر دهید و تایید هویت دومرحله‌ای را برای آنها فعال کنید؛ همچنین لازم است رمزهای عبور قوی و مناسب انتخاب کنید و هرگز از رمز عبور تکراری برای چند حساب استفاده نکنید. این کارشناس فناوری اطلاعات خاطرنشان کرد: بسیاری از افراد در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های پرمخاطب مثل فیس‌بوک، اینستاگرام، تلگرام و واتس‌اپ فعال هستند؛ بهتر است با اسم‌های مستعار، اکانت‌های جدید بسازید و فعالیت کنید و از اطلاعات حقیقی برای حساب‌هایتان استفاده نکنید، مثلاً آدرس ایمیل اصلی‌تان را به این شبکه‌ها ندهید یا در تلگرام با یک شماره جدید یک حساب جدید بسازید.

■ اقدامات امنیتی برای دستگاه‌های هوشمند

زارعی با بیان اینکه پس از دریافت گوشی یا تبلت از تعمیرکار یا از افراد ناشناس، آن را به تنظیمات کارخانه‌ای برگردانید، افزود: نصب یک آنتی‌ویروس قوی و مناسب روی دستگاه‌های هوشمند، اقدام لازم بعدی است. همچنین اپلیکیشن‌های مورد نیاز را از مارکت‌های رسمی مثل گوگل پلی و اپل استور دانلود کنید. استفاده از فیلترشکن یا وی‌پی‌ان امن را هم فراموش نکنید. وی با بیان اینکه از نرم‌افزارهای مخرب یا تروجان‌ها نباید غافل شد، افزود: آنها می‌توانند به عمق سیستم شما نفوذ کنند و مقابله با آنها کار دشواری است، به‌طوری که آنتی‌ویروس‌های معمولی نمی‌توانند آنها را شناسایی و با آنها مقابله کنند و برای از بین بردن آنها به ابزارهای ویژه‌ای نیاز است. بنابراین لازم است اقدامات امنیتی را جدی بگیرید و همه آنها را اعمال کنید، زیرا بی‌توجهی به آنها زمینه را برای نفوذ افراد ناشناس به سیستمتان را فراهم می‌کند.

استفاده از ویژگی ایجاد پایگاه داده دایمی و نگهداری سوابق برای مقابله با جرایم سازمان‌یافته

نقش بلاک‌چین در جلوگیری از فساد دولتی

فناوری بلاک‌چین طیف وسیعی از خصوصیات ارزشمند را ارایه می‌دهد که مهم‌ترین آنها به ذخیره و ایجاد پایگاه داده‌های آشکار و دایمی و نگهداری سوابق مربوط می‌شود و وجود چنین قابلیتی می‌تواند به مقابله با جرایم سازمان‌یافته و فساد دولتی کمک شایان توجهی کند. بلاک‌چین می‌تواند نقش منحصربه‌فردی در جلوگیری از فساد دولتی داشته باشد. هر چند این فناوری نمی‌تواند به تنهایی از وقوع جرم جلوگیری کند و باید با چارچوب‌ها و ساختارهای مناسب و موثر قانونی همراه شود. بلاک‌چین ترکیبی واحد از ویژگی‌ها، نظیر نگهداری سوابق، جمع‌آوری اطلاعات دایمی و آشکار، شفافیت و ارزیابی معاملات در زمان واقعی و عملکرد خودکار قراردادهای هوشمند را ارایه می‌دهد. بلاک‌چین می‌تواند چارچوب‌های قانونی و ساختارهای اجتماعی موجود را تکمیل کرده و ارتقا دهد. با این وجود، کارایی فناوری یادشده در عمل با محدودیت‌هایی نیز همراه است. به عبارت دیگر، در غیاب اجرای قوانین پیوسته و موثر، ورودی‌های اطلاعاتی دقیق، دانش کافی فناورانه و مشارکت نخبگان سیاسی و اجتماعی، ممکن است حاکمیت مبتنی بر بلاک‌چین هیچ نقشی به عنوان عامل بازدارندگی در زمینه فساد و اصلاح وضع موجود نداشته باشد. با وجود این سیاست‌گذاران می‌توانند با تلفیق و همراه‌سازی مولفه‌های کلیدی و کارآمد، با کاربرد بلاک‌چین، از این فناوری برای رفع نقاط ضعف در سیستم‌های فعلی استفاده کنند. پژوهشگاه فضای مجازی به ذکر این موارد پرداخته است. این موارد استفاده همچنین اهمیت یک رویکرد جامع و چندوجهی برای حاکمیت مبتنی بر بلاک‌چین نشان می‌دهند. در بسیاری موارد آنها همچنین محدودیت‌ها و معایب اساسی را در استفاده از این فناوری جدید دارند. در حالی که این محدودیت‌ها ممکن است با پیشرفت‌های تکنولوژیک روبرو شود، ضروری است که دولت‌ها هم هزینه‌ها و هم مزایای حاکمیت مبتنی بر بلاک‌چین را به خوبی ارزیابی کنند.

تدارکات عمومی یا پیمانکاری دولتی

تدارکات عمومی (یا پیمانکاری دولتی) بزرگ‌ترین بازار برای مخارج دولت و همچنین بزرگ‌ترین منبع فساد اداری در سراسر جهان است. عوامل گوناگون، این پروسه‌های دولتی را هم در کشورهای با درآمد بالا و هم در کشورهای فقیر به یک بستر مناسب برای فساد بدل می‌سازد. فرآیندهای انتخاب پیمانکاران و منابع در چنین شرایطی بسیار پیچیده، غیرشفاف و همچنین شامل درجه بالایی از اختیار انسان هستند. این آسیب‌پذیری‌ها نه تنها منجر به ضایعات گسترده مالی می‌شوند، بلکه تحریف قیمت‌های بازار، کاهش رقابت سالم و غالبا تولید کالاهای غیراستاندارد و خدمات ناکارآمد را سبب می‌شوند. حال این سوال مطرح می‌شود که فناوری بلاک‌چین چگونه می‌تواند به این موضوع کمک کند؟ یک فرآیند مبتنی بر بلاک‌چین می‌تواند با تسهیل نظارت شخص ثالث بر معاملات آشکار و ایجاد عینیت و یک‌نواختی بیشتر از طریق معاملات هوشمند خودکار، مستقیما فاکتورهای زمینه‌ساز فساد پیمانکاری یا تدارکات را از بین ببرد و به دنبال آن شفافیت معاملات و پاسخگویی بازیگران را افزایش و ارتقا دهد. شماری از موانع می‌تواند استقرار موثر این سیستم را پیچیده کند. به عنوان مثال هر چه دسترسی و استفاده از سکوی بلاک‌چین راحت‌تر باشد در زمینه سوءاستفاده آسیب‌پذیرتر است. حملات اسپمینگ یا تخلیه ممکن است پتانسیل‌های ضدفساد سیستم را با بارگذاری بیش از حد اطلاعات بی‌فایده و مخرب یا از طریق سرقت، از بین ببرند. علاوه بر این سکوی بلاک‌چین ممکن است نتواند تعاملات انسان‌ها در کل جهان را ضبط کند. اگر تبانی، رشوه یا حتی انتخاب پیمانکار به صورت آفلاین ادامه یابد، پتانسیل ضدفساد سیستم‌های مبتنی بر بلاک‌چین به شدت مبهم خواهد شد.

ثبت املاک مبتنی بر فناوری بلاک‌چین

دولت‌های مختلف در اقصی نقاط جهان، اجرای آزمایشی طرح ثبت زمین‌ها مبتنی بر فناوری بلاک‌چین را آغاز کرده‌اند. بعضی ابتکارات به‌ویژه ابتکاراتی که در کشور سوئد شکل گرفته، سبب افزایش کارایی در صنعت انبوه‌سازی مسکن و املاک شده است. برخی ابتکارات دیگر در هندوراس و هند با هدف الهام بخشیدن و گسترش حقوق مالکیت و تقویت شفافیت در پروسه‌های آسیب‌پذیر نسبت به فساد به وجود آمده‌اند. تاثیر فناوری بلاک‌چین بر این حوزه، پرسش بزرگی است که در این مقطع، مطرح می‌شود. ثبت اراضی مبتنی بر فناوری بلاک‌چین به‌طور بالقوه می‌تواند یک سیستم ثبت ایمن، غیرمتمرکز، قابل تایید عموم و غیرقابل تغییر و دستکاری را ارایه دهد که افراد از طریق آن قادر خواهند بود به‌طور قطع مالکیت زمین خود را اثبات کنند. این خصوصیات زمینه ایجاد فرصت برای جرایمی چون جعل سند و کلاهبرداری در مورد حقوق و مالکیت زمین را کاهش می‌دهد و به‌طور کلی یک سیستم مالکیت مقاوم در برابر فساد را به وجود می‌آورد. با وجود این، محدودیت‌های کلیدی در زمینه ثبت زمین‌ها با استفاده از فناوری بلاک‌چین نیز وجود دارد. فناوری بلاک‌چین به خودی خود نمی‌تواند مالکیت دارایی‌ها را رسمیت دهد یا مساله مربوط به حاکمیت ناکارآمد را حل کند. کشورهایی که سیستم ثبت زمین ناقص و ناکارآمد دارند باید قبل از اقدام به استفاده از فناوری بلاک‌چین در سیستم ثبت، روند دشوار جمع‌آوری، مرتب کردن و دیجیتال‌سازی اطلاعات را طی کنند. علاوه بر این امکان استفاده از بلاک‌چین در ثبت اراضی تا حدود زیادی به میزان اتصال کاربران و توسعه فناوری‌های دیجیتال در یک کشور، بستگی دارد.

رای‌گیری الکترونیکی و به حداقل رساندن دستکاری انتخاباتی

نگرانی روزافزون در مورد امنیت انتخابات، صداقت و درستی در ثبت‌نام رای‌دهندگان، دسترسی به نظرسنجی‌ها و میزان مشارکت رای‌دهندگان باعث شده است که دولت‌ها بستر رای‌گیری مبتنی بر بلاک‌چین را به عنوان ابزاری برای افزایش اعتماد و مشارکت مردم در فرایندهای اساسی دموکراتیک در نظر بگیرند. خصوصیات بارز بلاک‌چین مانند غیرمتمرکز، شفاف، تغییرناپذیر و رمزنگاری‌شده بودن می‌تواند در به حداقل رساندن دستکاری انتخاباتی و به حداکثر رساندن دسترسی به نظرسنجی کمک شایانی کند. این در حالی است که محدودیت‌هایی نیز در این زمینه وجود دارد. با توجه به مشروعیت انتخابات، رای‌گیری مبتنی بر بلاک‌چین الکترونیکی خطرات قابل توجهی را به همراه دارد. فناوری بلاک‌چین مانند هر سیستم فناوری جدیدی در برابر حمله‌های سایبری و دیگر آسیب‌های امنیتی آسیب‌پذیر است. این موضوع می‌تواند منجر به دستکاری در آراء، پاک شدن سوابق رای یا هرج و مرج انتخاباتی شود. سیستم تایید رای‌دهنده که از ابزار احراز هویت بیومتریک، مانند تشخیص چهره استفاده می‌کند، می‌تواند با خطا، منجر به وقوع اشتباه در فرایند شناسایی رای‌دهنده شود، در نتیجه تقلب یا محرومیت بعضی شهروندان در انتخابات را تسهیل می‌کند. سیستم‌های رای‌گیری مبتنی بر فناوری بلاک‌چین ممکن است خطرات و نگرانی‌های مربوط به حریم خصوصی را نیز در پی داشته باشد. بنابراین ضروری است که چنین خدماتی توسط یک سیستم و ارایه‌دهنده فناوری بسیار معتبر تهیه شود.

ثبت مالکیت شرکت‌های عام‌المنفعه

رسوایی‌های اخیر در مورد فساد سازمان‌های عام‌المنفعه و خیریه، نگرانی‌هایی را در سرتاسر جهان در مورد مالکیت این قبیل شرکت‌های ناشناخته ایجاد کرده است. شرکت‌هایی که عموما در سکوت تاسیس شده و می‌توانند به راحتی برای مقاصد پولشویی، پرداخت رشوه یا استفاده از سرمایه‌گذاری‌های دولتی برای مقاصد شخصی مورد استفاده قرار بگیرند. فناوری بلاک‌چین می‌تواند در این زمینه کمک شایان توجهی به دولت‌ها ارایه دهد. بسیاری از کشورها به‌منظور ردیابی بهتر تناقضات در منافع و فعالیت‌های مجرمانه چنین نهادهایی، اقدام به ایجاد ثبت‌های مرکزی برای مالکیت شرکت‌های عام‌المنفعه و موسسات خیریه می‌کنند. ثبت این اطلاعات مبتنی بر فناوری بلاک‌چین، به‌صورت گسترده برای کاربران قابل دسترس و تا حدود زیادی، ضد دستکاری است. بی‌شک چنین امکانی، می‌تواند شفافیت مورد نیاز را فراهم و همچنین هرگونه فسادی را آشکار کند. عدم رسیدن کشورها به قطعیت در مورد لزوم و اهمیت پرداختن به این قبیل شرکت‌ها و موسسات و حضور فعال برخی نهادهای مالی مانند بانک‌های بزرگ جهان در تاسیس و رشد این قبیل موسسات، از موانع بزرگ موجود بر سر راه به کارگیری فناوری بلاک‌چین در این زمینه است.

شفافیت در اعطای کمک‌هزینه

بسیاری از دولت‌ها سالانه میلیون‌ها دلار کمک هزینه در زمینه‌های مختلف مانند آموزش، هنر، کمک‌های بشردوستانه، کمک‌های اجتماعی و دیگر زمینه‌ها پرداخت می‌کنند. این روند اغلب پیچیده، غیرشفاف و ناکارآمد است و باعث گم شدن پول در جریان هزینه‌های بانکی و واسطه‌ها شده و به عبارتی پتانسیل ایجاد انحراف و فساد مالی را ایجاد می‌کند. بلاک‌چین می‌تواند به‌طور بالقوه جهت ایجاد اعتماد عمومی در این سیستم مورد استفاده قرار گیرد. امکان حذف واسطه‌ها و کاهش تعداد بازیگران درگیر در اعطای کمک هزینه‌ها و همچنین در روند پرداخت و مدیریت، می‌تواند روند کار را ساده‌تر ساخته، هزینه‌ها را کاهش داده و مهم‌تر از آن، فرصت فساد مالی و کارهای غیرقانونی را به حداقل برساند. در اینجا بخش نیز محدودیت‌هایی وجود دارد. توانایی دریافت‌کنندگان برای مدیریت موثر اعطای کمک‌های مالی مبتنی بر فناوری بلاک‌چین ممکن است چالش‌برانگیز باشد یا عمق و میزان شفافیت را کاهش دهد. افراد و سازمان‌هایی که دانش فناوری یا منابع کمتری دارند، قادر به استفاده از این سیستم نیستند و ممکن است با تبعیض یا محرومیت از فرایندهای اعطای کمک هزینه مواجه شوند. علاوه بر این یک سیستم پرداخت مبتنی بر بلاک‌چین به اندازه کافی مشکلات و چالش‌های ناشی از فساد در استفاده از کمک هزینه را حل نمی‌کند.

متعادل کردن مزایا و چالش‌ها

علاوه بر نگرانی‌های یادشده، برخی موانع مهم‌فنی نیز می‌توانند مانع بهره‌گیری موثر از بلاک‌چین شود. این موانع می‌تواند از هزینه پیاده‌سازی و مقیاس‌پذیری تا موارد منفی ناشناخته و اقدامات اشتباه سیاست‌گذاران در زیرساخت‌ها متغیر باشد. بلاک‌چین، با داده‌های آشکار و دایمی و ثبت اطلاعاتی که می‌تواند شفافیت، پاسخگویی و تعامل شهروندان را افزایش دهد، خصوصیات ارزشمندی را ارایه می‌دهد. مجمع جهانی اقتصاد اخیرا گزارشی را برای ارزیابی بیشتر توانایی بلاک‌چین در کاهش موثر فساد عمومی منتشر کرده است. عنوان این گزارش «کاوش در فناوری بلاک‌چین برای شفافیت دولت» نام دارد. در این گزارش، یک سیستم تدارکات عمومی مبتنی بر بلاک‌چین در یکی از پروژه‌های مشترک در حال انجام میان بانک توسعه داخلی قاره امریکا و دفتر بازرسی کل کلمبیا، مورد بررسی، طراحی و آزمایش قرار گرفته است. بلاک‌چین نقش بسیار موثری در مقابله با فساد دارد اما جدید بودن و دارا بودن پتانسیل ضدفساد این فناوری و نقش آن در ارایه راه‌حل‌ها نباید سیاست‌گذاران را از معایب و خطرات تجارت ناشی از استفاده این فناوری در حوزه عمومی منحرف کند. با وجود تمام چالش‌ها، بلاک‌چین خصوصیات ارزشمندی را ارایه می‌دهد، خصوصا ویژگی‌های مربوط به داده‌های آشکار و دایمی و نگهداری سوابق که می‌تواند شفافیت، پاسخگویی و تعامل شهروندان را در بسیاری از حوزه‌های حیاتی جهان، فراهم سازد.

ادامه از صفحه ۴

پاندمی کرونا، فرار از مسوولیت امریکا را به حاشیه برد

وی گفت: وجه اینکه قسم اول از دانایی‌ها یا حکمت، نظری بود به خاطر این بود که هیچ غایت دیگری غیر از خودش نبود؛ دانش نظری به خاطر نظر بود. هیچ فایده‌مندی، نفع، غرضی بیرون از خودش نداشت. «گفت تنگ چشمان نظر به میوه کنند/ما تماشاگران بستانیم.» اینجا رسیدن به یک تئوریا بود. تئوریا در معنای قدیم شاهد و ناظر بودن و برترین غایت انسان رسیدن به حیات تئوریتک یا نظری بود. انسان شاهد و ناظر جهان باشد. از ماکسی مالدروس پرسیدند برای چه انسان پا به جهان گذاشت؟ گفت برای اینکه تماشاگر جهان و آسمان باشد. هیچ منفعت یا غرض بیرونی غیر از خودش ندارد و همین هم باعث برتری دانش نظری می‌شد. سعادت به این بود که بتواند خودش را به چنین حیاتی برساند. ارسطو این را به عنوان برترین حیات می‌شمارد. البته این مخصوص ارسطو نیست در واقع فهم عهد باستان از دانش نظری است. استاد فلسفه دانشگاه تهران ادامه داد: در مقابل دانش عملی را داشتیم؛ در اینجا چرا نسبت گرفتن با انسان است؟ به دلیل اینکه انسان موجودی تک و تنها نیست. از دیدگاه ارسطو موجود تک، خدایان یا حیوانات وحشی هستند. انسان مدنی بالطبع است. بنابراین نسبت گرفتن انسان با انسان دیگر در سه دایره اخلاق که اینجا دانش عملی می‌شد و قسم اول دانش عملی اخلاق یا در یک سطح بالاتر جامعه و اجتماعی، سیاسی می‌شد. به دلیل اینکه انسان مدنی هست بنابراین، عضو مدینه و پلیس است. به همین دلیل این دانش پراکتیکه شد که اکنون پالتیک یا سیاست است. قسم سوم اولین واحد اجتماعی که پابرجا و خودبسنده تلقی می‌شد منزل یا خانواده بود. هر اجاقی یک واحد محسوب می‌شد و همه کسانی که به یک منزل مرتبط بودند اعم از مرد، زن، فرزندان و خدمتکاران و... همه اینها یک واحد محسوب می‌شدند. بعد قواعد مربوط به نسبت گرفتن‌ها در داخل واحد، اویکاس (خانه)، نومیا (قانون)، او کونومیا همان نامی هست که برای اقتصاد بعدها او کونومی گفته می‌شود تدبیر منزل است. این چیزی بود که به عنوان دانش سوم شناخته می‌شد. دکتر بهشتی ادامه داد: بنابراین دانش نظری، شناخت هستی، شناخت جهان با هیچ غایت مندی یا لااقل غایت انسانی گره نخورده بود. این وضعیت با پیدایش عصر جدید به یک‌باره دگرگون شد. به این معنا اساساً این سوال پیش آمد دانشی که به خاطر خودش باشد چه ارزشی دارد؟ دانش آن چیزی هست که به ما توانایی دهد. جمله معروفی از بیکن که همه شنیده‌اید: علم مساوی قدرت. البته این جمله با این شکل در متن بیکن نیامده ولی مضمونش نزدیک است. او می‌گوید علم و قدرت با همدیگر همایندی و تصادق دارند و هر جا مصداق این هست مصداق آن هم هست و الا از لحاظ مفهومی دو مفهوم هستند اما به لحاظ مصداق یک مصداق دارد. علم مصادق با قدرت است. قرار است توانایی چه به ما دهد؟ نخست اینکه بتوانیم آنچه پیرامون ماهست را بشناسیم و تبیین کنیم. دوم بتوانیم پیش‌بینی کنیم. پس علم باید به ما توانایی دهد و الا چه فایده‌ای دارد نظر را به خاطر نظر انجام دهید. نظر باید فایده مندی عملی داشته باشد و الا به چه منظور سراغ چنین کاری بیاییم؟ جالب است پس غایاتی پیدا کرد و دانایی نظری ما با نظری باستان فرق دارد. غایات آن انسانی شد. قرار است چه نتیجه‌ای برای ما داشته باشد؟ قرار است ما را به بهروزی برساند. اگر غرض از زندگی انسانی در عهد باستان سعادت بود ولی اکنون به بهزیستی تبدیل شد. مقصود از بهزیستی در درجه اول زندگی مادی من و شما بود. پس علم در یک جهت تغییر مهمی کرد و آن در جهت غرض و غایتی بود که دنبال می‌شد. این مسیر، مسیر دانش تجربی شد. اینکه چه شد به اینجا رسیدیم داستان مفصّلی دارد. یک‌بار در موسسه دین و اقتصاد طی چند جلسه‌ای من مسیری از عهد باستان تا دوران جدید ترسیم کردم که علم در مفهوم چه تحولات و تطوراتی پیش آمد. علم جدید که اصطلاحات به عنوان science می‌شناسیم ممکن است به لحاظ واژه هنوز با واژه قدیم نسبتی داشته باشد ولی به لحاظ محتوی تغییرات مهمی کرد.

وی گفت: دانش تجربی یک ویژگی دارد که باعث می‌شود چیزی مثل مسوولیت اخلاقی در خصوص آن طرح شود که حتی در مقام شناخت با تصرف همراه است. برای اینکه در عرصه دانش تجربی به شناخت چیزی برسیم همان اول تصرفی نسبت به آن انجام می‌دهیم. موضوع ما اوبژه تحقیق شده است. کار دانش تجربی این است که اول فهرستی از پدیده‌هایی که در خصوص یک شیء با آن مواجه می‌شویم عمدتاً در درجه اول پدیده‌های محسوس یک شیء است را به دست آوریم. این دانش غیر از اینکه تجربی بود یک خاستگاه حس گرایانه دارد. ما پدیده‌ها را مورد شناسایی قرار می‌دهیم. نحوه کار ما چه بود؟ اگر ما یک شیء را با n پدیده می‌شناسیم چه اوصاف و چه کنش‌ها و افعالی که از چیزی سر می‌زند برای اینکه شناسایی کنیم n منهای یک فاکتور را تثبیت و شروع به سنجیدن دگرگونی‌های آن می‌کنیم. پس نوع مواجهه کمّی است و بعد هم دگرگونی‌ها را می‌سنجیم. اگر بخواهیم همه متغیرها را با هم تغییر دهیم چیزی نمی‌فهمیم بنابراین n منهای یک متغیر را تثبیت می‌کنیم و در آن تغییرات پدید می‌آوریم تا بدانیم با تغییرات ما چه خصوصیات و آثار قابل درک و ثبت به نحو تجربی کمّی می‌تواند حاصل شود. بنابراین یک اتفاق جالبی می‌افتد. در همان مرتبه شناخت انگار با یک کنش روبرو هستیم. پس اینگونه نیست که نظر ما کاری به خود موضوع نداشته است. زمانی که کار نظری و تجربی انجام می‌دهیم همان جا تصرف و دستکاری می‌کنیم. پس عالم تجربی به صرف کار علمی در موضوع یا متعلق کار علمی دستکاری می‌کند و بدون این نمی‌تواند شناسایی کند و به دلیل اینکه یک کنشی از ناحیه فاعل صورت می‌گیرد بنابراین باید و نباید در خصوص آن مطرح شود.

وی گفت: مادامی که منفعل و آینه‌ای بودیم که فقط باید از بیرون چیزی در ما تابیده می‌شد و دانش آینه و صیقلی شدن برای بازتاب هستی و جهان بیرون بود، ممکن بود بگوییم ما کاری انجام نمی‌دهیم که باید و نباید در خصوص آن بخواهد مطرح شود ولی زمانی که علم خودش حتی در مرحله شناسایی با یک کنش همراه است بنابراین باید و نباید مطرح می‌شود. پس طرح مساله بایدها و نبایدها با دانش جدید به همدیگر گره خورد. خود به خود در دانش جدید می‌تواند این سوال مطرح شود که آیا ما هر کاری می‌توانیم انجام دهیم باید یا نباید انجام دهیم؟ در اینجا یک باید و نباید جدّی مطرح است. من اینها را به عنوان پس زمینه‌ای بحث گفتم. وقت کوتاه است. دکتر بهشتی افزود: در طی تقریباً پنج دهه گذشته ابعاد مختلف این مساله آن هم در سطح دانش‌های مختلف مورد سوال و پرسش و بررسی و مباحثات بسیار سنگینی قرار گرفت. در همین دانش فیزیک یا طبیعت شناسی زمانی که ما در سطح ماکروفیزیک عمل می‌کردیم تصرف ما و اینکه حتی با سنجش کاری انجام می‌دهیم خیلی به چشم نمی‌زد ولی زمانی که از سطح ماکرو به سطح میکرو و زیر اتمی و داستان فیزیک کوآنتومی رفتیم به یک‌باره دیدیم وارد کردن وسیله سنجش خودمان در داخل محیطی که می‌سنجیم و موضوعی که مورد بررسی قرار می‌دهیم موضوع را عوض می‌کند. بنابراین خیلی پیچیده‌تر است. معلوم شد بر خلاف سطح ماکرو، مکانیک و فیزیک عمومی زمانی که وارد این حوزه می‌شوید، ورود شما مساوی با تغییر در محیط و موضوع است. پس ابعاد بحث خیلی جدّی شد. زمانی که وارد عرصه زیست و زیست‌شناسی شدید یک عالمه مساله برمی‌انگیزد. در شاخه‌های مختلف زیست‌شناسی از تکنولوژی ژن گرفته و خیلی از مسائل با مقدمه‌ای که عرض کردم حدس بزنید باید چه میدان‌هایی جلوی چشم گشوده و طرح شود. چیزی مثل مساله به مرگی که در آن ما امکان می‌یابیم بر خلاف آنچه در گذشته بوده بتوانیم یک فردی را به مدد ابزارها و دستگاه‌ها زنده نگه داریم و طول عمر او را بالا ببریم در عین حال که شاید نتوانیم بیماری او را شفا دهیم و او را معالجه کنیم. آیا باید این کار را انجام دهیم یا نباید این کار را انجام دهیم؟ آیا مرگ خوب و بد وجود دارد؟ آیا مجاز هستیم در جاهایی به خاطر حتی حفظ کرامت انسانی به یک فرد اجازه دهیم بمیرد و آیا نفس زنده بودن او به هر قیمتی ارزش مطلق است و امثالهم.

شهرداری بابل

آگهی مزایده عمومی
(نوبت دوم) - چاپ دوم

شهرداری بابل در نظر دارد به استناد بند ۵ صور تجلسه مورخ ۹۸/۱۱/۲۷ شورای اسلامی شهر بابل اقلام اسقاطی خود را برابر قیمت پایه کارشناسی و از طریق مزایده عمومی به فروش برساند:

موضوع و محل مورد مزایده	مبلغ پایه کارشناسی (ریال)	سپرده شرکت در مزایده (ریال)
اقلام اسقاطی واحد تاسیسات و انبار مرکزی	۷۸۸/۰۰۰/۰۰۰	۳۹/۵۰۰/۰۰۰

لذا متقاضیان محترم می‌توانند از تاریخ ۹۹/۶/۱۰ تا تاریخ ۹۹/۶/۱۹ همراه با معرفی نامه به واحد قراردادهای شهرداری مراجعه و اسناد را دریافت و پس از بررسی، پیشنهاد خود را به همراه ضمانتنامه بانکی به مبلغ مندرج در جدول فوق و یا فیش واریزی به همین مبلغ به حساب ۰۱۰۵۷۰۷۰۳۹۰۰۷ نزد بانک ملی واریز و به همراه برگه پیشنهاد قیمت تحویل دبیرخانه شهرداری نمایند.
آخرین مهلت تحویل اسناد تا ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۹۹/۶/۱۹ می‌باشد.
بازگشایی پاکات رسیده در روز چهارشنبه مورخ ۹۹/۶/۱۹ راس ساعت ۱۴/۱۵ می‌باشد.
متقاضیان از تاریخ چاپ آگهی می‌توانند همه روز از اقلام مورد مزایده بازدید به عمل آورند.
سپرده نفرات اول، دوم و سوم مزایده تا زمان واریز وجه مورد مزایده نزد شهرداری خواهد ماند و پس از انجام تشریفات قانونی نقل و انتقال نسبت به استرداد آن اقدام خواهد شد.
پرداخت کلیه هزینه‌های مربوط به نقل و انتقالات بر عهده برنده مزایده می‌باشد.
متقاضیان جهت دریافت اطلاعات بیشتر از جزییات مورد مزایده می‌توانند با شماره ۰۱۱۳۲۲۰۸۱۲۷ انبار مرکزی شهرداری بابل تماس حاصل فرمایند.
به پیشنهادات مبهم و مخدوش و فاقد سپرده ترتیب اثر داده نخواهد شد.
شهرداری در رد یا قبول پیشنهادات مختار است.
تلفن تماس جهت اخذ اطلاعات ۳۵۱۵۶۲۲۵-۰۱۱ می‌باشد.
http://www.babolcity.ir

سید مجتبی حکیم - شهردار بابل

دنیای فناوری

مخالفت دولت امریکا با پروژه کابلی گوگل و فیس‌بوک

گوگل و فیس‌بوک در پی مخالفت دولت ترامپ، از طرح کابل زیردریایی میان امریکا و هنگ کنگ منصرف شده و پیشنهادهای جدیدی مطرح کردند. به گزارش ایسنا به نقل از بلومبرگ، عقب‌نشینی گوگل و فیس‌بوک پس از این روی داد که دولت ترامپ اعلام کرد ممکن است چین از این لینک برای جمع‌آوری اطلاعات از امریکایی‌ها استفاده کند. این شرکت‌ها به سرعت دست به کار شده و پیشنهادهای جدید شامل کابل زیردریایی به تایوان و فیلیپین را مطرح کردند. تحولات اخیر ناشی از اوج‌گیری تنش‌ها میان امریکا و چین بر سر اختلافات متعدد شامل اقدامات چین در هنگ کنگ، اتهام امریکایی‌ها درباره احتمال استفاده از محصولات های تک چین برای جاسوسی و شیوع ویروس کرونا است. دونالد ترامپ، رییس جمهوری امریکا در آستانه انتخابات ریاست جمهوری نوامبر، رویکرد سخت‌گیرانه‌تری در خصوص چین اتخاذ کرده است. این شرکت‌های فناوری پروژه شبکه کابلی پسیفیک لایت را در سال ۲۰۱۷ پیشنهاد کردند که شامل هر سه مقصد در منطقه اقیانوس آرام بود. اما آژانس‌های امنیتی و وزارت دادگستری امریکا در ۱۷ ژوئن از کمیسیون ارتباطات فدرال خواستند با اتصال کابلی به هنگ کنگ مخالفت کند و دلیل آن را امکان دسترسی چین به اطلاعات شخصی امریکایی‌ها عنوان کردند. این آژانس‌ها اعلام کردند شرکت «پسیفیک لایت دیتا کامونیکیشن» زیرمجموعه گروه رسانه و مخابرات دکتر پنگ است که با سرویس‌های امنیتی و جاسوسی چینی ارتباط دارد. با این حال آژانس‌های امنیتی به این کمیسیون توصیه کردند با بخشی از پروژه که مربوط به کابل متصل کننده امریکا به تایوان و فیلیپین بود، موافقت کند. گوگل در آوریل اجازه یافت بخش مربوط به تایوان این پروژه را به مدت شش ماه اداره کند. گوگل در ایمیلی اعلام کرد ما به همکاری از طریق کانال‌های موجود برای دریافت مجوزهای احداث کابل برای کابل‌های زیردریایی‌مان ادامه می‌دهیم.

فروش اکانت‌های بازی در بازار یک میلیارد دلاری

روزانه ده‌ها هزار اکانت بازی فورت‌نایت در بازار سیاه اکانت‌های بازی ویدیویی به سرقت‌رفته به فروش می‌رسد که سالانه یک میلیارد دلار درآمدزایی دارد. به گزارش ایسنا به نقل از بلومبرگ، وینی ترویا، مدیر شرکت امنیتی نایت لاین، در این باره اظهار کرد: «خلافکاران از ابزارهای اتوماتیک برای بررسی ۵۰۰ اکانت در ثانیه استفاده می‌کنند تا آنها را با اطلاعات کاربری به سرقت‌رفته در رخنه امنیتی اخیر اکانت‌های فورت‌نایت تطبیق داده و برای دسترسی به اکانت‌ها استفاده کنند. هر اکانتی به‌طور متوسط ۲۰۰ تا ۲۵۰ دلار به فروش می‌رود.» فورت‌نایت یک بازی مبارزه‌ای است که در آن گیمرها برای اسلحه و منابع با یکدیگر مبارزه می‌کنند و از زمان راه‌اندازی در سال ۲۰۱۷ به یک پدیده جهانی تبدیل شده و بیش از ۳۵۰ میلیون کاربر عضو دارد. سرقت اکانت مشکل رایجی در میان سایت‌های شبکه اجتماعی و بازی است. در حالی که شرکت «اپیک گیمز» که سازنده فورت‌نایت است، فروش اکان

رویداد

طراحی سامانه احیای بنگاه‌های راکد برای جذب سرمایه

شاتا | مدیر کل دفتر امور طرح‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت از طراحی سامانه احیای بنگاه‌های راکد برای مشارکت سرمایه‌گذاران جدید در طرح‌های بالای ۶۰ درصد خبر داد. علیرضا هادی، مدیر کل دفتر امور طرح‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت اعلام کرد: در راستای افزایش بهره‌وری سرمایه، احیاء واحدها و طرح‌های نیمه تمام و راکد، در دستور کار این وزارتخانه قرار گرفته است. وی افزود: در گام نخست، از بین ۳۹۰۰ طرح نیمه تمام با پیشرفت فیزیکی بالای ۸۰ درصد، پروژه‌هایی که بیش از ۶ ماه از تاریخ توقف آنها گذشته است شناسایی شده و تاکنون مشکلات و راهکارهای حل مشکل ۲۸۵ بنگاه که فعالیت اجرایی آنها کاملا متوقف است احصا شده است. به گفته این مقام مسوول، اهم مشکلات شناسایی شده، شامل مشکلات مدیریتی، مشکلات مالی، تامین مواد اولیه و مشکلات زیرساختی نظیر کاربری زمین، اخذ موافقت زیست محیطی و تامین آب، برق و گاز است که برخی طرح‌ها با بیش از یک مشکل مواجه‌اند. هادی ادامه داد: در بین این طرح‌ها، ۱۴۰ مورد مشکلات مدیریتی، ۱۲۰ مورد مشکلات مالی، ۸۰ مورد تامین مواد اولیه و ۱۱۵ مورد با مشکلات زیرساختی شناسایی شده است. مدیر کل دفتر امور طرح‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت گفت: حدود ۴۰۰ بنگاه با پیشرفت کند در حال اجرا هستند و عمدتاً مسائل مالی آنها در ستاد تسهیل در دست پیگیری است. وی تصریح کرد: در این راستا کار گروهی در دفتر امور طرح‌ها جهت پایش مستمر و رفع مشکل این پروژه‌ها تشکیل شده تا شاهد راه‌اندازی هر چه سریعتر اینگونه واحدها باشیم. هادی افزود: همچنین برای تکمیل طرح‌های نیمه تمام که سرمایه‌گذاران آنها تمایل به مشارکت یا واگذاری پروژه به سرمایه‌گذاران جدید دارند، سامانه احیای بنگاه‌های راکد طراحی شده است که در این سامانه متقاضیان سرمایه‌گذاری جدید می‌توانند واحدهای تملیکی، راکد و یا طرح‌های نیمه تمام که عملیات اجرایی آنها متوقف است را ملاحظه کنند و با بررسی شرایط آنها از جمله میزان پیشرفت فیزیکی، ارزش دارایی‌ها، نوع فعالیت، میزان تسهیلات دریافتی قبلی، بدهی و غیره، تا نسبت به مشارکت یا خرید بنگاه تصمیم گیری نمایند. مدیر کل دفتر امور طرح‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت اضافه کرد: جهت تسریع در عملیاتی شدن این مهم، برای حدود ۱۳ هزار طرح نیمه تمام با پیشرفت فیزیکی بالای ۶۰ درصد اطلاع رسانی لازم انجام می‌شود تا بنگاه‌ها در صورت تمایل نسبت به ثبت اطلاعات خود در سامانه مذکور اقدام نمایند.

عراق از امریکا برنج وارد می‌کند

تسنیم | وزارت بازرگانی عراق برای تامین برنامه سهمیه بندی غذای خود، طی قراردادی با امریکا، از این کشور برنج خریداری می‌کند. وزارت بازرگانی عراق برای تامین برنامه سهمیه بندی غذای خود، طی قراردادی با امریکا، از این کشور برنج خریداری می‌کند. این وزارتخانه هفته آینده هم قراردادهایی با شرکت‌های داخلی برای شکر و روغن گیاهی امضا خواهد کرد. عراق طبق قرارداد موجود، طی سال‌های اخیر از شرکت‌ها خواسته در مناقصه‌های واردات برنج امریکایی به عراق شرکت کنند. عراق سالانه به حدود ۱ تا ۱،۲۵ میلیون تن برنج برای پشتیبانی از این برنامه خود نیاز دارد. وزارت بازرگانی عراق در ماه مه اعلام کرد این کشور تنها ۱۹۰ هزار تن برنج در ذخایر خود دارد و تقاضا کرد بودجه بیشتری به این بخش اختصاص یابد. برنامه سهمیه بندی غذای عراق در سال ۱۹۹۱ برای مبارزه با تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل ایجاد شد و علاوه بر برنج و آرد، روغن پخت و پز و شکر را هم شامل می‌شود.

مدیریت عرضه و تقاضای فولاد در دستور کار

شاتا | مدیر پروژه رصد سیستمی فولاد از تکلیف زنجیره تامین فولاد برای ثبت اطلاعات موجودی، تولید و فروش خود در سامانه جامع انبارها خبر داد و گفت: مدیریت عرضه و تقاضای فولاد در دستور کار است. مرتضی احمدی گفت: با توجه به حساسیت ویژه دولت و نهادهای نظارتی روی قیمت محصولات میانی و نهایی فولاد، گاهی شاهد آن هستیم که برخی تولیدکنندگان، محصول خود را خارج از بورس و با قیمتهای بالا عرضه می‌کنند و به افزایش قیمت‌ها دامن می‌زنند. وی افزود: همچنین به دلیل انتظار تورمی در کشور، بخش‌های پایین دست این صنعت نیز بیش از نیاز واقعی متقاضی خرید هستند و بعضا اشخاص غیر تولیدکننده نیز به نام تولیدکنندگان و صرفا جهت بهره‌برداری از اختلاف قیمت بازار و بورس، در بازار تقاضای غیرواقعی ایجاد می‌کنند که این مساله هم موجب تشدید بحران در بازار می‌شود. احمدی تصریح کرد: از این روی و بر اساس مصوبات کارگروه تنظیم بازار که بخشی از آن توسط معاونت بازرگانی و بخش دیگر آنکه مربوط به تقاضای ورقهای فولادی است و توسط معاونت صنایع لحاظ شده است، کلیه عرضه محصولات می‌بایست در بورس انجام شود. همه اعضای زنجیره تامین مکلفند اطلاعات موجودی، تولید و فروش خود را در سامانه جامع تجارت ثبت کنند و این موضوع هیچ استثنایی نخواهد داشت. صادرات این محصولات و خرید مواد اولیه نیز وابسته به رعایت مصوبات توسط شرکتها و ایجاد شفافیت در عملکرد آنها خواهد بود. وزارت صنعت، معدن و تجارت و همچنین مجموعه دستگاه‌های نظارتی مصمم به اجرای این سیاست هستند و در آینده با اجرای این سیاست، شاهد تنظیم بازار این محصولات خواهیم بود. مدیر پروژه رصد سیستمی فولاد تصریح کرد: هفته گذشته با ابلاغ دفتر برنامه‌ریزی تامین، توزیع و تنظیم بازار وزارت صمت کلیه شرکت‌های تولیدکننده بیلت، بلوم و اسلب مکلف به ثبت اطلاعات در سامانه جامع تجارت شدند و به تدریج سایر اعضای زنجیره نیز مشمول این موضوع خواهند شد.

«تعادل» از تصمیم جدید دولت برای وزارت صنعت، معدن و تجارت گزارش می‌دهد

«سرقینی» در آستانه وزارت

■ آیا سرپرست وزیر می‌شود؟ ■ گزینه نهایی وزارت صمت کیست؟

تعادل | **فرشته فریادرس** |

«گزینه نهایی دولت برای وزارت صمت کیست؟» «آیا سرپرست فعلی، برای تصدی پست وزارت صمت به مجلس معرفی می‌شود؟» پس از آنکه مدرس خیابانی نتوانست از مجلسی‌ها رای اعتماد بگیرد، جعفر سرقینی به عنوان سرپرست موقت وزارت صمت تعیین شد. حال اما زمزمه‌هایی از احتمال وزیر شدن سرقینی به گوش می‌رسد که حکایت از معرفی او به عنوان وزیر پیشنهادی صمت به مجلس دارد. سرانجام پس از گزینه‌های متعدد، و البته با رایزنی‌های فشرده، شنیده‌ها حاکی از این است که رییس جمهور به جمع‌بندی نهایی رسیده و قرار است «جعفر سرقینی» را به عنوان وزیر پیشنهادی وزارت صمت به مجلس معرفی کند. همچنین اطلاعات دریافتی ما حکایت از این دارد که هفته گذشته و پس از دیدار رییس جمهور با سرقینی، موضوع معرفی او به عنوان وزیر پیشنهادی صنعت، معدن و تجارت نهایی و در حال طی تشریفات اداری است. براساس این خبر، سرقینی پس از تعطیلات دو هفته‌ای قوه مقننه، برای کسب رأی اعتماد به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شود و نمایندگان نیز یک هفته فرصت خواهند داشت به بررسی سوابق و برنامه‌های پیشنهادی او بپردازند. سرقینی که تمایل چندانی برای تکیه زدن به صندلی وزارت در ابتدای پذیرش پست سرپرستی نداشت، گفته می‌شود که با مذاکرات فشرده برخی چهره‌های ذی نفوذ در دولت مجاب به پذیرش این مسوولیت شده است. در این میان برخی که مخالف معرفی او به عنوان وزیر پیشنهادی صمت هستند، سعی دارند تا او را چهره‌ای نزدیک به معاون اول رییس جمهور معرفی کنند و با زیر سوال بردن کارنامه کاری‌اش، ذهن مجلسی‌ها از همین حال برای عدم رای اعتماد به او آماده کنند. در مقابل، برخی از چهره‌های اقتصادی هم که از وضعیت کنونی حاکم بر وزارت صمت ناراضی هستند، از بازگشت سرقینی به وزارت صمت استقبال می‌کنند. با این حال باید دید که نمایندگان مجلس این بار هم از اهرم فشار بر دولت با رای ندادن به گزینه پیشنهادی‌اش استفاده می‌کنند یا اینکه از در تعامل با دولت وارد خواهند شد.

گزینه نهایی دولت کیست؟

پس از آنکه بهارستان نشینان به صلاحیت و برنامه‌های حسین مدرس خیابانی وزیر پیشنهادی دولت، رای منفی دادند، حسن روحانی ناچار شد سرپرست دیگری معرفی کند؛ البته آن هم با اذن رهبری. چرا که بنابر قانون رییس جمهوری حداکثر سه ماه می‌تواند برای وزارت صمت سرپرست تعیین کند و با بسته شدن پرونده مدرس خیابانی، باید سرپرستی دیگر معرفی می‌شد. در این میان گمانه زنی‌های زیادی برای معرفی سرپرستی جدید وزارت صمت مطرح شد. برخی از معاونین خود وزارتخانه نام می‌بردند، اما برخی دیگر می‌گفتند که دولت قصد دارد، خارج از بدنه وزارتخانه فردی را برای تصدی این پست مهم انتخاب کند. سرانجام دولت پس از بررسی‌ها و رایزنی‌های گوناگون به تمامی گمانه زنی‌ها پایان داد و شامگاه بیست و پنجم مردادماه ۹۹ در حکمی «جعفر سرقینی» را به عنوان سرپرست وزارت صنعت، معدن و تجارت منصوب کرد. روحانی با این تصمیم سکان سرپرستی را به دست کسی سپرد که با سه دهه سابقه مدیریتی در عرصه‌های مختلف، بیشتر رویکرد معدنی دارد. اما با زدن این حکم، حاشیه‌ها اما تمام نشد و دوباره شاهد شنیدن ساز ناکوک برخی از نمایندگان مجلس بودیم که پیش‌تر در نخستین تقابلشان با دولت و با کج‌تابی شان مدرس خیابانی را از گردونه وزارت صمت حذف کردند. از این رو، نمایندگان مجلس در تذکرهای پی در پی، عنوان کردند که رییس دولت باید سرپرست جدید را با اذن رهبری انتخاب می‌کردند و به مجلس اعلام می‌کرد. حرف آنها این بود که اگر اگر اذن رهبری در این باره اخذ شده چرا به مجلس شورای اسلامی اعلام نشده؛ اگر اذن رهبری گرفته نشده باشد، تصدی سرپرست صمت اکنون غیرقانونی است و دیوان محاسبات و سازمان بازرسی باید به این موضوع ورود کنند. اما در پاسخ به این تذکر نمایندگان، حسینعلی امیری معاون پارلمانی رییس جمهوری، این گونه توضیح داد: «رییس جمهوری به منطوق فراز آخر اصل ۱۳۵ قانون اساسی و نظریه تفسیری شماره ۲۴۴۹۸/۳/۸۶ مورخ ۴ دی ماه ۱۳۸۶ شورای نگهبان عمل کرده و با استفاده از ظرفیت اصل ۵۷ قانون اساسی با استجازه از رهبر معظم انقلاب تا معرفی وزیر پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی و رای اعتماد مجلس سرپرست دیگری را برای وزارت صمت منصوب کند که بر این اساس «جعفر سرقینی» که از معاونان مجرب وزارت صمت بود را به سرپرستی وزارتخانه مذکور منصوب شد.» البته او در مورد گزینه‌های احتمالی برای وزارت صمت نیز در اظهاراتی گفته بود: «هنوز مشخص نیست که چه کسی به عنوان وزیر پیشنهادی به مجلس معرفی می‌شود البته جعفر سرقینی که هم اکنون سرپرست جدید وزارتخانه صمت منصوب شده، می‌تواند یکی از گزینه‌های پیشنهادی باشد اما به هر صورت رییس جمهوری بعد از بررسی‌های لازم تصمیم نهایی را می‌گیرند.» این سخن امیری تلویحا بر برخی شنیده‌ها مهری تایید زد، که گفته می‌شد حسن روحانی قصد دارد سرقینی را برای گزینه نهایی وزارت صمت به مجلس معرفی کند.

سرانجام پس از طرح نام گزینه‌های متعدد از جمله «محمد اتابک»، خداداد غریب پور، علیرضا رزم حسینی و برخی دیگر از گزینه‌های مطرح شده، شنیده‌ها نیز حکایت از این دارد که جمع‌بندی نهایی رییس جمهور برای تصدی وزارت صمت، جعفر سرقینی است. هر چند، بیش از، گفته می‌شد که سرپرست جدید تمایلی برای پذیرش پست وزارت نداشته و تنها به شرط سرپرستی پیشنهاد روحانی را پذیرفته است. اما شنیده‌های ما از منابع آگاه حکایت از چیزی دیگری دارد و آن اینکه ظاهرا سرقینی در مذاکراتی که با اعضای دولت داشته، مجاب شده که پست وزارت را بپذیرد. از این رو، قرار است مراحل اداری و معرفی او از سوی حسن روحانی به مجلس شورای اسلامی پس از تعطیلی مجلس در دستور کار بگیرد.

سرقینی چهره‌ای نزدیک به جهانگیری؟

اما برخی که از برگشت سرقینی به وزارت صمت خوشنود نیستند، سعی می‌کنند عملکرد او در زمان معاونت معدنی این وزارتخانه بود، را زیر سوال ببرند. در مقابل اما برخی که از وضعیت حاکم بر بخش صنعت، تجارت و به ویژه معدن در شرایط کنونی ناراضی‌اند، از وزارت سرقینی استقبال کردند. در این میان، اما این دیدگاه نیز مطرح است که در کشاکش حلقه‌های قدرت درون دولت، با شکست واعظی و پیروزی جهانگیری، این گزینه معاون اول است که برای پوشیدن ردای وزارت معرفی شده است. آنها که مخالف سرقینی برای تصدی بر وزارت صمت، هستند در تلاشند تا با بهره‌گیری از اهرم مجلس این بار او را نیز مانند مدرس خیابانی از سر راه بردارند.

از این رو، مخالفان سرقینی او را گزینه نزدیک به کارگزاران سازندگی عنوان می‌کنند و معتقدند که دوران معاونت معدن و صنایع معدنی وزارت صمت کارنامه مبهم و پرسوالی داشته که با اعتراض فعالان معدنی کشور همراه بوده است. مخالفان گزینه پیشنهادی دولت همچنین معتقدند که او به مرد تمام دولت‌ها در بخش معدن تبدیل شده و در سال ۱۳۷۶ و پس از بازگشت از استرالیا همزمان با حضور اصلاح‌طلبان در راس قوه اجرایی کشور با نزدیک شدن به اسحاق جهانگیری از افراد حلقه اول وزیر و مسوول معادن کشور شده است. آنها که سعی دارند، کارنامه کاری سرقینی را نیز زیر سوال ببرند و در مخالفت با او می‌گویند که سیاست‌هایش باعث شد بخش معدنی که می‌بایست جایگزین صادرات نفت خام شود عملا از دور خارج و با سیاست‌های متناقض و روزمره به حاشیه رانده شود. در سوی دیگر، موافقان سرقینی اما معتقدند که او سابقه طولانی در بخش صنعت و معدن کشور را دارد، از این رو، یکی از بهترین گزینه‌ها برای تصدی گری وزارت صمت است. به‌طوری که برخی از فعالان بخش معدن وصنعت که از شرایط کنونی حاکم بر این بخش‌ها، ناراضی و گلایه مند هستند، از حضور او در این پست استقبال کردند.

البته جعفر سرقینی با پایان دوره اصلاحات از منصب معاونت معدنی عزل و مجددا بعد از روی کار آمدن آقای روحانی در مهرماه ۱۳۹۲ بار دیگر به عنوان معاون معدنی «محمدرضا نعمت‌زاده» وزیر وقت دولت یازدهم به وزارتخانه بازگشت. وی پس از پایان دولت یازدهم، همچنان در مسند معاون معدنی در دولت دوازدهم همکاری خود را ادامه داد و ابتدا با «محمد شریعتمداری» وزیر اسبق صمت تا مهرماه ۱۳۹۷ همکاری داشت و پس از حضور «رضا رحمانی» در آبانماه ۹۷ نیز به عنوان وزیر تا بهمن ۹۸ در همین سمت باقی ماند. هر چند در دوره وزارت صمت محمد رضا رحمانی، گفته می‌شد که سرقینی نسبت به تصمیمات غیر کارشناسانه او گلایه مند بوده و همین امر موجب شده تا آذرماه تصمیم بگیرد که متن استعفای خود را به دفتر وزیر ارسال کند. اما ظاهرا وزیر با استعفای سرقینی مخالفت کرده بود. از این رو، او تا بهمن ۹۸ به عنوان معاون امور معادن و صنایع معدنی وزارت صمت فعالیت کرد، که در نهایت از سوی رحمانی وزیر وقت صمت کنار گذاشته شد و به شرکت آسکوتک از شرکت‌های زیرمجموعه ایمیدرو رفت. حال که سرقینی آمادگی خود را برای معرفی شدن به عنوان گزینه پیشنهادی دولت برای وزارت صمت اعلام کرده و قرار است که با پایان یافتن تعطیلات دو هفته‌ای قوه مقننه، رییس دولت دوازدهم او را برای کسب رأی اعتماد به مجلس شورای اسلامی معرفی کند، باید منتظر ماند و دید که نمایندگان مجلس آیا این بار به گزینه پیشنهادی دولت رای مثبت خواهند داد یا خیر.

حال چنانچه سرقینی کهنه کار بتواند بر خلاف مدرس خیابانی از سد مجلسی عبور کند، اولین ماموریتی که باید مدنظر داشته باشد، تغییر در چینش مدیران وزارت صمت است؛ چرا که برخی معاونت‌های این وزارتخانه به ویژه معاونت امور معادن معاونت امور صنایع، سازمان توسعه تجارت، ستاد تنظیم بازار و... به دلیل ارایه عملکرد ضعیف و همچنین نداشتن صلاحیت‌های فنی و دانش لازم، نیاز به تغییرات اساسی دارد. البته اگر این اداره وجود داشته باشد که دولتمردان بخواهند که در سال جهش تولید و افت شدید درآمدهای نفتی، چرخ تولید بچرخد و درآمدهای ارزی کشور از طریق هموار کردن مسیر صادرات رونق بگیرد.

سخنگوی انجمن سازندگان قطعه و مجموعه‌های خودرو

دلایل احتمالی افزایش قیمت خودرو

سخنگوی انجمن سازندگان قطعه و مجموعه‌های خودرو با بیان اینکه دو حوزه بانکی و مالیاتی، صنعت قطعه‌سازی را دچار مشکلات فراوان کرده است، نسبت به تعطیلی بنگاه‌های تولیدی و در نتیجه آن افزایش بیکاری و افزایش قیمت خودرو در بازار، در صورت عدم رسیدگی عاجل هشدار داد.

فرهاد به‌نیا در گفت‌وگو با ایسنا، در بیان مشکلات صنعت قطعه‌سازی در حوزه مالیاتی و بانکی اظهار کرد: علیرغم صدور بخشنامه حمایت از تولید توسط رییس قوه قضاییه، بانک‌ها حاضر به تمکین نیستند و همچنان با شرایط غیرقانونی، از تولیدکننده بهره تسهیلات دریافت می‌کنند. به‌طور مثال بانک مرکزی نرخ بهره را ۲۱ درصد اعلام کرده است اما اکثر بانک‌ها با بلوکه کردن ۲۵ درصد از مبلغ تسهیلات، نرخ بهره را به بیش از ۲۵ درصد می‌رسانند.

سخنگوی انجمن سازندگان قطعه و مجموعه‌های خودرو تاکید کرد: این پول از جیب قطعه‌سازها می‌رود؛ لذا تولیدکننده حمایت که نمی‌شود بلکه ضرر هم می‌کند و در حقیقت فشاری دوسویه متحمل می‌شود؛ چرا که از سوی دیگر با عدم تخصیص ارز قطعه‌سازان، بانک مرکزی دست تولیدکنندگان قطعه را بسته و مانع تولید شده است. لذا چنانچه وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت) و سرپرست جدید وزارتخانه اقدام و راهکاری جدی و فوری برای این موضوع اتخاذ نکند، تولیدکنندگان ما با مشکلات بسیار زیادی روبه رو خواهند شد و مجددا شاهد کف نشستن خودروهای بسیار بیشتر، افزایش قیمت خودرو و آشفتگی بازار خودرو خواهیم بود.

بخشنامه تامین مواد اولیه داخلی، در ظاهر خوب اما در باطن تغییری ایجاد نکرده است

وی ادامه داد: همچنین وزارت صمت بخشنامه‌ای در رابطه با تامین مواد اولیه ساخت داخل در بازار صادر کرده که بخشنامه خوبی است اما یک مشکل جدی دارد و آن هم این است که مواد اولیه در بورس عرضه می‌شوند؛ لذا با توجه به اینکه نرخ مواد اولیه بر حسب نرخ جهانی ارز تعیین می‌شود، در حقیقت هر قیمتی که ارز در بازار داشته بر اساس آن قیمت فولاد یا مواد پتروشیمی تعیین شده و با همان قیمت در بورس عرضه می‌شود. در نتیجه تولیدکننده مجددا با یک قیمت بالا روبه رو می‌شود و هیچگونه تغییری در وضعیت تامین مواد اولیه داخلی برای تولیدکننده ایجاد نمی‌شود.

این عضو هیات‌مدیره انجمن سازندگان قطعه ضمن تاکید بر اینکه بخش اصلی این بخشنامه رعایت نشده است، گفت: بایستی کارخانه‌های تولیدکننده مواد اولیه، با LC مستقیم به بنگاه‌های تولیدی که می‌توانند تحت نظر وزارت صمت باشند، با پروانه تولید خود به بنگاه‌های تولیدکننده مواد اولیه مراجعه کرده و از طریق LC داخلی با نرخ ترجیهی بدون آنکه وارد بورس شوند، تامین مواد اولیه داشته باشند.

به‌نیا خاطرنشان کرد: این حسابرسی یا قیمت گذاری نرخ مواد اولیه برای بنگاه‌های تولیدی می‌تواند یکی از کارهای مهم وزارت صمت باشد. آنها می‌توانند قیمت واقعی تمام شده فولاد، مواد پتروشیمی، مس، آلومینیوم و... را محاسبه کرده و برای عرضه به تولیدکننده داخلی، نرخ گذاری کنند. این نیز از مواردی است که اگر به آن توجه نشود و شیوه‌های فعلی ادامه‌دار باشد، شاهد کاهش قیمت که نخواهیم بود بلکه روند آن منجر به افزایش قیمت و ایجاد بحران بیشتر برای صنایع داخلی از جمله صنعت خودرو و قطعه‌سازی خواهد شد.

وی در ادامه در رابطه با حوزه مالیاتی نیز تصریح کرد: به تازگی سازمان امور مالیاتی با توجه به مشکلات نقدینگی دولت، بدون توجه به بخشنامه‌ها و قوانین، تمامی بنگاه‌های تولید کشور را بدون پذیرش حسابرسی مالی دفاتر قانونی شرکت‌ها، مشمول مالیات کرده است و توجهی به موضوع افزایش ارز و نهاده‌های داخلی طی یکسال اخیر و فشار ناشی از آن بر بنگاه‌های تولید کشور نداشته است. در نتیجه اغلب بنگاه‌های تولیدی دچار زیان سنگین شده‌اند اما متاسفانه سازمان امور مالیاتی تصمیم دارد بخشی از کسری بودجه کشور را از هر راهی که شده است، تامین کند.

سخنگوی انجمن قطعه‌سازان تاکید کرد: سازمان مالیاتی فراموش کرده است که چنانچه فشار بر بنگاه‌های دولتی به همین صورت ادامه پیدا کرده و سبب تعطیلی آنها شود، هزینه دولت بسیار بیشتر خواهد شد. به‌طور مثال بایستی برای تولید قطعاتی که دیگر در داخل تولید نمی‌شوند، ارز تخصیص دهد و هزینه واردات ایجاد کند، حقوق بیکاری به کارگران بنگاه‌های تعطیل شده بپردازد و نظایر آن؛ بنابراین سیاست‌های نادرست سازمان امور مالیاتی بایستی مورد بازبینی سریع مجلس شورای اسلامی قرار گیرد.

با واقعی نشدن قیمت‌ها در قرارداد قطعه‌سازان، ادامه تولید امکان پذیر است؟!

به‌نیا خاطرنشان کرد: در دو صنعت قطعه‌سازی و خودروسازی که دو سازمان بزرگ به لحاظ نیروی انسانی بالاست، مشکلات دیگری نیز وجود دارد که از جمله آن بحث عدم افزایش واقعی قیمت‌ها در قرارداد قطعه‌سازان است که در عمل طبق اطلاعیه‌ای که هر دو شرکت خودروساز برای اصلاح قراردادها ارایه داده‌اند با آنچه که قطعه‌سازان آنالیز قیمتی کرده و درخواست قطعه‌سازان بوده است، کاملا متفاوت است. این موضوع از جمله مواردی است که بسیاری از قطعه‌سازان را درگیر کرده است که با این شیوه، آیا ادامه فعالیت و تولید امکانپذیر خواهد بود یا خیر؛ لذا لازم است که جلساتی از سوی وزارت صمت با حضور قطعه‌سازان و خودروسازان برگزار شود و مورد بررسی و رسیدگی قرار گیرد.

این عضو هیات‌مدیره انجمن سازندگان خودرو در پایان هشدار داد: باتوجه به عمده مشکلاتی که در صنعت قطعه‌سازی کشور وجود داشته و آن را تهدید می‌کند، چنانچه به صورت عاجل کاری صورت نگیرد، قطع به یقین در ماه‌های آتی شاهد افزایش بیکاری بیشتر و همچنین افزایش قیمت خودرو خواهیم بود.

اخبار

نوسانات صادرات فرش ایران در ۶ سال اخیر

فارس | در حالی که صادرات فرش دستباف ایرانی در سال ۱۳۹۳ به ارزش ۳۳۱ میلیون دلار بود اما صادرات این کالا در سال گذشته به ۶۹ میلیون دلار کاهش و در ۴ ماهه ابتدای امسال نیز به ۱۵ میلیون دلار رسید. میزان صادرات فرش دستباف ایرانی در سال‌های اخیر روند کاهشی داشته به‌طوری که از ۳۳۱ میلیون دلار در سال ۱۳۹۳ به ۶۹ میلیون دلار در سال ۱۳۹۸ رسیده است و در ۳ ماهه ابتدای امسال نیز صادرات فرش دستباف ایرانی فقط ۶ میلیون و ۲۰۰ هزار دلار بوده است. گفتنی است ارزش صادرات فرش دستباف ایرانی در سال ۱۳۹۴ در مجموع ۲۹۲ میلیون دلار و در سال ۱۳۹۵ در مجموع ۳۶۰ میلیون دلار بوده است. صادرات فرش دستباف ایرانی که در سال ۱۳۹۶ به ۴۲۶ میلیون دلار افزایش یافته بود در سال ۱۳۹۷ با وضع تحریم‌های مجدد امریکا دوباره کاهش یافت و به ۲۳۸ میلیون دلار رسید اما این کاهش در سال ۱۳۹۸ محسوس‌تر شد و به ۶۹ میلیون دلار رسید. حامد چمن‌رخ در گفت‌وگو با فارس با تاکید بر اینکه صادرات فرش دستباف اصلا خوب نیست، گفت: براساس آمار اعلامی از سوی سازمان توسعه تجارت صادرات فرش دستباف در ۴ ماهه ابتدای امسال فقط ۱۵ میلیون دلار بوده است. وی با بیان اینکه با این وضعیت بیم آن می‌رود که میزان صادرات فرش دستباف بیشتر نیز کاهش یابد، اظهار داشت: محدودیت‌های صادراتی بعد از تحریم‌ها، بسته شدن مرزها در ۲ ماهه ابتدای امسال به دلیل شیوع ویروس کرونا و مشکلات ناشی از رفع تعهدات ارزی از عوامل موثر بر کاهش صادرات فرش دستباف بوده است. فرحناز رافع رییس مرکز ملی فرش ایران نیز درباره وضعیت صادرات فرش دستباف ایرانی به فارس، گفت: وضعیت صادرات فرش دستباف ایرانی خوب نیست به‌طوری که فرش‌ها بر روی دست صادرکنندگان مانده است. در حالی که توسعه صادرات فرش دستباف ایران یکی از عوامل موثر بر توسعه اشتغال زایی در این بخش اقتصادی محسوب می‌شود اما هر سال به جای اینکه با افزایش صادرات این کالا مواجه شویم متاسفانه شاهد افت صادرات آن هستیم بنابراین اگر چه از سال ۹۷ با وضع جدید تحریم‌های امریکا، محدودیت‌های برای صادرات این کالا به امریکا به وجود آمده است اما لازم است هر چه سریع‌تر با برنامه‌ریزی دقیق و منسجم با توسعه صادرات این کالا به سایر کالاها به ارقام صادراتی سال‌های قبل دست یابیم. از نکات قابل توجه در فرشبافی آن است که هزینه اشتغال برای ایجاد یک شغل در این هنر صنعت ایرانی ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان است و مشاغل بسیاری از جمله رفوگری، قالی‌شویی، طراحان فرش، فروشندگان، رنگرزی، چله کشی و... به صورت مستقیم و غیر مستقیم با این شغل در ارتباط هستند که براساس آمار اعلامی مرکز ملی فرش ایرانی این بخش از هنر صنعت برای یک و نیم میلیون نفر در سال گذشته شغل ایجاد کرده است. از جمله مشکلات موجود در تولید و صادرات فرش دستباف می‌توان به کمبود اطلاعات تولید کنندگان از نیازهای بازار و عدم تطابق تولید با سلیقه مصرف کننده، مشکلات تامین مواد اولیه مرغوب برای تولید فرش‌های با کیفیت و نبود طرح جامع و استراتژی مدون در زمینه تولید فرش نام برد. بنابراین لازم است برای حل این مشکلات به تدوین استراتژی جامع فرش دستباف با محوریت مرکز ملی فرش ایرانی، استفاده از روش‌های نوین تحقیقات بازار و دستیابی به بازارهای جدید صادراتی و تعریف روش‌ها در بازاریابی و تبلیغات با توجه به کشورهای هدف پرداخت.

کرونا جذابیت تجارت ریلی با ترکیه را افزایش داد

ایرنا | سعادت گفت: قبلا تجارت ریلی با ترکیه مورد توجه صادرکنندگان نبود، اما پس از شیوع کرونا تقاضا برای تجارت با ریل رو به افزایش گذاشت؛ اکنون به ۱۵۰ واگن رسیده است. مهرداد سعادت، رییس اتاق بازرگانی مشترک ایران و ترکیه با اشاره به بسته شدن مرزها در پی شیوع ویروس کرونا گفت: پیش از این، تجارت ریلی با ترکیه مورد توجه صادرکنندگان نبود، اما پس از شیوع کرونا تقاضا برای تجارت با ریل رو به افزایش گذاشت به‌طوری که اکنون به ۱۵۰ واگن رسیده است. بر همین اساس در آمار مبادلات تجاری نسبت به چهار ماهه نخست سال گذشته شاهد کاهش بودیم که با بازگشایی مرزها، تولیدکنندگان و صادرکنندگان در تلاش برای جبران این فاصله هستند. وی افزود: فاصله ریالی مبادلات تجاری در چهار ماه نخست امسال در مقایسه با سال گذشته با توجه به روند صعودی صادرات در شرایط فعلی، افزایش نرخ ارز و تغییر در قیمت محصولات جبران خواهد شد و همچنین برنامه‌ریزی‌هایی برای افزایش حجم مبادلات انجام شده است که به زودی محقق می‌شود. وی با اشاره به افزایش تقاضا برای تجارت با ریل در زمان شیوع کرونا تصریح کرد: پیش از این تجارت ریلی با ترکیه برای صادرکنندگان مورد توجه نبود اما در شرایط فعلی با ارایه خدمات مناسب به از این طریق در حال حاضر ترافیک انتقال بار نیز داریم. وی با اشاره به آغاز فعالیت خط ترانزیتی ایران و اروپا از مسیر ترکیه خاطرنشان کرد: در حال حاضر روزانه ۱۵۰ واگن از خط ریلی میان دو کشور تبادل کالایی انجام می‌شود و تجار با توجه به ارتقای خدمات، در صدد جبران صادرات سال جاری با استفاده از این بخش هستند که به زودی تحقق خواهد یافت. سعادت با اشاره به همراهی ملت، تجار و دولت ترکیه برای عبور از شرایط تحریم اظهار داشت: در واردات کالا از این کشور نیز با مشکلی مواجه نیستیم و اقلام از بنادر ترکیه ترانزیت می‌شود و به صورت ریلی و زمینی وارد ایران می‌شود. وی همچنین در خصوص برخی شایعات مبنی بر اینکه ترکیه با کشف ذخایر گازی در دریای سیاه از این پس اقدام به خرید این محصول از ایران نمی‌کند، گفت: این ادعا، تفسیری است که عده‌ای با اعلام این خبر مطرح کرده‌اند اما این کشور به‌طور رسمی چنین تصمیمی را به ایران اعلام نکرده است.

WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR | دوشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۹۹ | ۱۱ محرم ۱۴۴۲ | سال هفتم | شماره ۱۷۴۲ | Mon. Aug 31. 2020

تعادل

صاحب امتیاز: موسسه رسانه‌نگاران خوب‌اندیش
مدیر مسوول: الیاس حضرتی
سردبیر: حجت طهماسبی
نشانی: خیابان ستارخان - خیابان کوثر دوم - بن‌بست مینو
تلفن: ۶۶۴۲۰۷۶۹ - نمابر: ۶۶۴۲۰۴۱۷
چاپ: همشهری ۳ (روزتاب) - توزیع: نشر گستر امروز - تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰
سازمان شهرستان‌ها: ۶۶۱۲۶۰۸۸
اذان ظهر: ۱۳:۰۵ | اذان مغرب: ۱۹:۵۱ | اذان صبح فردا: ۰۵:۰۹

info@taadolnewspaper.ir
مرامنامه اخلاقی روزنامه تعادل در وبسایت رسمی روزنامه در دسترس است

عاشورایی که تجربه‌اش را نداشتیم

گزارش

گلی ماندگار | پاندمی کرونا امسال محرم را برای ما جور دیگری تعریف کرد. این اتفاق نه تنها در ایران که در بسیاری از کشورهای اسلامی رخ داد. اینکه برای سوگواری امام سوم شیعیان با فاصله از یکدیگر و ماسک به صورت همان شور و حالی را داشته باشیم که تمام این سال‌ها داشته‌ایم، عجیب بود و غیرواقعی. پاندمی کرونا همه‌چیز را در این هشت ماه گذشته به‌شدت تحت تاثیر قرار داد، میلیون‌ها نفر به این بیماری مبتلا شده‌اند، عده‌ای جان خود را از دست داده‌اند و در این بین کادر درمان در تمام کشورهای دنیا روزهای سختی را می‌گذرانند و خیلی از آنها نیز به این بیماری مبتلا شده یا در راه مداوای بیماران جان باخته‌اند. این اتفاق شاید خیلی از ما را یاد پرستاری‌های حضرت زینب در روزهای قبل و بعد از عاشورا در کربلا بیندازد. او که یک تنه هم باید به مجروحان می‌رسید و هم باید راه امام حسین را ادامه می‌داد و پیام او را به گوش همه می‌رساند. امسال محرم اما در خیلی از شهرهای ایران هم مثل سال‌های پیش صدای هیات‌های عزاداری به گوش نمی‌رسید، خیلی از هیات‌ها از قبل اعلام کرده بودند که برای حفظ سلامت مردم از برگزاری مراسم در مکان‌های سربسته امتناع کرده و آنها هم هزینه‌های برگزاری این مراسم را برای کمک رسانی به فقرا و کسانی که نیاز به اقلام بهداشتی دارند، در نظر گرفته‌اند، مثل حسینیه بزرگ یزد. البته اینکه در برخی شهرها و از جمله پایتخت بر خلاف هشدارها برخی تکایا بر پا بودند و دسته‌های سینه‌زنی هم در خیابان دیده می‌شدند، اما هر چه بود محرم امسال رنگ و بوی دیگری داشت که هیچ یک از ما تا به حال تجربه نکرده بودیم. عاشورا هم همین طور،

هر سال هیات‌های عزاداری و دسته‌های سینه‌زنی برای روز شهادت امام حسین (ع) سنگ تمام می‌گذاشتند. فضای شهر پر می‌شد از دود اسپند و عطر گلاب و تصویر زنجیرهایی که با هر ضربه طبل و سنج بالا می‌رفت و برشانه‌های عاشقانش فرو می‌آمد. بوی عطر قیمه‌نذری را از هر کوچه و خیابانی می‌توانستی احساس کنی، اما امسال هیچ کدام این‌ها را تجربه نکردیم، خبری از عطر گلاب و بوی اسپند و غذای نذری نبود. عزاداری‌ها یا مجازی بودند و یا با رعایت پروتکل‌ها که قطعا نمی‌توانستند شور و حال سال‌های قبل را داشته باشند. در برخی کشورها مراسم‌ها با رعایت پروتکل‌های بهداشتی همراه شد و برخی دیگر هم از طریق فضای مجازی. روش‌هایی که شیوع ویروس کرونا را به حداقل برساند، این روش‌ها در برخی مناطق سختگیرانه است و اما در مناطقی هم نواقص زیادی در آنها دیده می‌شود. پاکستان؛ عزاداری با دستورالعمل‌های بهداشتی برای مثال پاکستان یکی از کشورهایی است که با برنامه‌هایی مشابه با ایران، برای سوگواری در محرم برنامه‌ریزی کرده است، مسوولان وزارت بهداشت این کشور اعلام کرده‌اند مردم با رعایت برخی پروتکل‌های اجتماعی مثل فاصله‌گذاری اجتماعی، ضرورت پوشیدن ماسک و... به سوگواری بپردازند.

عراق؛ نگرانی نسبت به عدم رعایت پروتکل‌ها و قوانین

عراق هم مانند ایران و پاکستان مراسم‌های محرم را با رعایت پروتکل‌های بهداشتی برگزار کرده است، اما با وجود هشدار بسیاری از مراجع و مسوولان این کشور نگرانی‌هایی نسبت به عدم رعایت برخی پروتکل‌های در این کشور وجود دارد.

کویت؛ ۱۵ تا ۶۰ ساله‌ها عزاداری کنند

در کویت هم قوانین سختگیرانه‌ای برای جلوگیری از شیوع کرونا ویروس در هنگام عزاداری تصویب شده است، به‌طوری که زمان سوگواری در مراسم‌های این کشور ۱۵ دقیقه است، افرادی بدون بیماری خاصی که بین ۱۵ تا ۶۰ ساله هستند می‌توانند در مراسم شرکت کنند، در هنگام ورود به مراسم دمای بدن افراد کنترل می‌شود و پوشیدن ماسک و رعایت فاصله ۱.۵ متری با دیگران هم اجباری است.

بحرین؛ پخش زنده مراسم‌ها

برخلاف بیشتر کشورها، براساس گزارش العربیه سوگواری‌های محرم در بحرین به شکل حضوری برگزار نمی‌شود، هیات مدیره اوقاف جعفریه این کشور اعلام کرده است که مراسم محرم امسال از حسینیه‌ها به‌طور زنده پخش می‌شود و فقط کارمندان همان مساجد با پوشیدن ماسک و رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی می‌توانند در سوگواری شرکت کنند.

چهره روز

تعزیه‌خوانی که جهانی شد

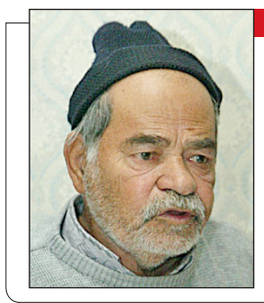

او در میان تعزیه‌خوانان به «عمو هاشم» مشهور است. هاشم فیاض در مورد تعزیه گفته بود: «آن زمان همه‌چیز تعزیه باارزش بود، سپرهای قدیمی همگی زرکوب بودند و لباس‌ها تمام دست‌دوز که هر کدام امروز چند میلیون ارزش دارند. ولی حالا تعزیه‌خوان‌ها یک تکه کرباس می‌پوشند و تعزیه اجرا می‌کنند. اگر موسیقی تعزیه نبود، شاید موسیقی ایرانی کاملا از بین رفته بود، چون موسیقی دست تعزیه‌خوان‌ها است. آن زمان «بنان» با من طفلان مسلم می‌خواند و «قمرالملوک وزیری» علاقه خاصی به موسیقی تعزیه داشت. اما الان تعزیه‌خوان‌ها هیچ کدام موسیقی نمی‌دانند و اصلا معلوم نیست چه می‌خوانند؟ آن زمان حتی مردم می‌دانستند که «علی‌اکبر» باید چهارگاه و «حر» باید نوا بخواند، یعنی تمام آن آوازها روی ذهن آنها ضبط شده بود.

مرز پرگهر

عکس: ایرنا

مراسم علم‌بندان در خراسان جنوبی

مراسم عزاداری ماه محرم در خراسان جنوبی با آیین علم‌بندان آغاز می‌شود، محرم که می‌رسد مردم استان در عزای سالار شهیدان با اجرای مراسم علم‌بندان که بیش از ۱۰۰ سال قدمت دارد، اخلاص و ارادتشان را به خاندان عصمت و طهارت نشان می‌دهند. علم مهم‌ترین وسیله در اجرای مراسم سوگواری محرم به‌شمار می‌رود در هر یک از نقاط استان هر یک از علم‌ها را به نشانه امام حسین (ع) و اصحابش نام‌گذاری کرده و هر علم را نمادی از آن شخصیت می‌پندارند. مردم برای علم احترام زیادی قائلند و وقتی علم را می‌بندند، انگار دوباره به آن جان تازه می‌بخشند. مراسم علم‌بندان یا عقد علم در بیرجند و برخی مناطق دیگر استان در غروب آخرین روز ماه ذی‌الحجه انجام می‌شود که نشانه شروع مراسم ماه محرم است. در برخی روستاها این مراسم در روزهای پنجم، ششم و هفتم محرم آغاز می‌شود و علت آن را ورود اهل بیت به کربلا ذکر می‌کنند. علم‌ها اغلب بانی و علم‌چی دارند که صاحب علم محسوب می‌شود و این کار به‌طور موروثی از پدر به پسر بزرگ‌تر خانواده می‌رسد. روز علم‌بندان مردم را به وسیله چاووشی خوانی یا اعلام از بلندگو آگاه می‌کنند، پس از جمع شدن مردم، بزرگان و سادات محل، لباس‌ها، دستمال و پارچه‌ها و توغ علم را می‌بندند و در حین کار اسپند دود می‌کنند، کسی چاووشی می‌خواند و دیگران صلوات می‌فرستند. مراسم و آیین علم‌بندان خراسان جنوبی به شماره ۶۲۷ در تاریخ ۹۱/۹/۲۲ در فهرست آثار معنوی (ناملموس) به ثبت رسیده است.

ادامه از صفحه اول

کادر درمان خسته‌اند

در این شرایط تنها وظیفه ای که بر گردن ما است رعایت پروتکل های بهداشتی است، اصلا کار سختی نیست در مقابل کاری که کادر درمان انجام می دهد، ساعت های متمادی کار تا جایی که از هوش می روند و رسیدگی به بیماران در شرایطی که خود نیاز به استراحت و رسیدگی دارند.

باور کنید کادر درمان خسته است، این اصلا بزرگ نمایی نیست، هشت ماه مداوم است که آنها همین گونه دارند از جانشان مایه می گذارند و ما زحمت یک ماسک زدن یا در خانه ماندن را به خود نمی دهیم.

باور کنید کادر درمان خسته است، ظرفیت بیمارستان ها پر شده و خیلی از دکترها و پرستارها حتی دیگر توان سر پا ایستادن را هم ندارند، آنها هم مثل من و شما انسانند، با همان عواطف انسانی آنها هم دلشان برای عزیزانشان تنگ می شود، مثل شما که بهانه سفر را دیدن مادر و پدرت می دانی و معتقدی نمی توانی دلتنگی شان را تحمل کنی. تحمل دلتنگی که تضمین سلامت آنهاست.

باور کنید کادر درمان خسته اند، آنها تمام روزها و شب هایشان را با لباس هایی که چند کیلو وزن دارد، با ماسک و شیلد و دستکش سپری می کنند و این وسایل اضافه می تواند خستگی آنها را چند برابر کند، در حالی که خیلی از ما نمی توانیم یک ساعت ماسک را روی صورتمان تحمل کنیم آنها ۱۸ ساعت بی وقفه ماسک می زنند، لباس محافظ می پوشند، دستکش به دست می کنند، آن هم در گرمای تابستان که همین طور عادی هم گاهی طاقت فرسا می شود.

چرا اینقدراز هم از دغدغه های هم دور افتاده ایم. چه بر سرمان آمده که این طور نامهربان شده ایم و دلمان برای هیچ کس نمی سوزد. فکر می کنیم آن پرستاری که ساعت ها سرم به دست سر پا ایستاده وظیفه اش را انجام می هد و بابت آن هم پول می گیرد پس دیگر نباید منتی به سر ما بگذارد، این طرز تفکر اشتباه گاهی ما را تا پرتگاه نابودی می کشاند، آن پرستار می تواند، طبق قانون یک شیفت کاری اش را تمام کند و بعد هم به زندگی اش برسد، آن پرستار می تواند طبق قانون مرخصی بگیرد و به سفر برود، آن پرستار می تواند طبق قانون وقتی شرایط برایش سخت و طاقت فرسا می شود، استعفا دهد و به این فکر نکند که بیمارانی هستند که به وجودش احتیاج دارند. اما آن پرستار قانون را فراموش کرده، انسانیت و وجدانش را بر قانون ارجحیت داده. او ساعت ها بیشتر از شیفت کاری اش در بیمارستان می ماند، او مرخصی نمی گیرد حتی وقتی مریض می شود، خیلی از آنها ماه هاست حتی حقوقشان را دریافت نکرده اند، شرایط سخت است اما او ترجیح نداده که استعفا بدهد و بی خیال وظیفه اش شود. پس شما هم کمی از توقعات خود کم کنید.

اگر کار ضروری ندارید از خانه خارج نشوید، بیرون از خانه ماسک بزنید، مسافرت رفتن را تا اطلاع ثانوی به تعویق بیندازید و به فکر سلامت خود و افراد خانواده تان باشید، همین امروز شاید فردا برای تصمیم گرفتن دیر باشد، در ضمن باور کنید کادر درمان خسته اند.

جامعه

۳ میلیون و ۲۰۰ هزار خانوار حاشیه‌نشین در کشور داریم

حاشیه‌نشینی در ایران قدمتی دیرینه دارد، اما با افزایش جمعیت تعداد افراد حاشیه‌نشین هم رو به فزونی گذاشته از آنجا که در شهرهای کوچک کسب و کار مناسبی برای ساکنان آن نیست، بسیاری دست به مهاجرت به شهرهای بزرگ‌تر می‌زنند و از آنجایی که هزینه زندگی در شهرهای بزرگ هم آنقدر بالاست که خیلی از این افراد نمی‌توانند از پس این هزینه‌ها بر بیایند، در نتیجه حاشیه شهرها می‌شود بهترین جای اقامت برای آنها، اما حاشیه‌نشینی هیچ به این سادگی‌ها نبوده و همیشه مشکلات زیادی را به همراه داشته است. حاشیه نشینی همیشه با انواع بزه‌ها همراه بوده و برخی از کسانی که در حاشیه شهرها ساکن می‌شوند، به واسطه اینکه نمی‌توانند شغل مناسبی برای امرار معاش خود و خانواده‌شان پیدا کنند، دست به بزه‌های کوچک و بزرگ می‌زنند، برخی دچار اعتیاد می‌شوند و برخی دیگر برای گرفتن حق خود از این زندگی به بیراهه می‌روند. اما هر چه هست، حاشیه‌نشینی معضلی است که همراه با تورم اقتصادی هر روز بیشتر از پیش افزایش پیدا می‌کند. مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری آمار حاشیه‌نشینی در کشور را ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار خانوار اعلام کرده که از این تعداد ۷۸۰ هزار خانوار در بافت تاریخی، حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار خانوار در بافت فرسوده و سه میلیون و ۲۰۰ هزار خانوار در سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند. مهدی عبوری در این باره گفت: هم‌اکنون حدود ۱۴۸ هزار هکتار بافت فرسوده، سکونتگاه غیررسمی و بافت تاریخی در کشور وجود دارد. پنج میلیون و ۷۰۰ هزار واحد مسکونی در این بافت‌ها ساخته شده است و جمعیتی بالغ بر ۲۰ میلیون نفر در این بافت‌ها زندگی می‌کنند. مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری ایران با اشاره به اینکه دولت دوازدهم، اهمیت ویژه‌ای برای بازآفرینی در محدوده‌های محلات هدف قائل است و در این راستا حمایت‌های خوبی از پروژه‌های بازآفرینی شهری انجام می‌دهد، گفت: در سال جاری حدود ۱۰۰ هزار فقره وام نوسازی به‌صورت خودمالکی در سراسر کشور ابلاغ شده است. مبلغ این تسهیلات در شهرهای بالای ۲۵۰ هزار نفر مانند خرم‌آباد ۵۰ میلیون تومان است که با سود ۹ درصد به متقاضیان پرداخت می‌شود؛ همچنین ۵۰ میلیون تومان دیگر با سود ۱۸ درصد در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد. او با اشاره به تسهیلات در نظر گرفته شده برای نوسازی بافت‌های فرسوده یادآوری کرد: این وام برای انبوه‌سازان صاحب‌صلاحیت حدود ۲۲۰ میلیون تومان است. همچنین صدور پروانه برای آنها کاملا رایگان است، هزینه‌های نظام مهندسی نیز از مرحله طراحی و نظارت بر اجرا مشمول ۵۰ درصد تخفیف می‌شود.

بازگشت کوشکی و دلبر به زیستگاه اصلی

یوزپلنگ‌ها گربه‌سانانی ارزشمند اما در خطر انقراض هستند؛ امروزه یوزپلنگ آسیایی فقط در ایران زیست می‌کند از این رو به آن یوزپلنگ ایرانی نیز می‌گویند و سازمان حفاظت محیط‌زیست به عنوان متولی حفاظت از گونه‌های وحشی در تلاش برای حفظ این گونه ارزشمند است که با اقدامات صورت گرفته بعد از سه سال، امسال چهار خانواده از یوز در زیستگاه توران مشاهده شد. ۹ شهریور ۱۳۷۳ یک یوز مادر و سه توله‌اش برای یافتن آب و غذا به شهر بافق استان یزد نزدیک شدند اما فردی که شناختی از یوزپلنگ نداشت، به دلیل ترس از یوزپلنگ‌ها به آنها حمله کرد که در این واقعه یوز مادر از صحنه فرار کرد و دو توله نر و ماده تلف شدند، یک توله ماده که «ماریتا» نام گرفت به تهران منتقل شد و ۹ سال در پارک پردیسان در شرایط اسارت زندگی کرد تا اینکه در زمستان ۱۳۸۲ تلف شد. بعد از آن در سال ۱۳۸۶ به پیشنهاد انجمن یوزپلنگ ایرانی، نهم شهریور ماه روز ملی حفاظت از یوزپلنگ نام گرفت اما با توجه به شرایط نامطلوب این گربه‌سان ارزشمند فقط نامگذاری یک روز کاری از پیش نمی‌برد و باید برنامه‌ریزی‌ها اصولی و علمی پیش رود. اما این وظیفه زمانی سنگین‌تر شد که به یوزپلنگ آسیایی، یوزپلنگ ایرانی گفته شد، یوزپلنگ ایرانی در گذشته یوزپلنگ آسیایی بود و در قسمت‌های وسیعی از آسیا زندگی می‌کرد. نسل این گونه در کشورهای آسیایی از جمله عربستان، عراق، هندوستان و پاکستان از بین رفت و اکنون فقط در ایران زندگی می‌کند و به همین دلیل به آن یوزپلنگ ایرانی می‌گوییم پس باید بیشتر هم مراقب آن باشیم. امروز با توسعه صنعتی و شهرها، عرصه بر حیات وحش از جمله یوزپلنگ تنگ شده زیرا انسان با خودخواهی تمام وارد زیستگاه آنها می‌شود از این رو یوزها دیگر جایی برای گشت و گذار بدون دغدغه ندارند بنابراین تخریب زیستگاه‌ها، فعالیت معادن، احداث جاده، سگ‌های گله، کاهش طعمه و جزیره‌ای شدن زیستگاه‌ها برخی از عواملی است که حیات این گونه‌های ارزشمند را تهدید می‌کند. از طرفی هم زادآوری یوزپلنگ نسبت به سایر گربه‌سانان بسیار حساس و پیچیده است که یکی دیگر از دلایل در خطر انقراض بودن این گونه ارزشمند محسوب می‌شود، البته سازمان حفاظت محیط زیست همواره بر حفاظت و تکثیر طبیعی تاکید دارد البته با توجه به اهمیت موضوع روش‌هایی مانند تکثیر در اسارت و لقاح مصنوعی را نیز در دستور کار دارد از این رو آزمایش‌های مختلفی را بر روی کوشکی (یوزپلنگ نر) و دلبر (یوزپلنگ ماده) در اسارت پارک پردیسان انجام داده است. کوشکی و دلبر دو یوزپلنگ نر و ماده‌ای هستند که به ترتیب ۱۰ آذر سال ۹۳ از پناهگاه حیات وحش میاندشت و ۱۱ آذر ۹۳ از ذخیره‌گاه زیست‌کره توران به پارک پردیسان تهران منتقل شدند، این دو گونه ارزشمند با هدف تکثیر در اسارت و انجام تحقیقات بر روی رفتار گربه‌سانان به این مکان منتقل شدند. کوشکی یوزپلنگ نر بهمن ماه ۱۳۸۶ در چهار ماهگی و دلبر یوزپلنگ ماده فروردین ۱۳۹۰ در سه ماهگی به اسارت در آمدند که بعد از این و با توجه به اهمیت حفاظت از این گونه‌های ارزشمند و در خطر انقراض بودن آنها به پارک پردیسان منتقل شدند اما امسال بعد از برگزاری جلسات متعدد کارشناسی، سازمان حفاظت محیط زیست به این نتیجه رسید که بهتر است این یوزها به زیستگاه اصلی خود یعنی توران در سمنان برگردند تا مدت زمان باقیمانده از عمر خود را به صورت طبیعی زندگی کنند و اگر شانسی برای زادآوری طبیعی دارند از آنها گرفته نشود.

میراث‌نامه

آب‌انبار کلار یادگاری از دوران صفویه

یزد زیبایی‌های فراوانی دارد و میبد یکی از زیباترین شهرهای استان یزد به شمار می‌رود. کمتر کسی را می‌توان دید که دست ساخته‌ای از میبد را در خانه‌اش نداشته باشد. شهری که علاوه بر سفال‌ها و سرامیک‌های زیبا مکان‌های دیدنی بسیاری نیز دارد. از آن جمله می‌توان به آب انبار کلار میبد اشاره کرد. جایی دیدنی که اگر این دوران پاندمی کرونا به پایان رسید و سفری به این شهر داشتید حتما باید سری به آن بزنید. آب انبار کلار رو به روی کاروانسرا جای گرفته است و زیبایی خاصی به ساباط و سردرگاه بخشیده است. قدمت آب انبار کلار میبد به دوره صفویه می‌رسد. آب انبارها معمولاً در مرکز محله‌های شهر قرار گرفته‌اند و از چهار عنصر اساسی شامل خزینه، آب قنات، گنبد، پاشیر و بادگیر تشکیل شده‌اند. دیمه، یکی از عمده‌ترین مصالح در ساختمان آب انبار کار به شمار می‌آید که از خاکستر و آهک و ماسه بادی تشکیل شده است. آب انبارها را اصولا برای بهره‌برداری و نگهداری آب آشامیدنی می‌ساختند و از آنها برای استفاده‌های دیگر سود می‌جستند. به عنوان مثال در محلاتی که آب قنات به‌طور متناوب در جریان بوده است، از مخزنی به نام انبار برای ذخیره آب استفاده می‌شده است. این آب انبارها هرچند روز یک‌بار پر می‌شدند و آب آشامیدنی آن را هر سال یک‌بار پر آب می‌کردند. مجموع آب‌انبارهای که در شهر میبد دیده می‌شود، بیش از ۱۷۰ دستگاه است که می‌توان به انبار، برکه، حوض و مخازن آب زیرزمینی اشاره کرد. یکی از کهن‌ترین نمونه‌های آب انبار در ایران که در کنار محوطه چغازنبیل قرار دارد، مربوط به دوران تمدن ایلام است. برای سالم نگهداشتن آب، بر فراز منبع آب به صورت معمول بادگیرهایی اجرا می‌کنند تا جریان هوا را در آن نگه دارند. در بالای برخی از انبارهای آب، بادگیرهای یک دهانه و دو دهانه قرار گرفته است تا از هر سو که باد می‌وزد، جریان هوا به وسیله بادگیرها برقرار باشد. اما زیبایی‌های میبد به اینجا ختم نمی‌شود، برج محمود آباد و امامزاده بی بی خدیجه هم از دیگر جاهایی است که دیدنشان خالی از لطف نیست.

کتابخانه

پدر پولدار، پدر بی‌پول

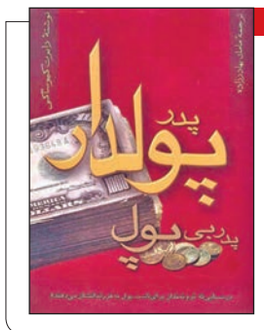

حتی اگر خواندن کتاب‌های اقتصادی را دوست نداشته باشید، از خواندن این کتاب لذت خواهید برد، داستانی که اقتصاد را به ساده‌ترین شکل ممکن برایتان تعریف می‌کند. «رابرت کیاسوکی» نویسنده این کتاب خوانندگان را به دنیای خاطرات کودکی‌اش وارد می‌کند، تضادی بین پدر نه چندان پولدار خودش با پدر یکی از دوستانش که به صورت اتفاقی یکی از پولدارترین شهروندان هاوایی بود. این تناقض، نوری را روی این مساله می‌تاباند که نه تنها چطور به بهترین وجه ممکن مدیریت مالی و یا کمبود آن را در دست بگیرید؛ بلکه چطور به فرزندان خود کمک کنید تا آنها نیز همان کار را انجام دهند. بر اساس گفته «کیاسوکی» شما قادرید کار خود را به سمت ثروت پیش ببرید؛ حتی اگر از درآمدهای سرسام‌آور لذت نمی‌برید، این که چطور پولی را که در دستتان است کنترل کنید و چه راه‌هایی را برای دور کردن خودتان از درآمدهای جزئی پیدا کنید. ویرایش جدید این کتاب بسیار جالب است و از آن جهت که زندگی ۲۰ سال گذشته را با امروز مقایسه می‌کند؛ بسیار متفکرانه است.

هنر

نگارش نمایشنامه‌هایی برای خیابان، پارک و پارکینگ

در روزگار کرونایی که هنوز بسیاری از تماشاخانه‌ها تعطیل هستند، فریندخت زاهدی از نگارش و انتشار سه نمایشنامه خیابانی خبر داد. این استاد دانشگاه و پژوهشگر تئاتر به ایسنا گفت: چندی پیش سه نمایشنامه خیابانی من در مجلدی با نام «اجرا در شهر» منتشر شد. او نگارش این نمایشنامه‌ها را پاسخی به یک دغدغه قدیمی دانست و افزود: با اینکه سال‌ها پیش کتاب‌هایی درباره تئاتر خیابانی نوشته شده است ولی هنوز فلسفه تئاتر خیابانی بدرستی فهمیده نشده و همچنان در بسیاری از موارد، درک درستی از این نوع تئاتر وجود ندارد. جوانان متوجه نیستند تئاتر خیابانی هم ژانری از نمایش است مانند تراژدی، کمدی، پرفورمنس و... و ژانری است که سال‌هاست قدمت دارد و در دنیا در حال اجراست. همچنان بیشتر نمایشنامه‌های خیابانی ما مکتوب نیست و آنچه اجرا می‌شود، کوچک‌ترین ارتباطی به تئاتر خیابانی به عنوان یک ژانر ندارد. این مدرس تئاتر اضافه کرد: کتاب «اجرا در شهر» شامل سه نمایشنامه کوتاه خیابانی است و با هدف آشنایی جوانان با این ژانر نوشته شده است. نمایشنامه‌های این کتاب هم کوتاه هستند و هم قابلیت اجرا در مکان‌های گوناگون همچون پارک، خیابان، پارکینگ و... را دارند. هر یک از این نمایشنامه‌ها در مدت زمان حدود ۳۰ دقیقه اجرا می‌شوند چرا که ویژگی این ژانر به گونه‌ای است که حتی رهگذری هم که رد می‌شود، اگر سه دقیقه فرصت توقف دارد، باید از آن نمایش جذب کار شود و بخشی از آن را دریافت کند. این پژوهشگر تئاتر در ادامه از برگزاری یک سخنرانی مجازی به دعوت پروفسور اوزا و اساتید دانشگاه هنرهای معاصر توکیو خبر داد و گفت: سال ۲۰۱۸ یک پروفسور ژاپنی به ایران آمد و با همکاری یکدیگر بر تئاتر آوانگارد ژاپن کار کردیم. در این همکاری به آثار یکی از هنرمندان آوانگارد ژاپن هم پرداختیم. هنرمندی که در جشن شیراز، نمایشی آوانگارد اجرا کرد. با اینکه همزمان با او هنرمندان بزرگ دیگری مانند پیتر بروک و گروتفکسی هم حضور داشتند، ولی کار او بسیار متفاوت بود و مورد توجه قرار گرفت و من در یکی از کتاب‌هایم درباره اجرای او نوشته‌ام.

قطعات عاشورایی

دو قطعه موسیقی با موضوع عاشورا به آهنگسازی عماد توحیدی و خوانندگی قاسم افشار و مجید اخشابی به تهیه‌کنندگی حوزه هنری ساخته شد. عماد توحیدی (آهنگساز و نوازنده دف و سازهای کوبه‌ای که در کارنامه هنری خود ساخت آلبوم موسیقی متفاوت «ذوالجناح» را با موضوع عاشورا دارد تازه‌ترین آثارش را با همین مضمون منتشر کرده است. این دو اثر بر اساس اشعاری از محمود حبیبی کسبی و علی داوودی، با تنظیم وحید اختری و به خوانندگی قاسم افشار و مجید اخشابی به تهیه‌کنندگی حوزه هنری تولید شده‌اند. این آثار به صورت موزیک ویدئو با طراحی امین قرایی و کارگردان حسن اسدی ساخته شده‌اند. عماد توحیدی به تازگی در همکاری با مرکز موسیقی حوزه هنری آلبوم «شمس جان» را با صدای داوود آزاد و بر اساس حکایت اول مثنوی معنوی منتشر کرده است.